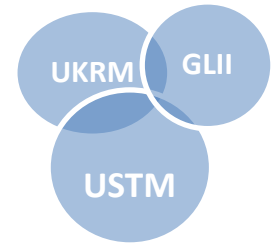


سال 1400

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مدیریت نامه

مدیریت نامه ( حکمرانی ، رهبری ، مدیریتی )

UKRM= **U**seful **K**nowledge **R**ules **M**anagement

GLII= **G**overnmental **L**eadership of **I**slamic **I**ran

USTM= **U**nificational **S**ubscribes of **T**hree **M**odels

اثر محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیره مادام العمر

گنجی جاویدان از این خبره وطراح از منابع مبنائی منظومه های بصیرتی ( آراء مبتنی بر بصائر )  
( Opinions based on insightfull ) ورویکرد تعلیمی

رساله یا گفتار 28 : پیرامون مزیت های نسبی ایران در تجارت خارجی



Mahmoud saneipour

رساله تراز تجارت خارجی (صادرات/واردات) ایران در 42 سال انقلاب با مقیاس مازار ارزشی

نویسنده : محمود صانعی پور

1 | Page

محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر ( 98 - 9121195673 + ) بیش از 40 رشته تخصصی ومهارت های لازم در موضوع حکمرانی ، رهبری ، مدیریت بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید **UKRM**

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, [mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com) , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com)

**UKRM=Useful Knowledge Rules Management**

**GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran**

**USTM=Unificational Subscribes of Three Models**

مضامین ، متون ، ماهیات و کارکردهای تجارتي خارجی هر کشور با سرفصل های زیرتعیین میشود

1. شناخت اسناد اعتباری مبادلات کلا و خدمات (L/C) ، (Draft) و....
2. داشتن مجوز از سازمان تجارت یا وزارت خانه تجارت ، اطاق بازرگی و غیره
3. ثبت شرکت تجاری
4. داشتن حساب باز ( Open Account ) یا حساب نسبه ( Consignee )
5. آشنائی کامل با قانون و مقررات گمرکی ( تعلیم 112 )
6. داشتن امکان پیش پرداخت ( Advance payment )
7. داشتن امکان پرداخت اولیه فاینانس ( Initial payment )
8. آشنائی کامل با سازمان تجارت جهانی ( WTO ) ( تعلیم 112 )
9. آشنائی با نوع پیام ( MT ) و اطاق سوئیفت ( Swift Room ) در حال حاضر این سیستم برای ایران تحریم و تجاز با کمک بانک های تجاری کشور و صرافی های واز طریق اعتبار اسنادی پشت به پشت ( Back to Back L/C ) اقدام میکنند
10. آشنائی کامل به سیستم های بانکی کشور و بین المللی
11. آشنائی کامل با فاینانس و تامین مالی
12. آشنائی کامل با بورس
13. آشنائی کامل با کشور های کامله الودادی ( تعلیم 112 )
14. داشتن شرکای مطمئن خارجی
15. آشنائی با سیستم تجاری کشور مثل درگاه بازار
16. اخذ مجوزات لازم از سازمان های تجاری یا دستگاه های ذی ربط مثل اطاق بازرگانی
17. آشنائی با اقتصاد تجاری
18. آشنائی با اقتصاد سیاسی
19. آشنائی با حقوق تجارت
20. آشنائی با تبلیغات و امور رسانه ای
21. فنون و مهارت های تجاری حلال و پاک
22. همکاری پروژه های یقینی با دوستان خارجی ( تعلیم 66 )
23. آشنائی با سازمان های زمینی ، هوایی ، دریائی مرتبط به تجارت و لجستیک عدالت توزیعی
24. آشنائی با اصول روابط بین المللی

بسیاری از اصول فوق توسط این مولف تدریس شده ویا در کار کرد های کارآفرینی ایشان بوده است در پروژه ها ویا طرح ها و برنامه ها که به فراخور مباحث در تعالیم 114 گانه این مولف آمده است ، کشور ما از لحاظ مختلف در این موضوع دارای نقصان های رنج آور است واین امر باعث شده که قاچاق رونق

داشته باشد که بسیاری از تشریفات قانونی لازم ندارد ، و ارز حاصل از تجارت خارجی به جیب چپاول گران برود ، این سیستم های که در کشورهای توسعه یافته یک زیر ساخت اقتصادی – سیاسی محسوب میشود در ایران ، در یک رگولاتوری جامع نبوده و آن محدود سیستم های پاره پاره نیز کارآمد نیست و یکی از دلایل گرانی ارز در همین رمز و راز ها است که با رشوه و اخذ مجوزات با امضای های پطلانی ، منجر به فقدان استفاده دولت – ملت از حقوق حقه مردم و بقای ودوام مملکت شد است ، خام فروشی بلای بزرگی ای که هنوز با قدرت و عزم و جزم در حال انجام است که به مفت فروشی و اخذ ارزهای خارجی به نفع دلالان داخلی و خارجی منجر میشود ، آنچه که در این رستا مهم است فقدان دانش مفید و متعهدانه و وفق اصول اسلام و احکام حکمرانی اسلامی است ، یکی از جاهانی که نسبت چندان با احکام شرعی ندارد و نظارت و کنترل دولت و دستگاه قضاء ندارد ، بی سوادی به و عدم آشنایی به اصول فوق است ( تعلیم 13 یک تا سه ) ، بنابراین تجارت داخلی و خارجی ، سرفقلى ( right of business ) دارد و بخش تجارت الکترونیک آن پر ارزش و بیاد آورده آن بیش از لجستیک عدالت توزیعی است که همه اینها به زیر ساخت آمایش سرزمینی ( تعلیم 14 33 ) ، لجستیک عدالت توزیعی ( تعلیم 35 ) مبارزه سرسختانه با قاچاق ، طر کامل خام فروشی و نجات دادن کشور و ملت از فساد ساختار یافته دولتی و خصولتی است – مولف

تفاوت میان ارزش پولی واردات و صادرات خروجی در دوره‌ای معین تراز تجاری است. در واقع تراز تجاری معیار رابطه بین واردات و صادرات کشورها است «Balance Of Trade». تراز تجاری است که در ادبیات اقتصادی به آن «خالص صادرات» گفته می‌شود و با نماد NX نمایش داده می‌شود. اگر صادرات بیشتر از واردات باشد، به نام «مازاد تجاری» مشخص می‌شود و اگر صادرات کمتر از واردات باشد، «کسری یا شکاف تجاری» نام می‌گیرد. خلاصه‌تر آنکه تراز تجاری نتیجه خالص صادرات يك جامعه اقتصادی است. مانده مثبت نشان‌دهنده صادرات بیشتر و مانده منفی نشان‌دهنده واردات بیشتر خواهد بود. واقعیت آن است که افزایش صادرات با افزایش تقاضا برای ارز در کشور صادرکننده، رابطه مستقیمی دارد؛ چراکه کشور واردکننده کالا و خدمات، باید پول جاری کشور صادرکننده را خریداری کند. بنابراین هر چه صادرات افزایش پیدا کند پول کشور صادرکننده تقویت می‌شود. گزارش تراز تجاری اثر قابل توجهی بر اوراق قرضه و بازار سهام دارد. در مازاد یا کسری تجاری در حال کاهش از ماه قبل، بطور طبیعی کشورهای واردکننده کالا باید ارز خود را به ارز داخلی کشور صادرشونده تبدیل کنند. این اتفاق منجر به افزایش تقاضا برای پول داخلی و بنابراین موجب افزایش ارزش آن می‌شود.

جدول تراز صادرات / واردات کشور در 42 سال اخیر ایران نشان میدهد که کشور فاقد مازاد تجاری بوده است و در بعضی سال که مازاد تجاری داشته ، بر حسب تناژ بوده و نشان دهنده خام فروشی کشور به ثمن بخش بوده است، این کسری و شکاف تجاری دوران انقلاب که عمدتاً با فروش نفت خام و مواد

معدنی وکالای های سنتی و غیر تکنولوژیک بوده است ، مارا محتاج به ارز خارجی برای واردات نموده و تا کنون بالغ بر 1200 میلیارد دلار آمریکا هزینه نمودیم که بین کلاهای وارداتی ، خاک اره ، بیسکویت ، شکلات ، لوازم آرایشی ، و... بوده است و کشور ژاپن با یکصدم این مبلغ به تکنولوژی و صنعتی کشور نائل شد و ما هنوز قطعه ، ماشین آلات ، ابزار های مهندسی ، و... وارد میکنیم ، بیک عبارت ساده واردات یعنی گران شدن ارز خارجی و صادرات یعنی ارزشمند شدن پول ملی و یک از 110 تحول های محوری مولف در جمهوری اسلامی باید به عنوان زیر حکمرانی ، رهبری و مدیریت نظام جمهوری انجام شود ، تحول تحت عنوان "

انتقال از ضایع کنندگان به ذی حقان، از شیف به تولید و اصلاح معیشت مردم در کنترل تورم و گرانی	13-1 13-2 13-3 23،26،30،33 ' 39،58،99	Monetary transformation in the country In liquidity and Distribution based on duties - rights	تحول پولی در کشور در نقدینگی و توزیع بر اساس تکالیف - حقوق	14  Σ ©
---	--	--	---	------------------

در ردیف 14 نام گذاری شده و یکی از زیرساخت های نرم و سیستمی اقتصاد توسعه کشور است

[واردات 1000 میلیارد دلار کالا به کشور طی ربع قرن گذشته... /](#)

<https://www.tasnimnews.com> < اقتصادی > اقتصاد ایران

اصول این تحول 24 مولفه فوق بوده که به صدها فاکتورهای لازم نیاز داشته و بسیاری از شالوده های دستگاه های اجرایی را نظیر بانکها ، صرافی ها ، سازمان تجاری ، وزرات خانه های مربوطه ، و... را متحول میکند ، تا کنون هم اگر پیشرفتی داشتیم به برکت تحریم فروش نفت و یا واردات تکنولوژی مولد و سرمایه و اسباب و ابزار های جریان بطنی پیشران های معدود و محدود بوده است و با توصیه ها و اندرز ها و گرفتن چند تن از چپاول گران ، کاری از پیش نمی رود ، حکمرانی به فرمان نیاز دارد که بر اساس ، تدابیر از نظر و عمل نظیر مولفه های فوق ممکن است ، که خودش زیر ساخت برای طرح های مهم و حیاتی وزیر ساختی نظیر آمایش سرزمینی و سراسر کشور بر اساس همگونی مناطق باید انجام شود و استان های استعداد قبول این طرح منظومه ای و تمام پوششی را ندارد ، این طرح زیر ساخت لجستیک عدالت توزیعی و این طرح بزرگ ، بستر تجارت داخلی و خارجی و تمام اصول دربرگرفته و سازوکارهای لازم را در اقتصاد تجارت داخلی و خارجی را تجهیز میکند ، آمایش ، تجارت ، لجستیک ، مزیت نسبی ،

زنجیرهای تامین و عرضه و کلیه سازمان های وسامانه ها و رسانه های آن یک اقتصاد سالم را نصیب ایران میکند .

دیر شده است و فرصت های زیادی از دست رفته ، تظاهرات داخلی ، نقد ها و.... در این مورد ، کمتر از قدرت تحریم نیست ، در کنار این جنبشهای ملی ، کارشکنی هم به اوج خود رسیده است که برای آنها نیز ، نظیر این زیر سات ها ، تدابیر لازم وجود دارد ، آنچه وجود ندارد عزم و جزم ملی و تدابیر صحیح و بصیرت های هزاره ( درتعلیم 83) است که مایه های کم یابی برای ور آمدن ها ، رویش ها و تبلور هاست ، در بسیاری از تعلیم از موازنه ها و تعادل های ضرور سخن رفته است و آسیب شناسی شده و راه حل داده شده است ، ما کشور کم تعادلی در امر اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست داخلی و امور اجتماعی هستیم که نقش سایر فعالیت های ضرو کند میکند و کلاً دیدگاهی را به عنوان یک حرکت فراتقلاب ، توجیه میکند که بر اساس قاعده " سلب و ایجاب " قابل حل است، زمان نیز تنگ است ، کارهای زیادی در دستور کار است ، زاید است ، کارهای ضرور ، فعال کردن محورهای هائی است که خود بخود ، روبنا های دولت و نظام منوط و موقوف به وجود آنها است ، این مولف حدود 32 سال مشغول این گونه بررسی های ضد و نقیض است که گاهی تخریب را جایگزین ، اصلاح و سازندگی کرده است

به عنوان مثال پول پخش کردن به بهانه تعادل بین دهک های درآمدی ، تورم را افزایش میدهد و فاصله درآمدی با افزایش پول حسابی ، گرانی را ملموس تر میکند ، نقدینگی باید از طریق بانکها به سوی تولید هدایت شود ولی بانکها بیشترین بهره را از تجارت واردات بدست می آورند ، بهره در کشورهای توسعه یافته ، برای تولید کمتر از 4 درصد و این در حالی است که این مولف تا 43 درصد بهره را در بند و بست های تجاری و معاملات صوری شاهد بوده است ، بانک های کشورهای توسعه یافته برای سپرده مردم در نزد بانک باید هزینه نگهداری بدهند پس بهتر است با معاملات اسلامی صکوک ، سرمایه خود را در تولید و اقتصاد مولد بکار بگیرند که بیشترین سود حلال را ببرند و این قراردادهای اسلامی را بیمه کرده و نزد بانک واگذار کرده و بانکها نیز با سرمایه خود ، مشارکت کنند ، این اصول دوقرن این که در بلوک غرب جاری و به سیستم های مدرن یا تجارت مدرن تبدیل شده است ، راه و ابزار ؛ طرح و نقشه و... است عزم و جزم نیست که مقدرات الهی بخاطر حفظ ذکر آیه 9 سوره حجر " إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ " ، و به خاطر حفظ قران و اسلام و نظام اسلامی ، دولت را مجبور به تحرک و تحول اجباری خواهد کرد و گر نه ما نمی دانیم ، خداوند متعال چه اراده دیگری دارد، جمهوری اسلامی که سخن از عدل میکند در اکثر فعالیت های اقتصادی - اجتماعی فاقد تعادل و اعتدال است ، موضوعی که در کشورهای توسعه محور توسعه قرار گرفته و یا سیستم های رگولاتوری یک پارچه نظارت و کنترل میشود و چشم و گوش ها و سایر حساسگرهای الکترونیکی این تعدیل را محافظت کرده و از کوچکترین دخالت بیجا و اقدامات فضولی و یا به تبع رشوه خواری و سایر فساد های اداری ، ممانعت به عمل می

آورند وکشورخودرا برای حفظ نظام وحقوق اجتماعی ملت ، صیانت میکنند وهدف از اسلام ومدعی اسلام گرائی در عمل ونه درحرف در کشورهای توسعه یافته جریان دارد که بدنبال فهم ودرک مفیدهای جهانی هستند از هر دین وآئین که ممکن باشد ( تعالیم 13 گانه ، 20، 18 ، 77 از این مولف) وانها معاملات اسلامی صکوک را بهتر از کشورهای اسلامی با وجود این سیستم های کارآمد ودقیق وبموقع انجام میدهند

تبادل بین صادرات/واردات در تجارت خارجی برای ارز آوری ، نگهداشت ارزش وقدرت پول ملی، تبادل بین بانکها برای سوق دادن سرمایه ها بسوی تولید وفرآوری وثبوت نرخ قیمت وشکست تورم در سال های متمادی که گاهی با کاهش قیمت نیز مشاهده شده است ، تبادل بین تولید ومصرف توسط لجستیک عدالت توزیعی وبا کارگزاران رسمی ودارنده مجوز وآموزش دیده که یک خطا از آنان با حذف مجوزات قانونی وجرایم سنگین( نقره داغی ) وسقوط حتمی آنان همراه است در روستا ها ، شهر ها وتامام اکوسیستم های منبعث از آمایش سرزمین ( تعلیم 14 و33) سراسر کشور با ابعاد وخصوصیات منطقه ای می باشد ، تبادل بین دهک های درآمدی که گران بودن ویا ارزان بودن وحتى مفت جلوه کردن کلا وخدمات ایرانی در نیز خارجیان مسافر ، بطوریکه بسته ای مختلفی با قیمت ودلار امریکا محاسبه کردم وملاحظه نمودم که یک بسته معیشتی با دلار معادل 5 تا ده برابر همای بسته درخارج از کشور با دلار میسر است بنابراین اجناس ایرانی برای خارجیان تقریباً مجانی ، برای دهک های 9 و10 ، بسیار ارزان وخرد آن برای دهک های یک تاسه تقریباً غیر ممکن ، برای دهک 8 تا 6 متعادل وبرای دهک های 5و4 ، گران ومحسوب میشود که در نامتوازن کشور را به نمایش گذاشته است

این قضیه در تمام شاخه ها وبخش های کشور مشهود ویا حساب سازی بانک مرکزی ، وسخترانی های دولت مردان سخت مغایر وموجب عصبانیت مردم فقیر از دهک 5 تا 1 به تعداد بیش از 40 میلیون نفر را شده است ، وکشورما در رتبه نابرابری های متعدد اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و.... نظیر فساد ساختار یافته ، بسیار پست وننگین نشان میدهد ، خود این مسئله بطور طبیعی نفوذ کشورایران را درجهان کاهش داده وبهانه دست شبکه های معاند داده ( تعلیم 21) که در تضعیف نموده است وهمکاری های بین المللی را زیر سوال می برد ، در هیچ بخش وشاخه های مورد مطالعه وتحقیق این مولف در چهار تعلیم ( 26 تا 29 ) عدم تعادل وجود دارد که دال بر بی عدالتی علنی است که دلایل علمی آن کاملاً مبرهن بوده وبا تصمیم های دولت مردان ، امکان رفع وبازدارندگی از زندگی مشروع ونسبتاً مطلوب مردم ممکن نبوده وموارد علیت تراکمی مجموعه ها ومولفه های عدم اعتدال در جمهوری اسلامی ایران از شرح وبسط های متعارف خارج بوده وبا تدابیر مدیریت فعلی با این سبک وسیاق میسور نیست ، در تعادل وموازنه صادرات/واردات کشور موضوع مهمی نظیر " مزیت نسبی وفرصت های برابر وارزیابی های تطبیقی " مطرح نیست ، هرکس با هر اندیشه خوب ویا بد ، کاری شروع میکند یا

میلیارد میشود و یا به خاک سیاه می افتد ، و یک مرکز هدایت مزیت های نسبی ( comparative advantage) برای راهنمایی کسب و کار ها وبخصوص امرتجارت وجود ندارد ، مرکز هدایتی برای کسب و کار مردم در تعیین تحلیل هزینه – فایده ندارد و هر چه در دایره حکومت لازم است به راهنمایی وشناخت مسیر درست مردم دارای سامانه های لازم باشد در زنجیره های محکم قاچاق ، چپاول گری ، فساد زنجیره ای اداری و... برای فربه شدن دولتی ها ورفقای وطنی وجهان وطنی آنان طراحی وتمام دستگاه های موظف اقتصادی ، به نحوی از انحاء وحتی بصورت روتین وسازمان یافته که حسن وقبح عقلی آن محو شده است وجود دارد ، در 110 محور تحول دولتی ، باید خبرگان میان رشته ، کار آزموده وجهان دیده وبسیار متعهد دست بکار شوند که خودیک ماهیت شناختی جدید برای نظام است .

حرمت قاچاق سوخت و بعضی کسب وکارهای دیگر از دیدگاه اهل سنت ، با قوانین ومقررات وبخشنامه وتصمیم های دولت مردان سازگاری ندارد وموجبات چالش ومناقشات زیادی در مناسبات بین شیعیان واهل سنت شده است ، وجود این چنین عدم تعادل های بین 80 میلیون شیعه ایرانی ویا 400 میلیون شیعه در جهان با 1.2 میلیارد اهل سنت که نزدیک ترین آئین را با ما دارند را به عدم تعادل های دیگر بوجود آورده ، تمام جنگ وجدال های از احکام مغایر شرعی ، قابل مصالحه بوده ویا سهم عادلانه کسب وکار ، یک جامعه میلیاردری را در حمایت ایران درمیآورد وموجبات نفوذ ایران قلوب مسلمین جهان میشود که شدنی است( تعالیم 13 ، 18 ، 24 ، 35 ، 68 ، 21) که به تعداد کشورهای کامله الودادی در گسترش کسب وکار می افزاید ، بطور کلی درمواردیکه که این مولف آسیب شناسی کردن وبرای راه حل ورود کرده است ، یک رها شدگی تمام عیار ومماشات وسردرگمی را دریافته ودر مندرجات تعالیم بدون تعارف قید کرده ، وباده ها نامه ،و350 مقاله و100 رساله وغیره هشدار داده وخطرات محتمل را خاطر نشان نموده ویا بی وقعی روبرو شده است که دلیل مسلمی از رها شدگی واینکه امور یادشده در چنبره بیگانه داخلی وخارجی ، در جریان وچرخش منظم است ، بدیهی راه های فراوان تجارت وکسب وکاری منظم وسیستمی در کشورها توسعه یافته وپاسخ به استفتاء ها وتقرب عملی ومیدانی بین ادیان ، نه کنفرانس ها ونشست های علمانی وبدون اثر ملی وفراملی ودر کنار هزاران ظلم وبی عدالتی در جامعه توسط چپاول گران ، تکیه روی باور های غیر علمی ، مارا مرتب در چالش جدید قرارداده وباعث ناراحتی ، قبائل ، آئین های وطن دوست و... شده وتصویر روشن تر ومعالج های دردهای بوجود آمده میباشد

مشکلاتی که بانک مرکزی در اقتصاد ایران بوجود آورده است

چالش های پیش روی نظام بانکی قرار گرفته است

مدیرعامل بانک صنعت و معدن در یادداشتی به تشریح چالش های پیش روی نظام بانکی در پیشرانی مؤثر جهش تولید و شکوفائی اقتصادی کشور پرداخت.

**به گزارش ایسنا، به نقل از شاتا، حسین مهري در این یادداشت آورده است:**

با توجه به اینکه امروزه بیشتر از سیاست های توزیع ثروت توسط دولتمردان و سیاستگذاران می شنویم تا سیاست های تولید ثروت و درآمد و بی تردید یکی از پیشران های مهم تولید و شکوفائی اقتصادی کشور، نظام بانکی آن است که به عنوان تأمین کننده سوخت ماشین های محرک توسعه اقتصادی از آنها یاد می شود، به طور کلی چالش های پیش روی نظام بانکی را در دو سطح محیطی و کلان و در سطح شبکه بانکی می توان خلاصه نمود. در سطح کلان عدم استقلال بانک مرکزی و عدم هماهنگی دستگاههای متولی سیاست های پولی و سیاست های مالی را از مهمترین چالش های موجود می دانم. در خصوص عدم استقلال بانک مرکزی می توان گفت که نبود بانک مرکزی قوی و مستقل به عنوان نهاد ناظر یکی از علتهای اصلی بیماری نظام بانکی کشور است. تجربه دنیا و مطالعات علمی و تجربی نشان می دهد که درکنار دولت شفاف و قوی که به گفته های خود کاملاً پایبند است، بانک مرکزی می بایست از قدرت و شفافیت لازم برخوردار و از یک مدیر مقتدر بهره مند باشد. استقلال بانک مرکزی به این معناست که این بانک امور خود را با حفظ مأموریت بر اساس صلاحدیدش انجام دهد و از طرف دولت، نهادها و افراد دیگر وظایفی به آن تحمیل و تکلیف نشود. که متأسفانه در دوره های مختلف این استقلال وجود نداشته است که منشاء بسیاری از مشکلات کنونی مانند خلق نقدینگی بی رویه در کشور بوده است.

نکته بعدی این است که حکومتها برای اعمال سیاست های اقتصادی در قلمرو خود به طور کلی دو ابزار اصلی دارند. یکی سیاستهای مالی و دیگری سیاستهای پولی. در کشور ما متولی اولی وزارت امور اقتصادی و دارایی است و متولی دیگری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. نکته نخست اینکه این دو سیاست در حقیقت دو بال اقتصاد کشور هستند و کارایی آنها البته به شرط تدوین و تنظیم درست، بستگی کامل به انسجام و هماهنگی کامل آنها دارد. به بیان استعاری حتی اگر این دو بال، قدرتمند و به تنهایی درست عمل کنند، هیچ تضمینی در موفقیت آنها وجود ندارد اگر همسویی و هماهنگی آنها رعایت نشود. در این صورت این سیاست ها هرچه قدر هم قدرتمند باشند اگر هماهنگی وجود نداشته باشد بیشتر یکدیگر را خنثی می کنند و باعث هدررفت منابع و محقق نشدن مأموریتهای اصلی آنها می شوند.

متولی پایه پولی و ارزش و اعتبار پول ملی بانک مرکزی است، اما به دلیل آنکه دولت در واقع با فاصله زیاد، بنگاهی بسیار عظیم است، منافع بزرگی هم در سیاستهای پولی دارد و همین باعث می شود در مواقع نیاز و دشواری بانک مرکزی را تحت فشار گذاشته و از طریق استقراض باعث بالا رفتن نقدینگی کشور شده و همین باعث تورم افسار گسیخته می شود، به طوری که اقتصاد کشور در چهار دهه اخیر به



جز مقاطعی همواره دچار تورم های دو رقمی بوده که منجر به بی ثباتی اقتصادی و حتی اجتماعی شده است. لذا، انسجام و هماهنگی دستگاههای متولی و مجری سیاست های پولی و مالی کشور از الزامات مهم هدایت منابع پولی به بخش های مولد و پرهیز از خلق پول پر قدرت و تبعات منفی ناشی از آن می شود.

شبکه بانکی کشور نیز اکنون با مشکلاتی مواجه است که بعضاً ناشی از سیاست های نادرستی بوده که در طول زمان به بانک ها تحمیل شده است. چالش نخست، مطالبات غیر جاری بانک هاست. شروع مشکلات نظام بانکی کشور را شاید بتوان به دهه ۸۰ نسبت داد. به رغم اینکه در دهه ۸۰ مشکلات قانونی و نهادی وجود داشته و بستری برای بانکداری خصوصی فراهم نبوده است، بانکهای کشور خصوصی شدند که همین مقدمه به وجود آمدن انباشت مطالبات غیر جاری در ترازنامه بانکها بوده است. در عین حال همزمان با افزایش مطالبات غیر جاری، بدهی های دولت به بانکها افزایش پیدا کرد. نظام بانکی نیز برای جبران کاستی های خود دست به دامن بانک مرکزی شده و از آن استقراض می کرد که در نتیجه انباشت مطالبات غیر جاری و بدهی های دولت که نوع دیگری از مطالبات غیر جاری هستند، جریان درآمدی بانکها با کاهش مواجه شد که عامل ایجاد افت خالص درآمد نقد در بانکهای کشور شده است.

اقتصاددانان در تبیین چرخه ایجاد شده در نظام بانکی، کاهش خالص درآمدهای نقدی بانک ها را عامل ایجاد کاهش تسهیلات اعطایی در بانکها و افزایش نرخ تسهیلات بانکی می دانند. آنها تأکید می کنند که این عوامل باعث به وجود آمدن رکود اقتصادی شده و رکود اقتصادی نیز مجدداً باعث انباشت مطالبات غیر جاری بانکها می شود. چالش دوم، دارایی های غیر نقد شبکه بانکی است. در گذشته نقش بانک مرکزی نیز به عنوان نهاد ناظر بانکی کمرنگ بوده است. در نتیجه به دلیل ضعف نظارت بانک مرکزی، بانکها به سمت خرید املاک و مستغلات رفتند که به صورت دارایی ها در ترازنامه بانک ها جمع شد. در دهه ۸۰ به دلیل افزایش قیمت نفت، درآمدهای نفتی از طریق بانک مرکزی به بانک های دولتی وارد می شد و بعد به معاملات بانک های خصوصی تزریق می شد. کنار هم قرار گرفتن این اتفاقات در آن زمان سبب شد که تنگنای اعتباری توسط بانکها حس نشود. اما رکود سالهای آتی معادلات بانکداران کشور را تغییر داد؛ به طوری که قیمت مسکن و مستغلات کاهش پیدا کرد و خالص جریان نقد به کمترین مقدار خود رسید.

چالش سوم، بالا ماندن نرخ سود سپرده های بانکی است. نکته مهم دیگر این است که نظام بانکی کشور عمدتاً متوسل به افزایش نرخ سپرده برای جبران افت جریان نقد خود شده است. این باعث می شود که با افزایش نرخ سپرده حقیقی در بانک ها، نقدینگی از تولید خارج شده و به سمت بانک ها سرازیر شود. این امر در شرایط رکود اقتصادی و بالا بودن نرخ سود سپرده ها در نظام بانکی موجب اضافه برداشت ها از بانک مرکزی می شود. هم زمان با این چرخه، مؤسسات غیرمجاز نیز به عنوان بازیگران بد وارد این فرآیند شدند. از آنجا که مؤسسات غیرمجاز تحت نظارت بانک مرکزی نبودند، در نتیجه جوابگوی کارهای خود نیز نبودند و نرخهای بسیار بالاتری از بانکها پیشنهاد می دادند که بتوانند وعده هایی را که

به سپرده گذاران قبلی داده اند با سپرده های جدید تأمین کنند که مصداق بازی پانزی است. افزایش جریان هزینه ای، سرمایه بانکها را از بین می برد و بانک ها را زیان ده می کند. اتفاقی که در حال حاضر افتاده و بانکهای کشور زیان ده شده اند، اما به دلیل اینکه بانک مرکزی از وجوه خود، آنها را تأمین می کند، کسی را نگران نکرده است. اما باید به این نکته توجه داشت زمانی که اجازه داده نمی شود سپرده گذاران به بانکها مراجعه کرده و جواب منفی بشنوند و از طریق منابع بانک مرکزی کسری بانک ها تأمین می شود، در واقع روند غلط نرخ سود بانکی بالا ادامه پیدا کرده و در نهایت اثرش را در رکود اقتصادی نشان می دهد.

چالش آخر و مهم، عدم آمادگی اکوسیستم نظام بانکی برای اجرای مدل های نوین بانکداری است. امروزه با مطرح شدن مدل های جدید بانکداری مانند بانکداری دیجیتال، بانکداری شرکتی و غیره هنوز آمادگی های لازم هم در سطح نهادی و هم در سطح سیستم های نظارتی و شبکه بانکی برای اجرای بهینه این مدل ها وجود ندارد در حالی که حیات و ممتات نظام بانکی به استفاده از فناوری های نوین برای کوتاه کردن فرایندها و انجام مؤثرتر رسالت آن وابسته است. عده ای معتقدند که در آینده ما به بانکداری نیاز داریم ولی نه به بانک ها که به این مفهوم است با ورود فین تک ها، تک فین ها و بیگ تک ها خیلی از فعالیت ها و وظایف نظام بانکی توسط دیگر بازیگران قابل انجام است که این می تواند توام با فرصت ها و تهدیدهای جدی برای نظام بانکداری کشور در شیوه کنونی آن باشد. به نظرم برای حل این مشکلات اصلاحات سیاستی و ساختاری در سطوح مختلف لازم داریم. وجود بانک مرکزی قوی و مستقل، هماهنگی سیاست های پولی و مالی کشور، توسعه دستگاههای نظارتی همگام با بانکداری نوین در کنار تغییر مدل کسب و کار بانک ها، اجرای حاکمیت شرکتی نوین در بانک ها و طراحی و اجرای برنامه دقیق و زمانبندی شده تحول نظام بانکی کشور می تواند از اقدامات مهم جهت قرار دادن ظرفیت های نظام بانکی در خدمت بخش های تولیدی و اقتصادی کشور جهت ارزش آفرینی باشد. (در رهاشدگی اقتصاد ایران و سیاست های پولی، بانک مرکزی از استقلال ذاتی و بالقوه خود در اجازه دادن به بان های خصوصی و خصوصیتی، چاق اسکناس های بدون پشتوانه، عدم نظارت در امور بانکی، بهره های ظالمانه، چرخ پول و شبه پول بسوی سوداگری های فربه ساز کاخ نشین، و... و صد های آسیب آورده، گویا سکان دارو مامور ناوبری شیطان بزرگ در ایران بوده بطوریکه کاتر گفت: من دلار امریکا را به 1000 تومان میرسانم ولی، بانک مرکزی چه استعداد معجزه آسائی داشته که دلار به 32000 رسانید و نمیدانم؛ پاداش این خدمت به اروگاه غرب و شیطان، چگونه واز کی به کی پرداخت شده است!!!!- (مؤلف)

با رای نمایندگان مجلس؛

کلیات طرح استقلال بانک مرکزی تصویب شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی کلیات طرح استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را تصویب کردند. به گزارش اقتصادآنلاین به نقل از مهر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز مجلس با ۱۹۹ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۰ نماینده حاضر در جلسه علنی با کلیات طرح مسئولیت، اهداف، ساختار و وظایف بانک مرکزی موافقت کردند. طغیانی: بانک مرکزی باید مستقل از دولت‌ها باشد، سیدمهدی طغیانی درباره طرح مذکور، گفت: بیش از ۱۲ سال است که کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طرح استقلال بانک مرکزی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. وی متذکر شد: از سال ۵۱ تاکنون ارزش ریال همه ساله نسبت به سال قبل ضعیف‌تر شده است و همچنین بانک مرکزی به وظایف خود جهت حفظ ارزش پول ملی توجهی نکرده است (وکلاي مجلس خيال میکنند خیلی کار مهمی انجام داده اند ، هیچ دستگاه کاملاً مستقلی و راه شده از نظام عدالت گستر جمهوری اسلامی ایران ، نمی تواند چیز معجزه ای بوجود بیاورد که یک عدل تعادل ریشه دار ، عمیق ، پیچیده و در جهت چپاول گری و فربه کردن اهالی آن ولاغر و رنجور کردن ملت عزیز و زحمت کش وطن اسلامی به نفع صهیونیسم جهانی مهیا کند که خواهان ایجاد ، حکمرانی اقتصادی ایران هستند - ابله دانستند - مولف) و نشست نقد طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی در خبرگزاری حوزه و به شکل مجازی و حضوری برگزار شد که در این نشست استاد حسن سبحانی استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، حجج اسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی رئیس مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه‌های علمیه، غلامعلی معصومی‌نیا استاد دانشگاه خوارزمی و جواد عبادی رئیس موسسه فقه اقتصاد سخنرانی کردند که در ادامه تقدیم می‌گردد:



Hawzah news agency Photo: Abbas Faramarzi

## کلیات طرح مجلس قابل دفاع نیست

دکتر سبحانی در نشست نقد طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد: روش من بر اساس تجربیات این است، اگر به نظر بیاید که یک نوشته و طرح بعد از اصلاحات نیز قابلیت‌های لازم برای اجرا را ندارد، از ابتدا به اعمال اصلاحات در آن وقتی نمی‌گذارم و با کلیت آن مخالف می‌کنم. وی بیان کرد: به دلیل اینکه این طرح با اصلاحات زیاد نیز نمی‌تواند طرحی مفید برای اقتصاد کشور باشد شخصا مخالف هستم؛ زیرا در ۳۸ سال گذشته در نظام بانکی بر خلاف قانون عملیات بانکی بدون ربا تصمیماتی گرفته شده است که مبتنی بر قانون یا منطبق بر قانون نیست و همه انحرافات وضع موجود را درست کرده است. وی با اشاره به اینکه افراد دیگری هم با این طرح مخالفت کردند که باید مناشی مخالفت‌کنندگان تمیز داده شود، اظهار کرد: برخی مدیران و صاحب نظران بانکی هم مخالفت کردند؛ اما نباید فراموش کرد که بخش عمده‌ای از مشکلات به خاطر کارکرد نوع مدیران حاضر در چهار دهه اخیر بوده است به همین خاطر نقد این جلسه را نباید با مواضع مدیران بانکی یکسان گرفت. استاد دانشگاه تهران افزود: اگر این طرح نبود و به دهه ۶۰ باز می‌گشتیم ترجیح می‌دادم در ساختار بانک‌ها تحولاتی صورت بگیرد که سرمایه‌گذاری از ساختار بانک جدا شود و نهادها و موسسات سرمایه‌گذاری به وجود بیایند؛ زیرا در درون بانک بودن و اقداماتی را برای سرمایه‌گذاری کردن، محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند.

وی ادامه داد: مهمترین مسئله طرح مطروحه در کمیسیون مجلس این است که اصولا روش پرداختن به مسئله از نظر تقدم و تاخر موضوع اشتباه است، به این معنا که در این طرح نهاد ناظر و سیاست‌گذاری تعریف می‌کند بدون آنکه مشخص کرده باشد که نهاد بر چه موسساتی و شعبی فعالیت می‌کند همچنین تفاوتی بین ربوی بودن یا نبودن آن‌ها نیز قائل نیست. وی افزود: همانطور که در همه جای دنیا برای همه نوع بانک‌ها، بانک مرکزی تاسیس شده است، این طرح نیز شبیه آن را دنبال می‌کند در حالیکه ما معتقد هستیم، اگر بانکداری بدون ربا و یا در مراحل اسلامی بشود کارکرد بانک مرکزی سیاست‌گذار و ناظر بر این بانک‌ها با کارکردهای نهادهای بانک مرکزی در جهان معاصر متفاوت است؛ یعنی این نهاد در هر جایی که می‌خواهد قانون‌گذاری کند باید به شرایطی که ما در کشور به لحاظ دغدغه مسائل شرعی داریم توجه کند. وی بیان کرد: مثلا مشخص کند چه تلقی از پول دارد؟ آیا پول را کالا می‌داند یا خیر؟ بعد از اینکه کالا بودن یا نبودن پول مورد توافق اقلیت‌کننده قرار گرفت در مورد خلق احتمالی این پول چه تصمیمی می‌گیرد و دهها مسائل دیگر نیز مشخص شود و بعد از آن نهادها و موسساتی که می‌خواهند عنوان بانک بر آنان اطلاق شود با این کارکردها شرایطی برای خودشان به وجود بیاورند.

سبحانی افزود: در ایران بانکداری بدون ربا منطبق با قانون ۶۲ برای یک ساعت هم اجرا نشده است و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، با قانون مغایر بودند؛ زیرا قانون تطبیق آیین‌نامه با قانون در آن سال وجود

نداشت. وی ادامه داد: ساختار تعبیه شده باید به گونه باشد که شرعی بودن یا ربوی نبودن از درون ساختار بیرون بیاید نه اینکه ساختار نامطمئنی تعبیه شود و بعد شورایی را برای نظارت بگذاریم. استاد دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: این طرح نشان نمی‌دهد که افراد نویسنده آن ظرافت‌های خلق پول، کارکرد پول و... را می‌دانستند و این کلیات قابل دفاع نیستند.

### طرحی با مشکلات فراوان

در ادامه نشست، حجت الاسلام والمسلمین معصومی نیا، عضو شورای فقهی بورس، بیان کرد: از سال ۱۳۹۷ تاکنون طرح‌هایی که در خصوص نظام بانکداری و بانک مرکزی تقدیم مجلس شده تغییرات زیادی داشته که این تغییرات نشان‌دهنده این است که پشتوانه فکری محکمی برای آن وجود ندارد. وی افزود: تا زمانی که تکلیف نظام بانکی معلوم نشود سیستم بانک مرکزی نیز که باید نظارت کند نامشخص است یا به عبارتی دیگر وقتی ساختار هنوز مشخص نشده بانک مرکزی بر چه چیزی نظارت کند؟ اگر ساختار ما اسلامی است هر سه بخش بانک، بورس و بیمه باید با آن تطبیق داده شوند و اگر به این نتیجه رسیدیم که باید تغییر کنند واقعا آن‌ها را تغییر دهیم. حجت الاسلام والمسلمین معصومی نیا ادامه داد: اگر هم مبنا اسلامی نباشد و با همین روند پیش برویم باز هم تکلیف بانک مرکزی را بدون اینکه نظام بانکداری معلوم شود نمی‌توان مشخص کرد به عنوان مثال رابطه بانک مرکزی با سیستم بانکی باید چگونه باشد که سبب خلق پول نشود یا اینکه سیستم خلق پول به همین شکل باشد یا تغییر کند؟ نمایندگان مجلس نباید تا زمانی که طرحی به طور کامل برایشان محرز نشده به آن رأی دهند.

وی در خصوص مسئله خلق پول تصریح کرد: در چند سال اخیر مقام معظم رهبری رهبر بیشترین اختیار به سران نظام بانکی دادند تا وضعیت آن بهتر شود، اما شاهد بهبودی نبودیم، باید دید که اشکال اصلی کجاست؟ بدیهی است که مشکل اصلی مملکت ما اقتصاد است به همین جهت چندین سال است مقام معظم رهبری نام اقتصادی برای سال انتخاب می‌کنند. حجت الاسلام والمسلمین معصومی نیا در ادامه گفت: دو بعد مهم نظام اقتصادی با مبنا قرار گرفتن اقتصاد مقاومتی نظام بانکی و فسادهای مالی است. البته که مشکلات تنها در بانکداری نیست، بلکه در بیمه و بازار سرمایه نیز وجود دارد بنابراین باید تحلیل درستی برای یافتن مشکل اصلی انجام شود. وی با بیان اینکه یکی از اصلی‌ترین مسائل اقتصادی ما خلق پول است گفت: در چند سال اخیر حجم نقدینگی کشور ما هشت برابر شده در حالی که رشد سرمایه‌گذاری مان منفی است؛ طبق گزارش اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از سال ۹۰ تا الان تشکیل سرمایه ناخالص ما به شدت منفی است. معصومی نیا با اشاره به اینکه در طرحی که جدیداً ارائه شده هیچ راه‌حلی برای حل این مشکل ارائه نشده اظهار کرد: این طرح در جهت ادامه خلق پول است یعنی به نحوی اجازه می‌دهد این روند ادامه پیدا کرده و بانک سپرده بگیرد؛ این مسئله باید مطرح شده و بهتر تصمیم‌گیری شود زیرا در اقتصاد رایج دنیا خلق پول سواى مسئله بانکداری اسلامی به شدت مطرح است.

وی ادامه داد: خلق پول باعث می‌شود اقتصاد مالی شده و بخش پولی و مالی در درون خودش سودآور باشد بنابراین وقتی ساختاری، خودش سبب سودآوری شود افراد زیادی را به طرف خودش جذب می‌کند و موجب عدم جذب افراد به بخش واقعی می‌شود. این استاد حوزه و دانشگاه اضافه کرد: به همین دلیل بسیاری از اقتصاددان‌های رایج دنیا معتقدند که قدرت خلق پول باید از نظام بانکداری گرفته شده یا مالیاتی وضع شود که اجازه ندهد خود نظام مالی و پولی از مواهب خلق پول بهره‌مند شود به طوری که آن مقدار که حق است به آن داده شده و بقیه مواهب صرف عام شود. حجت الاسلام والمسلمین معصومی‌نیا در رابطه با ساختار بانک مرکزی توضیح داد: بانک مرکزی در حال حاضر پنج رکن دارد و سکان‌دار اصلی این ارکان هیئت عالی بوده که در ماده ۶ طرح ارائه شده این هیئت بالاترین مرجع سیاست‌گذاری تصویب مقررات و نظارت بر عملکرد حسن اجرای قوانین و مقررات در بانک مرکزی معرفی شده و تشکیل شده از شش عضو غیر اجرایی و سه عضو غیر اجرایی است یعنی زمام اصلی بانک مرکزی در دست این ۹ نفر می‌باشد. وی با استناد به مواد این طرح ادامه داد: تصمیم‌گیری دست اعضای غیر اجرایی است که از سه نفر اقتصاددان متخصص در سیاست‌گذاری پولی و اقتصاد کلان و سه نفر متخصص در حوزه بانکداری و حقوق بانکی با حکم رئیس جمهور انتخاب می‌شوند در حالی که در طرح قبلی وزیر اقتصاد دارایی نیز که بیشتر با این مباحث آشناست می‌توانست در این انتخاب نظر دهنده باشد.

وی در معرفی اعضای اجرایی گفت: این افراد رئیس کل، معاون سیاست‌گذاری بانک مرکزی و معاون نظارتی بانک مرکزی می‌باشند بنابراین شش نفر که تمام قدرت نظام پولی ایران را در دست می‌گیرند که انتخابشان با ریاست جمهوری و عزلشان با سران سه قوه است که باز مشخص نیست چه کسی باید این سران را توجیه کند که چه کاری تخلف است چه کاری تخلف نیست. حجت الاسلام والمسلمین معصومی‌نیا اضافه کرد: در حالی که در طرح قبلی تحت عنوان اقتدار بانک مرکزی، اقتدار رئیس کل هدف قرار داده شده بود اما در این طرح رئیس بانک مرکزی باید به حرف این شش نفر گوش دهد! وی در مورد اختیارات هیئت عالی که در ماده ۱۱ این طرح بیان شده و سی مورد دارد عنوان کرد: یکی از این اختیارات سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیم در خصوص انعقاد پیمان‌های پولی یا تنظیم چندجانبه با کشورهای دیگر است یعنی به عنوان مثال این افراد می‌توانند قراردادهایی مانند FATF را با وجود مخالفت مجلس قبول کنند در حالی که این قرار داد نقض قانون اساسی است.

حجت الاسلام والمسلمین معصومی‌نیا در رابطه با نحوه پاسخگویی این افراد نیز با استناد به همان طرح اظهار کرد: در قسمت ب ماده ۱۴ این طرح گفته شده که رئیس کل موظف است در اولین جلسه علنی اردیبهشت ماه و آبان ماه مجلس شورای اسلامی حضور یابد و گزارش عملکرد و برنامه ریزی بانک مرکزی مشتمل بر سیاست‌های پولی ارزی و نظارت بانکی و غیره را ارائه دهد. وی ادامه داد: در قسمت «پ» این ماده نیز بیان شده کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی مکلف هستند هر اطلاعاتی

که هیئت عالی نیاز داشت در اختیار آن قرار دهند در غیر این صورت فرد متخلف به یک سال حبس محکوم می‌شود. حجت الاسلام والمسلمین معصومی‌نیا تصریح کرد: در ماده ۴ این طرح گفته شده شرایط، حدود و وظایف در موادی که حکم قانونی وجود نداشته باشد بر عهده هیئت عالی است طبق این مورد به بانک مرکزی اختیار داده شده که اختیارات خودش را زیاد کند در حالی که در هیچ قانونی چنین چیزی وجود ندارد. وی با اشاره به نقش شورای فقهی در این طرح تصریح کرد: با وجود موادی که در این طرح بیان شده حتی شورای فقهی نیز نتوانسته و نمی‌تواند در راستای ایجاد تحولاتی گامی بردارند. تا به اگر تخلفی انجام می‌شد مراجع اعتراض می‌کردند اما با وجود این طرح دیگر مراجع نیز حق اعتراض نداشته و به خاطر حفظ مواضع نظام مجبور به سکوت هستند. حجت الاسلام والمسلمین معصومی‌نیا ابراز کرد: از زحمات متفکران این طرح قدردانی می‌شود ضمن اینکه صحبت ما بر سر شخص نیست و قانون را مدنظر قرار دادیم و مشکل اصلی را این می‌دانیم که تعداد صاحب‌نظران این طرح کم بوده و از نظر دیگران نیز استفاده نشده است.

### طرح بانکداری بانک مرکزی توجه خاصی به شورای فقهی نکرده است

حجت الاسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی نیز در این نشست بیان کرد: بررسی دقیقی در مورد این طرح صورت گرفته و بر روی ماده به ماده آن کار علمی و فقهی جدی انجام شده که ارائه داده شده و از طریق حوزه نیز اقداماتی در حال صورت گرفتن است. وی افزود: ضمن تشکر تنظیم‌کنندگان این طرح که بی‌شک برای حل مشکلات مردم ارائه شده یک سری مواردی وجود دارد که نباید از آن‌ها صرف‌نظر کرد؛ یکی از آن موارد این است که در این طرح ساختار معیوب بانک‌های موجود تأیید و تصویب شده و کار خاصی در جهت تحول آن‌ها انجام نشده است. رئیس مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه‌های علمیه ادامه داد: مورد دوم عدم توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مانند عدالت محوری و مردم‌بنیانی است؛ اگرچه این طرح مدعی پیروی از اقتصاد مقاومتی است اما وجود این مشکلات در آن نشان‌دهنده عدم موفقیت در این موضوع است. وی در بیان مشکل دیگر این طرح توضیح داد: این طرح باید پیکره بانکی را یک پیکره منسجم ببیند و سپس طرح بانک مرکزی رو ارائه بدهد در حالی که این اتفاق نیفتاده و برخی مسائل در آن مسلم گرفته شده (مثل داشتن بانک خصوصی) یا اساساً به آن توجه نشده بنابراین در این کار نیز موفق نبوده است. حجت الاسلام والمسلمین یوسفی تصریح کرد: عملیات بانکی باید مشخص شود تا بانک مرکزی بر آن نظارت کند اما وقتی هنوز فعالیت دیگر بانک‌ها و سیستم بانکی مشخص نشده، بانک مرکزی بر چه چیزی نظارت کند؟ وی در ادامه گفت: مشکل دیگر این است که برخی از مواد این طرح نیاز به تأملات جدی در بحث فقهی و اقتصادی دارد که از آن صرف‌نظر شده و اگر تبدیل به قانون شود جامعه را از عدالت و مفهوم آن در اسلام دور می‌کند زیرا مواد آن به گونه‌ای است که اقتصاد را به سمت انحصار ثروت می‌برد. حجت الاسلام والمسلمین یوسفی یکی دیگر مشکلات جدی نظام بانکداری که جامعه

ما از آن رنج می‌برد را بحث رباخواری دانست و گفت: این طرح این مشکل را حل نکرد، بلکه سبب تشدید آن نیز خواهد شد. مشکل بعدی این است که با این طرح بانک مرکزی بخشی از قوه مجریه شده که به راحتی می‌توانند در آن دخل و تصرف کنند؛ برای حل این مشکل باید اقدام جدی صورت گیرد. وی مورد دیگر را تعیین جایگاه نادرست شورای فقهی بیان کرد و گفت: در این طرح به جایگاه شورای فقهی توجه لازم و کافی نشده به گونه‌ای که آن را ابزار دست رئیس بانک مرکزی قرار دادند و جایگاهش در شأن آن و مناسب جامعه دینی ما نیست.

### اهداف آرمان‌گرایانه، ساختارها ناکافی

حجت الاسلام والمسلمین جواد عبادی مدیر موسسه فقه طیبیات در ادامه این نشست علمی، گفت: با نگاه شورای فقهی که جنبه اسلامیت این طرح است، چند نکته و سوال مطرح می‌شود. طبق اهداف این طرح، مسئولیت استقرار بانکداری سازگار با شرع مقدس اسلام و برقراری مناسبات عادلانه در بخش پولی و بانکی کشور طبق قانون بر عهده بانک مرکزی است. وی افزود: یکی از مشکلات در نظام قانونگذاری این است که اهداف آرمان‌گرایانه و زیبایی طرح می‌شود ولی در بخش ساختار شرایط رسیدن به اهداف وجود ندارد و فقط راه را برای عدم مسئولیت‌پذیری برخی از افراد فراهم می‌کند. باید بررسی کرد که هر قانون یا ماده به کدام هدف می‌رسد. حجت الاسلام والمسلمین عبادی بیان کرد: سوالی که باید پرسید این است که استقرار بانکداری سازگار با شرع اسلام در کجای این طرح دیده می‌شود؟ در کل طرح فقط ماده ۲۱ در این مورد صحبت کرده است که آن هم به همین صورت در برنامه ششم آمده است و چیز جدید و نوآورانه‌ای نیست. وی متن ماده ۲۱ این طرح را به این صورت بیان کرد: برای حصول اطمینان از اجرای صحیح مصوبات بانکی بدون ربا در بانکداری کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهار نظر درباره رویه‌ها و ابزارهای رایج شیوه‌های عملیاتی و دستورات عمل‌ها بخشنامه‌ها چهارچوب قراردادها و نحوه اجرای آن‌ها از نظر مغایرت با موازین فقه اسلامی در بانک مرکزی و اشخاص تحت نظارت شورای فقهی در بانک مرکزی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: الف- پنج فقیه مجتهد در حوزه فقه معاملات و صاحب نظر در مسائل پولی و بانکی؛ ب- رئیس کل بانک مرکزی؛ ج- یک نفر حقوقدان مسلط به مسائل پولی و بانکی و یک نفر اقتصاددان هر دو با معرفی رئیس کل بانک مرکزی؛ د- یک نفر از نمایندگان مجلس با اولویت آشنایی با بانکداری اسلامی با انتخاب مجلس؛ ه- یکی از مدیران عامل بانک‌های دولتی به انتخاب وزیر اقتصاد و دارایی.

وی ادامه داد: تا کنون طبق برنامه ششم رئیس شورا، رئیس کل بانک مرکزی است و تمام اعضای این شورا با حکم او منصوب می‌شوند. اعضا را که پنج فقیه هم در بین آن‌ها هست، رئیس کل بانک مرکزی پیشنهاد می‌دهند و شورای نگهبان فقط تایید می‌کنند و اختیاری در پیشنهاد فقها ندارند. مدیر موسسه فقه طیبیات گفت: شورای فقهی باید متشکل از فقها باشد و اگر نیاز به اعضای غیر فقیه است باید به صورت



مشاورانی در خارج از این شورا قرار بگیرند و بررسی‌های لازم از دیگر جهات را انجام دهند. در شورای فقها مسائل فقط باید از نظر فقهی مسائل را بررسی کرد؛ درست شبیه عملکرد شورای نگهبان.

### شورای فقهی؛ روشی کارآمد یا راهی برای گریز از مسئولیت؟

وی تاکید کرد: در این ماده باید بررسی شود که آیا لوازم و اختیارات لازم به فقها داده شده است یا نه؟ یکی از راه‌های ناکارآمد کردن قوانین رد مسئولیت از خود است. در برخی موارد دیده شده برخی مدیران و مسئولان به بهانه تایید شورای فقهی از مسئولیت فرار کرده‌اند. این‌ها تجربه چند سال حضور این شورا بوده است. وی افزود: یکی از نمونه‌ها را در وام کرونا شاهد بودیم. ابتدا بانک مرکزی بدون هماهنگی با شورای فقهی این وام را تصویب کرد. اعتراضاتی صورت گرفت و شورای فقهی وارد کار شد. اصلاحاتی صورت پذیرفت که با توجه به نظام کنونی بانکداری قابل اجرا نبودند. حجت‌الاسلام والمسلمین عبادی اظهار داشت: اعتراضاتی که همچنان به بانکداری وارد است نشان از ناکارآمدی این طرح است. چرا با وجود این باز هم همین ماده بدون تغییر در طرح جدید آورده شده است؟ اتفاق نظر وجود دارد که قانون فعلی چالش‌ها و اشکالاتی دارد و ادعا مطرح شده که این طرح گامی رو به جلو است و قرار است این اشکالات مرتفع شوند. باید دقیق بیان شود که هر کدام از مشکلات با کدام قانون یا ماده مرتفع می‌شود.

وی بیان کرد: اشکالاتی به این طرح وارد است که انتظار می‌رود در گام دوم انقلاب حداقل مشکلات فعلی مرتفع شود. باید به جای اینکه به منتقدان اعتراض کنید و از نقدها بهره ببرید و از طرح دفاع کنید. در نسخه‌های قبلی به صراحت موضع درباره خلق پول گفته شده بود و در مسائل شرعی آمده بود که باید بر اساس حق و عدل باشد. ولی در این طرح بسیاری از مسائل مبهم است. برخی موارد با قانون فعلی هم می‌شود کارهایی را صورت داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبادی افزود: در طراحی این قانون از موسسات و اساتیدی که سال‌ها در این زمینه کار کرده‌اند کمک گرفته نشده است. طبق نظرسنجی از اساتید و موسسات فقط از یک نفر در میزانی محدود در فرآیند تهیه نظرخواهی شده، نسخه نهایی برای هیچ کدام ارسال نشده و نظرخواهی نشده است و تمام این افراد اتفاق نظر داشته‌اند که این طرح مشکلات را مرتفع نمی‌کند. وی تاکید کرد: با این همه مشکلات و مخالفان این قانون برای چه کسی نوشته می‌شود؟ درست است نمایندگان مجلس می‌توانند طرح ارائه بدهند و به تصویب برسانند، ولی باید توجه داشت ممکن است تخصص لازم را نداشته باشند. از طرفی زحمت افراد و موسساتی که سال‌ها روی نظام اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی، قوانین اقتصادی کشور و مبانی اقتصادی اسلامی کار می‌کنند؛ از وی بین می‌رود.

## قانونی حیاتی برای اقتصاد ایران

وی تصریح کرد: این قانون در اقتصاد ایران که بانک محور است یعنی کل اقتصاد کشور. یکی از نمایندگان که از طراحان این قانون است تاکید داشت به نقد و بررسی محکم این طرح و معتقد بود این قانون اگر تصویب شود تا سی سال آینده تغییری نخواهد کرد. مدیر موسسه فقه طبیبات ادامه داد: این طرح نقاط مثبتی هم دارد. سوال این است که گام رو به جلو چیست و در کدام عرصه و حیطة بانکداری است؟ آیا گام رو به جلو ارزش به هم زدن این خانه کلنگی را دارد؟ آیا می‌شود بدون به هم زدن هم اقداماتی در راستای این گام رو به جلو کرد؟ باید این موارد روشن شود. وی ادامه داد: سوال بعد این است که آیا مراجع عظام تقلید و مراکز تخصصی این طرح را تایید کردند یا نه؟ در مجلس قبل تلقی شد که مراجع و مراکز متخصص تایید کرده‌اند. اگر تاییدی از مراجع هست باید شفاف نشان داده شود که با کدام نامه و در چه زمانی به کدام مرجع تقلید ارائه و تایید شده است. این را باید به صراحت بگویم این طرح هیچ تاییدی از حوزه علمیه ندارد. حتی موسسه ما نسخه‌ی نهایی این طرح را از مجلس دریافت نمی‌کند.

منبع: خبرگزاری حوزه (امور حکمرانی با توصیه و اختیار دادن وبخصوص دز شرایط بحرانی حل و عقد نمی‌شود ، امر حکمرانی ، امر وفرمان است وتکلیف وحقوق مردم ومسئولیت پذیری ، که ولایت پذیری بر ای بخش از اما وسط که اعتقاد به آن دارند واین پیروی واجب میدانند ولی در میادین عمل وبا افراد گوناگون ، این امور را که تعیین کننده است از فرمانده به پیرو ، وخطا غیر قابل گذشت وتکلیف آنرا دادگاه عدل گستر ویا دادگاه صحرانی در نظام کارآمد تعیین میکند در غیر این صورت بلبشو می باشد -مولف)

بانک های خصوصی وخصوصی چه بسر اقتصاد این کشور آوردند

نگاهی به مزایا و معایب بانک‌های خصوصی در ایران

**بانکداری خصوصی** در ایران دارای مزایایی چون رقابتی شدن بازار، کاهش هزینه‌ها و افزایش اشتغال بوده با این حال، هنوز با معایبی دست و پنجه نرم می‌کند که ضرورت بازنگری در قوانین بانکی را می‌طلبد. به گزارش ایبنا، امروزه نزدیک به یک قرن از تولد نظام بانکی در ایران می‌گذرد. در این مدت بسیاری از بانک‌ها به واسطه نقش و کارکردی که در نظام اقتصادی ایران داشته‌اند تاسیس شده‌اند. از اینرو، ریشه اولین بانک‌های ایرانی به دولت بازمی‌گردد. دولتی که در تاسیس بانک‌ها به ویژه بانک ملی و بانک سپه سعی در مدیریت مالی کشور، چاپ اسکناس و نظارت بر دادوستدهای مالی داخلی و خارجی داشت. اما از یک دوره به بعد با گسترش فعالیت‌های مالی و توسعه اقتصاد کشور، ضرورت افزایش تعداد بانک‌ها در کشور افزایش یافت و با شکل‌گیری بانک‌های غیردولتی و خصوصی مواجه شدیم. پس از

پیروزی انقلاب اسلامی تمامی بانک‌های خصوصی که قبل از این در ایران ایجاد شده بودند بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، دولتی اعلام شدند و بدین ترتیب تا چندین سال بانک‌های خصوصی از ایران رخت بر بسته و جای خود را به نظام بانکی یکپارچه دولتی دادند. اما رفته رفته تاسیس موسسه‌های مالی و اعتباری از سال ۱۳۷۶ زمینه‌ساز تاسیس بانک‌های خصوصی شد. نهایتاً بانک مرکزی در اسفند ۱۳۷۷ موافقت خود را با تاسیس بانک‌های خصوصی اعلام کرد و به تدریج شاهد رشد و گسترش نظام بانکداری خصوصی در ایران بودیم.

### سایه ضوابط دولتی بر بانک‌های خصوصی

بدین ترتیب دو دهه پیش، بر اساس قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی، به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس انداز و سرمایه گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و در چارچوب ضوابط، قلمرو و شرایط تعیین شده اجازه تاسیس بانک توسط بخش غیر دولتی داده شد. این قانون مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی با ریاست علی اکبر ناطق نوری تصویب شد و یک هفته بعد نیز به تایید شورای نگهبان رسید. همین قانون به عنوان یکی از اسناد بالادستی سبب شد تا از سال ۱۳۸۰ به بعد توسعه بانکداری خصوصی را در طی دو دهه گذشته داشته باشیم. بعداً از آن، واگذاری بخش عمده‌ای از سهام بانک‌های دولتی مانند ملت، تجارت و صادرات سبب شد به فرایند تصویب بانک‌های خصوصی به بیان دیگر به توسعه مالکیت خصوصی در کشور سرعت بیشتری داده شود.

**بر اساس این قانون، سیاست‌گذاری پولی، اعتباری، ارزی، چاپ اسکناس، ضرب سکه، حفظ ذخایر ارزی، نظارت بر بانک‌ها و صدور مجوز فعالیت بانکی در قلمرو وظایف دولت بوده و جهت اعمال حاکمیت همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند. به همین دلیل، نظام بانکی چه دولتی و چه خصوصی تابع قانون پولی و بانکی کشور است که ریشه در اولین قانون‌گذاری از این حیث دارد. به طوری که تصویب قانونی پولی و بانکی کشور در سال ۱۳۳۹ بوده و قانون جدید پولی و بانکی در کشور مربوط به سال ۱۳۵۱ است و بعد از آن تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ اتفاق افتاد که مجموع قوانین بانکی ما را شکل می‌دهند.**

از اینرو، ضوابط مربوط به نحوه فعالیت بانک‌های خصوصی نیز به مانند سایر بانک‌ها شامل رعایت نسبیت‌های مالی تعیین شده جهت داشتن ساختار مالی سالم و نوع قراردادها و عقود و فعالیت‌های بانک‌ها طبق قوانین پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده است. هر چند هنوز مرز بین دولتی بودن، خصوصی بودن و غیردولتی بودن در اقتصاد ما مشخص نیست.

## مزایای بانکداری خصوصی

بانک‌های خصوصی در ایران نویدبخش نوع جدیدی از بانکداری در کشور بوده‌اند و همراه خود ابتکاراتی را نیز به دنبال داشته‌اند که امروز در بانک‌های دولتی و غیردولتی به اموری رایج تبدیل شده‌اند.

### حضور در بورس و آغاز شفافیت اطلاعات مالی

یکی از مواردی که بسیاری به عنوان مزیت بانکداری خصوصی مطرح می‌کنند شفافیت اطلاعات است. در واقع با حضور بانک‌های خصوصی و ورود آنها به بورس اطلاعات مالی به راحتی در اختیار عامه مردم قرار گرفت.

### توسعه بانکداری الکترونیک و خدمات از راه دور

از دیگر مواردی که به عنوان مزیت می‌توان از آن نام برد توسعه بانکداری الکترونیک است. بر این اساس استفاده از بانکداری الکترونیک، مدرن و بهره‌بردار از ابزارهای نوین از قبیل «اینترنت بانک»، معرفی انواع کارت‌های اعتباری، نقدی و خرید و همچنین خدماتی مانند تلفن بانک، پیامک، فکس بود که تقریباً مشتریان را از مراجعه به شعبه بی‌نیاز کرد و مشتریان بانک‌ها به راحتی توانستند به وسیله ابزارهای گوناگون خدمات مورد نظر خود را دریافت کنند. همچنین بعد از ورود بانک‌های خصوصی، تغییراتی محسوس در سیستم بانکی ایران به چشم می‌خورد که باعث شده بسیاری از محققان و کارشناسان اقتصادی به تغییر شرایط رقابتی در صنعت بانکداری امیدوار شوند.

### کاهش هزینه‌های بانکی با رقابت بانک‌های خصوصی

دلیل اصلی برای بسیاری از این انتظارات علاوه بر بهبود کیفیت خدمات، کاهش فاصله میان نرخ سود سپرده‌ها و نرخ بهره وام‌ها و تسهیلات اعطایی است. عامل دیگر که به نظر می‌رسد منجر به افزایش رقابت شده باشد، کاهش قیمت خدمات پولی و مالی از جانب سیستم بانکی است. دلیل آن هم این بود که تعداد بانک‌ها افزایش یافته بود و سپرده‌های بسیاری را با افزایش نرخ‌های سود جمع‌آوری کرده بودند، ولی چون نمی‌توانستند خرج کنند مجبور به پایین آوردن نرخ‌ها شدند. همچنین نرخ بهره وام‌های بانک‌های خصوصی که در ابتدا در حدود ۳۰ درصد بود به تدریج تا ۲۲ درصد کاهش یافت، کاهش تدریجی نرخ تورم در این سال‌ها و شرایط مناسب اقتصادی نیز فرآیند رقابتی را شتاب بخشید. بنابراین رقابت بین بانکی می‌تواند از طریق کاهش هزینه خدمات بانکی باعث افزایش رشد اقتصادی و بالا بردن رفاه اجتماعی شود. (تا 43 درصد شاهد بودم - مولف)

## افزایش اشتغال با توسعه بانک‌های خصوصی

از دیگر مواردی که در باب مزیت می‌توان گفت افزایش اشتغال است. بانک‌های خصوصی از یک سو افراد و کارشناسان خبره و بازنشسته بانک‌های دولتی را جذب کردند و از سوی دیگر جوانان فعال و دانش‌آموخته بسیاری را به استخدام درآوردند تا تجربیات قدیمی‌ها را گرفته و با ترکیب تجربه با بانکداری نوین که دارای ویژگی‌هایی چون احترام به مشتری، صالح بودن، شفاف بودن اطلاعات و غیره است، سیستم بانکی کشور را متحول و جهانی سازند.

## تنوع خدمات بانکی در بانکداری خصوصی

از دیگر تحولات ایجاد شده می‌توان از فعالیت‌های سپرده‌ای، تنوع در سود دهی و معرفی حساب‌های جدید سپرده نام برد. یکی دیگر از نکات مثبت حضور بانک‌های خصوصی توجه به بانکداری بدون ربا است. بانک‌های خصوصی به عنوان وکیل مردم در قبال سپرده‌ای که از آنها می‌گیرند و با واسطه آن فعالیت اقتصادی و مولد انجام می‌دهند، مسئول هستند. در این میان اگر سود بیش از رقم علی‌الحساب باشد باید آن سود را نیز تقسیم کنند چرا که تا قبل از تاسیس بانک‌های خصوصی هیچ یک از بانک‌های دولتی سود قطعی ارائه نمی‌کرد اما اکنون ارائه سود قطعی توسط بانک‌های دولتی هم رایج شده است.

## معایب بانکداری خصوصی

به گفته برخی کارشناسان ما با عدم ورود بخش خصوصی واقعی به اقتصاد بانکداری کشور مواجه هستیم یعنی زمانی که درباره گروه‌های قدرت بحث می‌کنیم حتماً می‌دانیم درباره تمکین آنها نسبت به سیاست‌گذاری پولی نمی‌توانیم تمکینی که مدنظر است، انتظار داشته باشیم. به عنوان یک نمونه بارز از عدم توجه به فضای نهادی و موضوع مالکیت می‌بینیم که پنج بانک نظامی و مؤسسات اعتباری وجود داشتند که وابسته به نهادهای نظامی و انتظامی بودند که البته در نهایت سیاست‌گذار پولی در یک شرایط اضطرار مجبور شد اینها را در بانک سپه ادغام کند و به زیر نظر دولت بازگرداند.

## حضور بانک‌های خصوصی در بخش مسکن

ورود بانک‌های خصوصی به املاک و مستغلات یکی از دغدغه‌های کارشناسان در انتقاد از عملکرد سرمایه‌گذاری بانک‌های هم دولتی و هم غیردولتی است. به گفته برخی کارشناسان گرایش بانک‌های خصوصی به فعالیت در بخش مسکن به علاوه اضطرار بانک‌های خصوصی به بخش مسکن ناشی از تملک به بدهکاران بانکی سبب شده حجم بسیار زیادی از املاک، دارایی‌ها و مستغلات امروز در ترازنامه بانک‌های خصوصی داشته باشیم که تحت عنوان دارایی‌های منجمد یکی از چالش‌های اصلی بانکداری در کشور شده که همین موضوع جریان پولی را در کشور تحت الشعاع قرار داده است.

## ادامه بدهی دولت به بانک‌های خصوصی

یکی از انتقاداتی که به نظام بانکداری غیردولتی مانند بانکداری دولتی وارد است، تداوم بدهی بخش دولتی به آنهاست؛ یعنی درست است که مالکیت بانک‌های خصوصی ایجاد شده اما همچنان دولت در این بانک‌ها به تامین مالی می‌پردازد. تامین مالی مستقیم به معنای گرفتن وام یا تامین مالی غیرمستقیم از طریق اوراقی که در کشور ارائه می‌شود رخ می‌دهد که با توجه به توسعه‌ی بازار بدهی که اتفاق افتاده سهم بیشتری را ایجاد کرده است. از طرفی بسیاری از بانک‌ها در حوزه فعالیت بانکداری خیلی سود بالایی ندارند. یعنی بانک‌هایی داریم که بخش عمده‌ای از تسهیلات را به شرکت‌های تابعه خود ارائه می‌دهند. لذا این ایجاد تضاد منافع بین بانک به عنوان تسهیلات دهنده و شرکت زیر مجموعه به عنوان تسهیلات گیرنده از جمله مشکلاتی است که در این زمینه مطرح است.

## شرکت‌های تابعه و ضرورت شفافیت عملکردها

یکی از جاهایی که انتظار شفافیت بسیار زیادی در اعطای تسهیلات داریم بانک‌های خصوصی هستند که بخشی از تسهیلات خود را در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه خود قرار می‌دهند. به عقیده متخصصان، انگیزه‌ای که این بانک‌ها برای ورود به کسب‌وکارهای غیر مرتبط بدون داشتن مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند با عدم توانایی شرکت‌های تابعه آنها در اداره کسب و کارهای متنوعی که آغاز می‌کنند، زیر سوال می‌رود. البته بخشی از این موضوع معلول سیاست‌گذاری در سطح کلان اقتصادی کشور است. به دلیل اینکه مهم‌ترین ماخذ سودهای بسیاری از بانک‌های خصوصی از محل فعالیت‌های شرکت‌های تابعه است. چرا که در فعالیت اصلی بانکداری با توجه به شرایطی که سیاست‌گذار برای سقف تسهیلات و سپرده بانکی ایجاد می‌کند، بسیاری از بانک‌ها در حوزه فعالیت اصلی بانکداری خیلی سود بالایی را ندارند. به همین خاطر، در سال‌های گذشته خیلی از بانک‌ها در بازارهای طلا، ارز و مسکن ورود کردند. تا جایی که اشتغال بانک‌ها به فعالیت‌های سوداگری به عنوان یکی از معضلات بانکی کشور مطرح شد که نیازمند شفافیت کامل به ویژه در ترازنامه‌های بانکی بود که بانک مرکزی در آخر با تصویب آیین‌نامه‌ای مقرر کرد که ترازنامه‌های بانکی از این پس باید به طور دقیق نظارت و پیگیری شود.

## بانکداری خصوصی و حرکت بر لبه تیغ

در پایان می‌توان گفت آنچه که کارشناسان درباره مزایا و معایب بانکداری خصوصی و غیردولتی در کشور مطرح می‌کنند این است که حضور بانک‌های خصوصی با توجه به مزایایی که دارند برای پیشبرد امر تولید و سرمایه‌گذاری در کشور می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. اما برخی از معایب این نوع از بانکداری که ناشی از مشکلات زیرساختی در سایر بخش‌های اقتصادی و سیاسی نیز است باید به مرور زمان مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. با این حال، تصمیم‌گیری در خصوص توسعه بانکداری

خصوصی در کشورها به شرایط زمانی و سطح توسعه یافتگی هر کشور ارتباط دارد و نباید در این خصوص یک توصیه برای همه زمان‌ها و مکان‌ها در دستور کار قرار بگیرد. در نتیجه تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد شروع توسعه کشورها با خصوصی کردن بانک‌ها اتفاق افتاده است. اما حضور و فعالیت بانک‌های خصوصی نیز یک بخش جدایی‌ناپذیر در توسعه اقتصادی است که نیازمند زیرساخت‌های درست و ضرورت نظارت دقیق بر بانک‌های خصوصی و شرکت‌های تابعه آنها است. **بیشترین تعطیلی کارخانجات از طریق طمع و افزون طلبی ها بانک و مشارکت های سوداگرانه بوده است – (مولف)**

بنگاه‌ها سازمان‌های خصولتی چه بلانی سر اقتصاد ایران آوردند

نقش خصولتی‌ها در تخریب اقتصاد کشور

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

**خصولتی** که از ترکیب دو کلمه «خصوصی» و «دولتی» به وجود آمده پس از شروع روند خصوصی‌سازی در ایران وارد ادبیات رسانه‌ها شده است؛ البته این واژه، بیشتر میان منتقدان دولت‌ها استفاده می‌شود. خصولتی به معنی تسلط دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت، یا نهادهای حکومتی بر شرکت‌ها، کارخانه‌ها و در کل بنگاه‌های بزرگ اقتصادی است که خصوصی‌سازی شده‌اند. همچنین خصولتی به افرادی گفته می‌شود که برای ادامه فعالیت‌های بخش خصوصی سنگ اندازی می‌کنند. در رابطه با دولت‌ها نیز خصولتی یعنی دولتی‌هایی که با سوء استفاده از قانون تجارت ایران شرکت‌هایی راه می‌اندازند و به بخش خصوصی اجازه فعالیت نمی‌دهند. این شرکت‌ها از نظر قانونی خصوصی به‌شمار می‌آیند اما در واقع زیر نظارت دولت هستند.

### تعریف

در ادبیات اقتصادی، به شرکت‌هایی خصولتی گفته می‌شود که با وجود قرار نداشتن در فهرست شرکت‌های دولتی، به علت این‌که تعدادی از سهام آن‌ها در اختیار نهادهایی است که زیر نظر دولت یا سایر نهادهای حکومتی هستند، در حقیقت در زمره شرکت‌هایی غیر خصوصی قرار می‌گیرند. به زبان ساده، در ایران ارگان‌هایی وجود دارند که وابسته به حکومت، یا دولت هستند. گاهی این وابستگی مانند صندوق‌های بازنشستگی، شفاف است. گاهی نیز مانند آستان قدس رضوی، ستاد اجرایی فرمان امام، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی، و سازمان اوقاف و امور خیریه غیر شفاف است. این ارگان‌ها تحت عنوان خیریه یا نهادهای انقلابی از بودجه و امکانات دولتی و به گفته منتقدان، رانتهای اقتصادی و

اطلاعاتی استفاده می‌کنند. اما مانند دیگر نهادها، سازمان‌ها یا شرکت‌ها مالیات نمی‌دهند و گردش مالی آن‌ها مشخص نیست. این ارگان‌ها، به دلیل وابستگی‌های پنهان و آشکارشان، می‌توانند «قدرت‌های فراقانونی» داشته باشند و با استفاده از منابع مالی خود و آن طور که حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران می‌گوید: با رانت، بر شرکت‌های دولتی که برای خصوصی‌سازی به فروش گذاشته می‌شوند، مسلط شوند. موجودیت و نحوه عمل این ارگان‌ها، آزادی عمل، رشد و توان رقابت را برای بخش خصوصی واقعی تنگ می‌کند، آن‌ها را فراری داده یا به ورشکستگی می‌کشد.

### خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی از اصطلاحاتی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران مطرح شد. وقتی حکومت نوپای ایران در اوایل دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، تمام نهادهای خصوصی را در اختیار گرفت و بعد در قانون اساسی آمد که این نهادها به صورت «صحیح» به بخش خصوصی بازگردند این اصطلاح رایج شد. خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی، در دهه ۱۳۷۰ و بعد از پایان جنگ ایران و عراق آغاز شد. اکبر هاشمی رفسنجانی با برنامه‌ای مشهور به «تعدیل اقتصادی» خصوصی‌سازی بخش دولتی را آغاز کرد. اما این کار مخالفان سرسختی داشت. مخالفان می‌گفتند برنامه تعدیل اقتصادی، پیاده کردن برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و چیزی «غربی» است. این منتقدان هنوز هم میان بخش‌هایی از اصولگرایان و کسانی که اعتقاد به «چپگرایی اسلامی» دارند ادامه دارد.<sup>11</sup>

### گسترده‌گی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات کشور، در سال ۱۳۹۵ گزارشی از نحوه اجرای خصوصی‌سازی در ایران ارائه کردند که بر اساس آن، تنها حدود ۱۶ درصد کل خصوصی‌سازی که در ۱۴ سال اخیر انجام شده، واقعی بوده است و یاقی خصوصی‌سازی‌ها سهم ارگان‌های حکومتی و صندوق‌های بازنشستگی و سازمان‌های دولتی شده است. سهام عدالت نیز عملاً تحت کنترل دولت است. با این وجود رقم دقیقی از اندازه ثروت «خصوصی‌ها» وجود ندارد.

### نمونه‌های بحث‌برانگیز

در پاییز سال ۱۳۸۸، ۵۰ درصد و یک سهم شرکت مخابرات ایران به «کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین» واگذار شد. این کنسرسیوم شامل سه شرکت سرمایه‌گذاری «توسعه اعتماد» و «شهریار مهستان» که از شرکت‌های زیر مجموعه بنیاد تعاون سپاه هستند و همین‌طور شرکت «گسترش الکترونیک مبین ایران» از شرکت‌های زیرمجموعه «ستاد اجرایی فرمان امام» تشکیل شده بود. ارزش معامله، حدود ۸ میلیارد دلار آمریکا بود و بزرگترین معامله تاریخ بورس ایران خوانده شد. اما یک سال بعد، این



واگذاری، با اعتراضاتی به خصوص در مجلس شورای اسلامی مواجه شد و هیئت تحقیق و تفحص مجلس آن را ناقض سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواند. این قرارداد پرحاشیه، در نهایت در سال ۱۳۹۵ فسخ و علت فسخ آن هم ناتوانی کنسرسیوم اعتماد مبین در پرداخت اقساط خرید مخابرات اعلام شد. نمونه‌های دیگر شرکت‌های خصولتی ایران، خودروسازان ایران هستند. بیشتر سهام این شرکت‌ها در دست صندوق‌های بازنشستگی یا شرکت‌های دولتی و شبهه دولتی است و تحت کنترل دولت هستند. این شرکت‌ها همچنین با وجود بدهی‌های بالا و سود دهی کم، ورشکسته نمی‌شوند و با گرفتن کمک‌های دولتی سرپا می‌مانند. در رأی اعتماد مجلس به کابینه دوازدهم؛ احمد علی‌رضا بیگی، نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو گفت: تأسیس شرکت‌های متعدد خصولتی توسط وزارت بهداشت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی صورت می‌گرفت. احمد علی‌رضا بیگی به‌عنوان مخالف وزیر پیشنهادی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، انجام فعالیت‌های غیر مرتبط و برپاساختن غیرقانونی شرکت‌های فراوان خصولتی (خصوصی‌دولتی) مانند آوا پردیس، کارآفرین، آوا سلامت و آوا پزشک و دیگر شرکت‌های مشابه را که وزیر بهداشت تشکیل دادند، موردنقد قرارداد<sup>۱۵</sup>.

## در چین

در چین روابط با دولت بسیار مهم است و با این که برخی شرکت‌ها بخش خصوصی محسوب می‌شوند اما ارتباط گسترده‌ای با دولت دارند. (در مذاکرات و ملاقات این مولف با شرکت چینی، فهمیده شد که شرکت خصوصی چینی بدون اجازه دولت، آب نمی‌خورند-مولف)

## راهکارها

به عقیده کارشناسان اقتصادی یکی از راهکارهای رفع مشکل مدیران «خصولتی»، آزادسازی قیمت‌هاست. زیرا آزادسازی قیمت‌ها به رقابتی شدن می‌انجامد و انحصاری که در اختیار مدیران «خصولتی» قرار دارد را از بین خواهد برد.

## ادبیات خصولتی

بر اساس گزارشی از وب‌گاه خوی نیوز در بهمن‌ماه ۱۳۹۲، پویا رفویی از خطر شکل گرفتن پنبلی برای ادبیات می‌گوید که نسبت چندانی با «ادبیات» ندارد. او به جامعه ادبی نسبت به شکل‌گیری تازه‌ای از سیاست حول محور بازار ادبیات و رونق کسب‌وکار و «خصولتی» شدن ادبیات در ایران هشدار می‌دهد.

## نیرنگ های بورس جمهوری اسلامی ایران

به مقاله این مولف در مورد نیرنگ های بورس مراجعه شود

شرکت های سرمایه گذاری در ایران دلال های سوداگران داخلی در رابطه با خارج بودند

پایگاه خبری گسترش ۳۰/۰۴/۱۴۰۰ - ۱۸:۵۱ + ۴۳ سایت دیگر

رشد قیمت برخی سهام ها تا 30 درصد توسط این شرکت های انجام شده است

کند که اکنون فقط بخشی از آن وارد بازار شده است. کدیور به علت عدم ورود نقدینگی های جدید به بازار سهام طی چند وقت اخیر اشاره کرد و افزود: علت این موضوع به ابهام مربوط به برجام باز می گردد، هنوز به صورت نهایی تکلیف برجام مشخص نشده است که با توجه به این موضوع برخی از سهامداران به دنبال این هستند تا بعد از مشخص شدن تکلیف برجام نسبت به سرمایه گذاری یا عدم سرمایه گذاری خود در بازار تصمیم گیری..

مدیر عامل سبدگردان سرمایه ایرانیان:

دلال ها، نگران از رشد بازار سرمایه/ چشم انداز مثبت بازار با انتشار گزارش های ۶ ماهه

زمان افزایش سرمایه گذاری در بازار سرمایه فرا رسیده و چشم انداز روشنی پیش روی سرمایه گذاران است و انتظار می رود با توجه به حجم نقدینگی، افزایش قیمت های جهانی، سطح تورم، افزایش نرخ دلار، دستورالعمل های جدید بازار سرمایه شامل تقویت بازارگردانی، ممنوعیت معاملات الگوریتمی و محدود شدن سفته بازی و از همه مهمتر انتشار گزارش های مالی ۶ ماهه شرکت ها، شاهد چرخش شرایط بازار باشیم. سید مصطفی صفاری، مدیر عامل شرکت سبدگردان سرمایه ایرانیان ضمن بیان مطلب فوق به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، گفت: نظام های اقتصادی حول دو محور بازار پول و سرمایه شکل می گیرند و اقتصاد کشور های پیشرفته مبتنی بر بازار سرمایه است. وی با تاکید بر اینکه بازار سرمایه بدون شک شفاف ترین نهاد اقتصادی و ساز و کار آن ذاتا مانع ایجاد فساد است، افزود: متأسفانه در نظام های بانک محور تخصیص منابع بهینه نیست و به رانت و فساد منجر می شود و اکنون که دولت به بازار سرمایه نگاه جدیدی دارد باید از این فرصت با تمام توان استفاده کرد.

مدیر عامل شرکت سبدگردان سرمایه ایرانیان ادامه داد: متأسفانه در برخی موارد به جای بهره برداری از این فرصت تاریخی و همدلی شاهد اظهارنظرهای غیرمنطقی با هدف ایجاد ترس کاذب و دامن زدن به فضای هیجانی هستیم. وی با بیان اینکه نظام اقتصادی مبتنی بر بازار سرمایه به معنای آن است که جامعه در توسعه صنایع مهم کشور به شکل مستقیم و غیرمستقیم مشارکت کند و این سرمایه گذاری به تامین هزینه های بخش مولد اقتصاد منجر شود، افزود: با چنین تعریفی ترغیب جامعه به خروج از بازار سرمایه

با چه هدفی انجام می شود؟ فرض کنید دارایی را از بازار سرمایه خارج کنیم! سوال اصلی این است که سرمایه را به کجا منتقل کنیم؟ منطقی باشیم! مشخصاً دامن زدن به فضای هیجانی، ایجاد ترس و ترغیب جامعه به خروج از بازار سرمایه حول محور منافع شخصی و دلالی در بازارهای غیر مولد شکل می گیرد. مدیرعامل شرکت سبدگردان سرمایه ایرانیان افزود: خروج سرمایه از بورس به معنای بازگشت به اقتصاد سنتی است. مطمئناً پیچیدن این نسخه با علم و تحلیل اقتصادی نیست و نسخه ای سوداگرانه است. این نوع رفتار برای اقتصاد ما خطرناک است و اتفاقاً قانون گذارها هم باید به این موضوع ورود کنند و انگیزه سوداگری و سفته بازی را از بازارها بگیرند. سیدمصطفی صفاری با اشاره به اینکه اقتصاد ایران ما در حال تغییر از بانک پایه بودن به سمت بازار سرمایه است، افزود: البته دولت نیز باید با سرعت باقی مانده سهام خود را واگذار کند. بر اساس اصل ۴۴ و تاکید مقام معظم رهبری باید وزن اقتصاد دولتی به ۲۰ درصد برسد اما متأسفانه هنوز ۷۰ درصد است. دولتی بودن یکی از مشکلات پیش روی اقتصاد مقاومتی نیز محسوب می شود. دولت باید صرفاً داور باشد و باقی مانده واگذاری ها باید سریع تر انجام شود. متأسفانه در مدتی که به شکل تصاعدی مثبت بود، دولت از فضای ایجاد شده استفاده نکرد.

### چشم انداز مثبت، پیش روی بازار سرمایه

مدیرعامل شرکت سبدگردان سرمایه ایرانیان ادامه داد: زمان افزایش سرمایه گذاری در بازار سرمایه فرا رسیده و چشم انداز روشنی پیش روی سرمایه گذاران است و من معتقدم با توجه به حجم نقدینگی کشور، افزایش قیمت های جهانی، سطح تورم، افزایش نرخ دلار، دستور العمل های جدید بازار سرمایه شامل تقویت بازارگردانی، ممنوعیت معاملات الگوریتمی و محدود شدن سفته بازی و از همه مهمتر انتشار گزارش های مالی ماهه شرکت ها، شاهد چرخش شرایط بازار باشیم. وی ضمن اشاره به انتشار گزارش های مالی ۶ ماهه شرکت ها و تاثیر مثبت آن در بازار افزود: با انتشار گزارش های ۶ ماهه شرکت ها و مشخص شدن فروش بنگاه ها با توجه به نرخ دلار و تورم، بازار سرمایه به سمت فضای مثبت تغییر مسیر می دهد و در بدترین شرایط بازار حداکثر طی ۳ تا ۶ ماه خود را با سایر بازار ها منطبق می کند.

**نهاد ناظر بازار سرمایه تصمیماتی منطقی گرفت / حداقل یک روز طاقت ماندن در این بازار را داشته باشید**

مدیرعامل شرکت سبدگردان سرمایه ایرانیان با اشاره به ممنوعیت معاملات الگوریتمی و محدودیت فروش روزانه سهام خریداری شده، گفت: من با هر دو تصمیم کاملاً موافق هستم، توسعه معاملات الگوریتمی اقدام ارزشمندی است اما برای بازارهایی با عمق بالا مناسب است و هنوز بازار ما شرایط لازم را برای این نوع معاملات ندارد. فعلاً باید این نوع معامله محدود شود و زمانی که به عمق لازم رسیدیم می توان از این ابزار استفاده کرد. وی ادامه داد: دومین بحثی که اتفاق افتاد محدودیت معاملات

روزانه سهم است. برخی ساعت ۹ صبح سهام را می خریدند و ساعت ۱۲ می فروختند. عملاً این موضوع باعث شده بود مهمترین اصل بازار سرمایه یعنی سرمایه گذاری با افق حداقل یک ساله تهدید شود. برخی انتظار دارند هر روز ۵ درصد سود بگیرند و این دقیقاً با دید بازار سرمایه در تعارض است. صفاری افزود: افق سرمایه گذاری در بازار سرمایه یک سال به بالا است و داد و ستد روزانه باعث ایجاد هیجان می شود. T+1 هم به نظر من عجیب نیست، حداقل یک روز طاقت ماندن در این بازار را داشته باشید. وی افزود: این تصمیمات عامل ثبات و آرامش بازار است و به نظر می رسد تصمیمی منطقی در این شرایط بود. انشاءالله اگر شاهد خصوصی سازی واقعی باشیم و دولت سهام باقی مانده خود را عرضه کند و عمق بازار افزایش داشته باشد، می توانیم به شرایط گذشته برگردیم.

خبر: امیررضا خطیر

### نقش صرافی ها در افزایش قیمت ارز خارجی

#### چه عواملی بر روی افزایش نرخ ارز در صرافی ها تاثیر می گذارد؟

ارزش پول به عوامل مختلف از جمله واردات و صادرات، میزان تورم، اشتغال، نرخ سود و رشد، عملکرد بازار سهام، کسری تجاری، دخایر ارزی خارجی کشور و غیره که بر اقتصاد یک کشور تاثیر می گذارد بستگی دارد. به طور کلی زمانی که درآمدها بیشتر می شود مردم بیشتر از گذشته برای خرید ارز از صرافی های معتبر اقدام می کنند. ارزش پول کشور برای افراد و کسب و کارهای فعال بسیار مهم است و از مهم ترین عوامل سلامت اقتصاد کشور می باشد زیرا تاثیر مستقیم بر روی تجارت ارزی و کسب و کارهای صرافی ها می گذارد. نرخ ارز صرافی برای یک کشور تاثیر بر تعادل تجارت آن می گذارد. حفظ تعادل تجارت در کشور چنانچه تحت تاثیر نرخ ارز قرار بگیرد منجر به افزایش واردات و کاهش صادرات می شود. نرخ ارز در واقع نشان دهنده هزینه ای است که برای معاملات ارزی انجام گرفته در خارج از کشور و سایر کسب و کارها براساس نوسانات ارز ایجاد می شود.

زمانی که تغییرات نرخ ارز بالا باشد شرکت هایی که دارایی زیادی در ارزهای مختلف دارند بیشتر در معرض خطر قرار می گیرند. آن دسته از افرادی که در خارج از کشور زندگی و کار می کنند نیز نرخ ارز می تواند به از دست دادن درآمدها در زمان ارسال یا انتقال پول به کشور تاثیر بگذارد. پس به این نتیجه می رسیم که نرخ ارز در کشور به میزان صادرات و واردات، معامله های ارزی با کشورهای دیگر بستگی دارد. برای ایجاد ثبات نرخ ارز در کشور کارشناسان مسائل اقتصادی همیشه راهکارهایی را به دولتمردان ارائه می کنند. نرخ ارز باید براساس میزان تورم داخل و خارج کشور اضافه شود و میزان رقم اضافه شده به ارز باید به گونه ای باشد که ثبات را در قیمت ها داشته باشیم در غیر این

صورت با مشکلات بزرگ نوسانات ارزی و عدم مبادلات ارزی به خارج و داخل رو به رو خواهیم شد. برای اطلاع از نرخ ارز واقعی همیشه با صرافی های معتبر در ارتباط باشید.

### قیمت دلار در صرافی ها چگونه تعیین می شود؟

برای تعیین قیمت دلار در صرافی ها و محاسبه نرخ ارز مکانیزم های مختلفی وجود دارد که کارشناسان در صورت ایجاد نوسان در آن بر یکی از آن ها تاکید می کنند. یکی از چالش های بزرگ در هر دوره از اقتصاد کشور نوسانات نرخ ارز و ارزش پول کشور است. در صورتی که این نوسانات در کشورهای پیشرفته به مراتب کمتر مشاهده می شود. به طور کلی ارزش پول ملی هر کشور تابع نظام ارزی حاکم بر آن است. چهار نظام پایه ای برای تعیین نرخ دلار شامل نظام پایه طلا، نظام پایه ارزی شناور، نظام پایه طلا و ارز، نظام ارزی شناور مدیریت شده می باشد. نظام ارزی هر کشور با تراز پرداخت آن ارتباط متقابل دارد و این نظام ها باید ساز و کار مشخص برای اصلاح کسری و مازاد پایدار تراز پرداخت داشته باشند. به طور کلی درآمدهای ارزی در کشور با سایر کشورها تفاوت هایی دارد و متناسب با این شرایط سیاست های ارزی طراحی می شود.

دلیل اصلی تفاوت درآمدهای ارزی کشور ما با سایر کشورها به خاطر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و مشتقات آن است. برای جلوگیری از افزایش نرخ و قیمت دلار در کشور بانک مرکزی نظام ارزی شناور مدیریت شده را اعلام کرده است. در این نظام میزان عرضه و تقاضای ارز نرخ برابر را مشخص کند. البته بانک مرکزی می تواند با دخالت خود در بازار ارزی، نوسانات ارزی را کنترل کند. صرافی های معتبر و فعال در زمینه مبادلات ارزی در کشور زیر نظر بانک مرکزی و قوانین و مقررات موجود در کشور فعالیت می کنند. چنان چه قصد خرید یا فروش ارز و هرگونه معامله ارزی را دارید بهتر است قبل از هر گونه اقدامی در این زمینه با مشاور و کارشناس ما مشورت داشته باشید و همیشه صرافی معتبر و مورد اطمینانی را انتخاب کنید.

### اثرات افزایش قیمت دلار صرافی ها

در سومین روز هفته، رشد دلار شتاب بیشتری گرفت و سکه تمام بهار آزادی به ۵ قدمی مرز ۷ میلیون تومانی رسید. به گزارش اقتصادآنلاین به نقل از دنیای اقتصاد، روز دوشنبه، شاخص بازار ارز ۱۹۰ تومان افزایش را تجربه کرد و به بهای ۱۶ هزار و ۷۰۰ تومان رسید. چنین میزان رشدی برای این ارز از تاریخ ۱۰ اردیبهشت سابقه نداشت؛ دیگر رکورد مهم دیروز، رسیدن دلار به سطح قیمتی بود که از اوایل مهر ۹۷ تجربه نشده بود. چنین رکوردهایی مسلماً افزایشی های بازار را به رشد قیمت امیدوارتر

می‌کند، ولی به نظر می‌رسد بازارساز نیز مصمم شده است که شاخص ارزی را رام کند. در این مسیر، صرافی‌های منتخب بازارساز به قیمت‌گذاری جسورانه خود ادامه دادند؛ دیروز ارزش دلار بر تابلوی این صرافی‌ها به ۱۶ هزار و ۵۰۰ تومان رسید که ۳۰۰ تومان بالاتر از روز یکشنبه بود. این صرافی‌ها در روز یکشنبه نیز ۴۰۰ تومان به ارزش قیمت دلار افزوده بودند. با افزایش روز دوشنبه فاصله بین نرخ صرافی‌های بازارساز و قیمت بازار آزاد به ۲۰۰ تومان رسید. این میزان فاصله به اندازه‌ای نبود که موجب شود تقاضای آربیتراژی رغبت خاصی برای حضور در معاملات داشته باشد.

به گفته برخی از بازیگران باتجربه ارزی، بازارساز از طریق این افزایش قیمت‌ها تا حدی توانست زمینه‌های رفتار نوسان‌گیرانه در بازار را کاهش دهد، بدون آنکه اسکناس نقدی زیادی را هم از دست بدهد. به گفته آنها اگر بازارساز قیمت را در کانال پایین‌تر نگه می‌داشت، تقاضای کاذب بیشتری وارد بازار می‌شد و بازارساز ناچار می‌شد اسکناس زیادی را با قیمت ارزان‌تر در اختیار مشتریان قرار دهد. افزون بر این هر زمان قیمت صرافی‌های بازارساز فاصله زیادی با قیمت‌های بازار داشته باشد، تحرکات معامله‌گران فردایی بیشتر می‌شود و سعی می‌کنند با هیجان‌سازی این فاصله را بیشتر می‌کنند. جدا از اینها، هر زمان فاصله بین این دو قیمت بیشتر می‌شود، رانتی ایجاد شده است که سهم افرادی می‌شود که به خرید ارز ارزان‌تر دسترسی دارند و ممکن است افرادی حتی از کارت ملی بقیه برای دسترسی بیشتر به این ارز استفاده کنند.

### محرك رشد قیمت دلار چیست؟

بالا رفتن قیمت صرافی‌های منتخب بازارساز می‌تواند نشان دهنده دو خواست سیاست‌گذار ارزی باشد: اول اینکه از ورود تقاضای کاذب به بازار جلوگیری کند و دوم اینکه با نزدیک شدن به قیمت بازار کم‌کم آن را رام کند و مانع از افزایش نوسانات شود. اگرچه بازارساز این تاکتیک جسورانه را در ۲ روز گذشته انجام داده اما قیمت در بازار آزاد به افزایش خود ادامه داده است. به گفته فعالان، مهم‌ترین عاملی که در این شرایط موجب شد قیمت دلار به رشد خود ادامه دهد، افزایش نرخ حواله درهم بود. درهم دیروز از محدوده ۴ هزار و ۶۰۰ تومانی عبور کرد؛ با چنین سطح قیمتی از درهم، ارزش دلار در بازار داخلی حتی می‌توانست به بالای ۱۶ هزار و ۸۵۰ تومان برسد. با این حال، به نظر می‌رسد فعالان بازار داخلی تا حدی هم با احتیاط نسبت به رشد حواله درهم واکنش نشان دادند. در بازار ارز هیجان‌ات کمی بیشتر از گذشته شده است، ولی همچنان چشم بیشتر معامله‌گران به بازار سکه و طلاست که هر روز سقف تاریخی تازه‌ای را به ثبت می‌رساند.

### خطاهای اطاق بازرگانی در تجارت ایران چیست؟

### سامانه کارت بازرگانی محل آزمون و خطا نیست

دبیرکل اتاق ایران در نامه‌ای به ریاست سازمان توسعه تجارت، ضمن بر شمردن ایرادات سامانه جدید کارت بازرگانی، پیشنهادات اتاق ایران طی ماه‌های گذشته را بازگو کرد. به گزارش ایسنا، دبیر کل اتاق ایران در نامه‌ای به رئیس سازمان توسعه تجارت، ضمن برشمردن ایرادات سامانه جامع تجارت، ضعف‌های اجرایی در فرایند تغییر شیوه تمدید و صدور کارت بازرگانی را مورد تاکید قرار داد. محمدرضا رضانی طی نامه‌ای که در پی پاسخ حمید زادبوم به اشکالات و ابهامات مطرح شده از سوی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در زمینه فرایند جدید تمدید و صدور کارت بازرگانی، صادر شده است، مجموع مکاتبات و توصیه‌های پارلمان بخش خصوصی درباره سامانه جامع تجارت را بازگو کرد. دبیر کل اتاق ایران تاکید کرده است که اتاق‌های سراسر کشور از همان ابتدا همکاری همه جانبه خود را برای تغییر شیوه تمدید و صدور کارت بازرگانی انجام داده‌اند اما ایرادات و ضعف‌های سامانه جامع تجارت به قدری است که صدور اولین کارت بازرگانی در این سامانه، ۴۶ روز پس از آغاز به کار آن رقم خورده است.

مشکلات و ایرادات سامانه جامع تجارت در فرایند تمدید و صدور کارت‌های بازرگانی به همراه موارد عینی و مصداقی، طی ماه‌های گذشته بارها از سوی اتاق‌های شهرستان‌های مختلف به سازمان توسعه تجارت اعلام شده است. اتاق‌های سراسر کشور که به طور مستمر با فعالان اقتصادی در ارتباط هستند، با مراجعه و گلایه‌های متقاضیان مواجه شده‌اند به همین دلیل بر اساس وظیفه خود، نابسامانی‌های این سامانه را دسته‌بندی کرده و به اطلاع سازمان توسعه تجارت و سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت رسانده‌اند. سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت در استان‌های مختلف نیز بارها نسبت به مشکلات و ایرادات رویه جدید تمدید و صدور کارت بازرگانی واکنش نشان داده‌اند و مراتب را به وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده‌اند. محمدرضا رضانی نیز در نامه خود ابراز داشته است، بارها به مسئولان دولتی توصیه شد که این پروژه با اجرای پایلوت در چند استان آغاز شود تا بعد از نمایان شدن ضعف‌ها، بتوان نسبت به اصلاح آن اقدام کرد. در این شرایط پس از کسب اطمینان از کارآمدی سامانه و رفع ایرادات، امکان اجرای سراسری آن فراهم خواهد شد.

در حالی که سرپرست وزارت صنعت، معدن و تجارت با پذیرش درخواست رئیس اتاق ایران، دستور به بازگشت فرایند تمدید و صدور کارت به حالت قبلی برای دو ماه آینده را داده است، سازمان توسعه تجارت در نامه‌ای به اتاق ایران اشکالات این سامانه را نادیده گرفته و ایرادات مطرح شده را وارد ندانسته است. در این زمینه دبیر کل اتاق ایران در نامه خود به رئیس سازمان توسعه تجارت آورده است: «بر اساس اطلاعات واصله از سوی متقاضیان دریافت و تمدید کارت بازرگانی مبنی بر عدم امکان ثبت درخواست در سامانه جامع تجارت و پیگیری نمایندگان اتاق ایران در این خصوص طبق اذعان کارشناسان محترم وزارت صمت ایرادات فنی و مشکلات عدم امکان ارتباط با سامانه‌های بانک مرکزی

و سازمان امور مالیاتی موجب بروز مشکلات مربوطه شده است. لذا اعلام مشکل از سوی اتاق در حالی که سامانه کارت هوشمند بازرگانی که به مدت ده سال نسبت به صدور و تمدید کارت بدون مشکل اقدام می نموده است با موارد مطروحه توسط سازمان توسعه تجارت در تضاد است.»

**متن کامل نامه محمدرضا رضای دبیر کل اتاق ایران به حمید زادبوم، معاون وزیر و رئیس سازمان توسعه تجارت به شرح زیر است:**

جناب آقای زادبوم معاون محترم وزیر و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۹۹/۱۰۰/۲۰۰۲۸ مورخ ۹۹/۱۰۰/۱۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۸ در خصوص آغاز فرآیند صدور و تمدید کارت بازرگانی از طریق سامانه جامع تجارت به استحضار می رساند، اتاق ایران مستندا به مواد (۳) و (۱۰) قانون مقررات صادرات و واردات و آیین نامه اجرایی آن در فرآیند صدور و تمدید کارتهای بازرگانی به عنوان متولی صدور کارت بازرگانی و در اجرای تکالیف قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و طبق توافقات سه جانبه فی مابین اتاق ایران، وزارت صمت و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و بر اساس ابلاغیه شماره ۶۰/۲۹۷۹۳۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۸ آمادگی خود را در اجرای صحیح و دقیق قانون مزبور و فرآیند جدید صدور و تمدید کارت از طریق سامانه جامع تجارت اعلام نموده است. در این راستا و در تعامل و همکاری با سازمان توسعه تجارت ایران و در اجرای بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۰/۱۳۴۸۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۱، اتاق ایران نسبت به مسدود نمودن سامانه کارت هوشمند به جهت صدور کارت، اقدام و از تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ نیز دریافت تقاضای تمدید کارت از سامانه را مسدود نمود. متاسفانه آن سازمان محترم طی بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۰/۱۲۳۷۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۳ در یک ضرب الاجل غیرمنتظره و خطاب به روسای محترم سازمان های صمت ۳۱ استان و جنوب استان کرمان اعلام نمود که سازمانهای صمت می بایست از تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ از پذیرش و تایید کارت های صدور از سامانه اتاق ایران خودداری نموده و از صدور و تمدید کارت بازرگانی جلوگیری نمایند که مورد اعتراض نمایندگان اتاق ایران قرار گرفت.

بر اساس مذاکرات انجام شده توسط نمایندگان اتاق ایران و سازمان توسعه تجارت ایران و طبق درخواست اتاق ایران مبنی بر اجرای مرحله به مرحله اقدامات در خصوص برنامه زمان بندی انتقال فرآیند صدور و تمدید کارت بازرگانی و سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه بندی اعتباری، آن سازمان محترم طی نامه شماره ۹۹/۱۰۰/۱۳۸۱۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ به روسای محترم سازمان های صمت ۳۱ استان و جنوب کرمان ابلاغ نمود که عملیات صدور کارت بازرگانی از تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ در سامانه اتاق بازرگانی متوقف و صرفاً در سامانه یکپارچه اعتبارسنجی انجام گردد و در مورد تمدید کارت بازرگانی تا تاریخ



۱۳۹۹/۰۵/۱۵ همچنان عملیات در سامانه اتاق بازرگانی قابل انجام باشد. ولی از تاریخ مذکور عملیات تمدید کارت بازرگانی نیز در سامانه اتاق بازرگانی متوقف و صرفاً در سامانه اعتبارسنجی انجام گردد.

نماینده اتاق ایران در جلسات متعدد با نمایندگان وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت، موکدا درخواست نموده است که فرآیند صدور و تمدید کارت ها در سه استان کشور نظیر استان خراسان رضوی، فارس و آذربایجان شرقی به صورت آزمایشی اجرا شود و پس از رفع ایرادات سامانه، مراتب در سایر استان ها و به صورت گسترده به اجرا در آید. در این ارتباط اتاق ایران طی مکاتبات متعدد با جناب آقای دکتر جهانگیری معاون اول محترم رئیس جمهور، جناب آقای دکتر مدرس خیابانی سرپرست محترم وقت وزارت صمت و جناب آقای دکتر سرقینی سرپرست محترم وزارت صمت، ایرادات فنی و اشکالات موجود را اعلام نموده است و خواهان اجرای فرآیند مزبور در سه استان کشور به صورت پایلوت و آزمایشی شده است. اما متأسفانه عدم انجام تست عملیاتی و انجام فاز پایلوت استانی باعث شده است که اولین کارت با تاخیر بسیار در تاریخ ۹۹/۶/۱۶ و بعد از گذشت ۴۶ روز از اجرای پروژه صادر گردد.

فعالان اقتصادی در طول ماه های گذشته مبادرت به تشکیل پرونده صدور یا تمدید نموده اند که فقدان زیرساخت های مناسب سامانه ای، عدم آمادگی سامانه جامع تجارت و ایرادات فنی وارده بر آن و نیز اختلال سامانه مذکور در ارتباط با سامانه های سایر دستگاه ها و نهادها، ضمن ایجاد بلا تکلیفی و سردرگمی فعالان اقتصادی، باعث عدم صدور یا تمدید کارت ها و در نتیجه توقف فعالیت های تولیدی، تجاری و صادراتی ایشان گردیده و زمینه اعتراضات گسترده فعالان اقتصادی و تشکل های مربوطه را نسبت به اتاق های سراسر کشور فراهم کرده است. متأسفانه ضرب الاجل مزبور موجب سردرگمی و ابهام کارشناسان سازمان صمت استان نیز شده و به اذعان ایشان، صدور و تمدید کارت از طریق سامانه جامع تجارت دچار ایرادات فنی بسیاری است. برای نمونه، نامه شماره ۱۲/۳۶۵۴۴ مورخ ۹۹/۰۶/۲۳ سازمان صمت استان کرمانشاه و نامه شماره ۱۰۴/۴۹۰۰۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۶ سازمان صمت استان اصفهان مبنی بر عدم امکان صدور و تمدید کارت از طریق سامانه اعتبارسنجی و رتبه بندی اعتباری گویای این مطلب است.

بر اساس اطلاعات واصله از سوی متقاضیان دریافت و تمدید کارت بازرگانی مبنی بر عدم امکان ثبت درخواست در سامانه جامع تجارت و پیگیری نمایندگان اتاق ایران در این خصوص طبق اذعان کارشناسان محترم وزارت صمت ایرادات فنی و مشکلات عدم امکان ارتباط با سامانه های بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی موجب بروز مشکلات مربوطه شده است. لذا اعلام مشکل از سوی اتاق در حالی که سامانه کارت بازرگانی هوشمند که به مدت بیش از ۱۰ سال نسبت به صدور و تمدید کارت بدون مشکل اقدام می نموده است با موارد ذکر شده توسط سازمان توسعه تجارت در تضاد است. با توجه به موارد مطروحه در خصوص مشکلات موجود در تعامل دو سامانه جلسه ای مشترک در تاریخ

۱۳۹۹/۶/۱۷ با حضور کارشناسان دفتر توسعه تجارت الکترونیک برگزار و تمامی نکات مورد نظر مطرح گردید. علیهذا نظر به مراتب فوق الذکر و با توجه به موارد مطروحه در نامه شماره ۹۹/۱۰۰/۲۰۰۲۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۸، در خصوص موضوعات ۱۸ گانه موارد ذیل را اشعار می نماید:

۱- بر خلاف ادعای عنوان شده، اتاق ایران در سامانه کارت بازرگانی هوشمند از سالهای گذشته، استعلامات مورد نیاز خود را بصورت الکترونیکی از ۱۰ سازمان نظیر ثبت احوال، گمرک، تامین اجتماعی، امور مالیاتی، پست، ثبت شرکتهای، نظام وظیفه و ... انجام می دهد و صرفا بر اساس خوداظهاری نسبت به اعتبارسنجی متقاضیان کارت، اقدام نمی کند. در موضوع کدپستی برخی از کارتهایی که دچار مشکل در ارسال به سامانه کارت شده اند، دلیل آن به علت یکسان بودن کدپستی منزل و کدپستی دفتر مرکزی متقاضی بوده است. لذا نیاز است استعلام های دریافتی توسط وزارت صمت، قبل از ارسال به اتاق مورد بررسی قرار گیرد.

۲- در مورد اعتبار ۵ ساله کارت های تولیدی، در تعدادی از پرونده های ارسالی، علیرغم وجود اطلاعات مبنی بر تولیدی بودن متقاضی کارت، اطلاعات به صورت غیرتولیدی به اتاق ارسال شده است و پس از ارائه مدارک توسط دارنده کارت و ارتباط با همکاران فنی وزارت صمت، مشخص گردید این موضوع نیاز به بررسی مجدد استعلام های دریافت شده توسط سامانه اعتبارسنجی و تغییر در پیاده سازی آن سامانه دارد. لازم به توضیح است که دارندگان کارت هایی که پروانه فعال و ابطالی داشتند، به دلیل وجود اطلاع ابطالی، تولیدی محسوب نشده بودند.

۳- در موضوع حذف فرم "د" و فرم "الف" در جلسه مورخ ۹۹/۶/۱۷ تصمیم بر آن شد در کمیته کارت اتاق ایران این موضوع بررسی شود. در تاریخ ۹۹/۶/۱۹ این کمیته تشکیل و با توجه به اینکه استعلام های مربوط به این فرمها از سمت بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی در اختیار اتاق ایران قرار نمی گیرد مقرر گردید به جهت جلوگیری از ایجاد مشکلات حقوقی برای اتاقها، فعلا اقدامی جهت حذف آنها صورت نپذیرد.

۴- در بند فوق توضیح داده شد.

۵- سامانه جدید اعتبارسنجی هیچ تغییری در کارهای کارشناسان اتاق های کشور ایجاد ننموده است که نیازمند آموزش و یا تهیه مستند برای آنها باشد. تا قبل از راه اندازی این سامانه، شروع فرآیند توسط متقاضی از طریق پنل کاربری بر روی سامانه کارت انجام می شد و پس از طی مراحل به کارتابل کارشناس اتاق جهت بررسی و تایید ارجاع می گردید. هم اکنون نیز در سامانه جدید، شروع فرآیند از طریق سامانه جامع می باشد. بعد از ارسال پرونده در صورتی که خطایی نداشته باشد اطلاعات ارسالی

در کار تابل بازرگان ثبت شده و بعد از تایید متقاضی در اختیار کارشناس اتاق قرار می گیرد. شایان ذکر است پس از پیگیری های مکرر از تیم فنی وزارت صمت، پس از گذشت ۱۵ روز از آغاز پروژه و در تاریخ ۹۹/۵/۱۵، جلسه آموزشی جهت آشنایی با فرآیند جدید صدور و تمدید کارت در سامانه جامع تجارت بصورت ویدئوکنفرانسی برای مدیران و کارشناسان اتاقهای سراسر کشور برگزار گردید.

۶- به علت عدم پیاده سازی سامانه جامع در زمان ثبت درخواست متقاضی، و به علت وجود فرآیند جاری تمدید و یا تمدید انجام شده در سامانه اتاق بازرگانی، طبقاً تعدادی از کارت هایی که اقدام تمام شده یا ناتمام در سامانه کارت اتاق دارند، با خطای اشاره شده مواجه می شوند که پس از تکمیل پیاده سازی کارشناسان در سامانه جامع، این قبیل موارد باید به حداقل برسد.

۷- موضوع عدم پاسخگویی مناسب کارشناسان مرکز تماس سامانه جامع مورد تایید اغلب بازرگانان مراجعه کننده به اتاق می باشد. علاوه بر آن از همان ابتدای مرداد و آغاز دستوری پروژه در صفحه اول سامانه کارت بازرگانی توضیحات کافی به شرح ذیل ارائه شده است :

لذا ادعای: "عدم اطلاع رسانی مناسب به بازرگانان توسط آن اتاق علیرغم درخواست این موضوع طی رونوشت تمامی مکاتبات از سال گذشته و حتی عدم آشنایی کارشناسان اتاق های شهرستان ها با فرآیند جدید و در نتیجه پاسخگویی حضوری یا تلفنی ناقص به متقاضیان" صحیح نمی باشد.

۸- به علت وجود اطلاعات افراد غیر مجاز با اطلاعات قدیم و شماره قدیم کارت در سامانه کارت و همچنین وجود بدهی گمرکی و بررسی گمرکی برای بدهی با شماره قدیم کارت، استفاده از شماره قدیم در استعلام اولیه ضروری است و نمی توان صرفاً بر اساس شماره/شناسه ملی اقدام نمود. این مهم قبلتر در صورتجلسه مورخ ۹۹/۵/۱۱ هم اشاره گردید و مجدد در جلسه ۹۹/۶/۱۷ بر لزوم آن تاکید شده است که همچنان از سوی سامانه جامع تجارت پیاده سازی نشده است.

۹- بدیهی است که ارتباط سامانه های نرم افزاری از طریق وب سرویس، نیاز به قراردادی توافق شده دارد. طبق صورتجلسه مورخ ۹۹/۵/۱۱ مبنی بر ارائه وب سرویس به اتاق ایران جهت ثبت درخواست حذف، هماهنگی خاصی جهت نحوه پیاده سازی و یا ارائه این سرویس تاکنون صورت نگرفته است. حذف می تواند از هر دو سامانه صورت گیرد و پس از ثبت درخواست حذف، اطلاع حذف جهت تایید عملیات، منطقی بنظر می رسد. لذا ادعای مطرح شده مبنی بر آماده بودن وضعیت و یا وب سرویس (که حتی در مورد روش آن توافقی صورت نگرفته است)، دور از ذهن می باشد؛ چرا که پس از آماده سازی، لازم است به طرف مقابل اعلام شود که از سرویس جدید و یا وضعیت جدید با شرایط مشخص استفاده گردد. همچنین در جلسه ۹۹/۶/۱۷ مجدد درخواست شد تا وب سرویس حذف توسط وزارت صمت بررسی گردد که نشان

می‌دهد عبارت "این موضوع مستلزم تکمیل پیاده‌سازی این وب‌سرویس در سامانه آن اتاق بوده و نیازی به وب‌سرویس جدید نیست." صحیح نمی‌باشد.

۱۰- در زمان تست سیستم و پیش از عملیاتی شدن، یکی از درخواست های اتاق، تست حالت‌های مختلف بوده است. نظیر اتباع خارجی، اتاق‌های تعاون، استان‌هایی که در آنها چند اتاق وجود دارد (اصفهان/کاشان و ...) که متأسفانه این قبیل از موارد، در فاز تست، مورد بررسی قرار نگرفت و عملاً با اطلاعات واقعی بازرگانان و در سرورهای اصلی اتاق و صمت، تست و عملیاتی شدن بصورت همزمان صورت پذیرفت. تا تاریخ ۹۹/۶/۲۳ نمونه موفق برای اتباع خارجی با اطلاعات صحیح دریافت نشده است و حتی تنها موردی هم که اقدام به ثبت نام نموده، با ملیت ایرانی برای اتاق ایران ارسال شده است که متأسفانه مانع انجام کار امثال ایشان خواهد شد.

۱۱- با توجه به تجربه تلخ صدور و تمدید، بهتر است موضوع اعلام به گمرک سریعتر توسط صمت و اتاق انجام پذیرد تا مشکلات جدید به موارد قبلی اضافه نگردد.

۱۲- برخی از فرایندهای مرتبط با کارت بازرگانی از جمله ابطال، تعلیق، انتقال، المثنی و غیرفعال سازی در سامانه جامع تجارت لحاظ نشده است و امکان ابطال یا غیرفعال نمودن کارت توسط اتاق یا متقاضی امکان پذیر نمی‌باشد.

۱۳- تست کارت اتاق تعاون مستلزم فراهم نمودن داده تستی توسط وزارت صمت در زمان تست و راه‌اندازی اولیه سیستم بوده است. همانطور که در بند ۱۰ مطرح شد، عملاً تست گسترده برای سیستم صورت نگرفته است و حداکثر ۲۰ کارت متمایز ولی با دیتای تقریباً یکسان ارسال شده است. کارت اتاق تعاون نیز بعد از اجرای پروژه و در سرور واقعی و نه تستی بررسی شد که این امر نیز با اصول آغاز بهره‌برداری از نرم‌افزار جدید سازگار نمی‌باشد.

۱۴- تست مربوط به استانهای دو سازمانی توسط اتاق انجام نشده و در صورتی که کارشناسان صمت در این موضوع مشکلی ندارند اتاق ایران نیز تأکیدی بر آن ندارد.

۱۵- با توجه به قطع ارتباط وب سرویسی اتاق ایران با سازمان امور مالیاتی به دلیل درخواست وزارت صمت، سایر فرایندهای موجود در سامانه کارت نظیر ابطال، انتقال، المثنی و ... نیز عملاً از کار افتاده‌اند و با توجه به زمانبر بودن تحلیل و پیاده‌سازی سایر فرایندها، از روند توافق قبلی (پایان شهریور) بسیار عقب می‌باشیم.

۱۶- طبق صورتجلسه مورخ ۹۹/۵/۱۱، لازم است وب سرویسی در اختیار اتاق قرار داده شود تا در لحظه صدور گواهی مبدا، از اعتبار کارت اطمینان حاصل شود. با توجه به جدا بودن سیستم‌ها، ممکن

است اعلام غیرفعال شدن کارت توسط صمت به سامانه اتاق، به هر دلیلی با تاخیر یا مشکل مواجه شود که این امر می‌تواند منجر به صدور گواهی مبدا برای کارت غیرمعتبر گردد. با توجه به اهمیت موضوع مجدد این درخواست در صورتجلسه ۹۹/۶/۱۷ نیز آورده شده است.

۱۷- هم اکنون اغلب سازمان‌ها سرویس‌ها و خدمات خود را به مخاطبین متعددی با تعریف نامهای کاربری مختلف ارائه می‌نمایند. لذا از لحاظ فنی امکان تفکیک درخواستهای گواهی ۱۸۶ توسط سازمان امور مالیاتی با ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌حل و تعریف نام کاربری متفاوت برای وزارت صمت و اتاق ایران در ورودی وب سرویس مقدر بوده و محرز است که قطع دسترسی اتاق ایران به این استعلام جنبه فنی نداشته است.

۱۸- همچنین در خصوص کاهش چشمگیر تعداد صدور و تمدید در بازه فعال شدن سامانه جامع تجارت، موارد زیر قابل توجه می‌باشد:

از ابتدای مردادماه تا تاریخ ۹۹/۶/۲۳، از ۶۶۵ کارت ارسالی توسط وزارت صمت، تنها ۴۸ مورد به صدور یا تمدید کارت منجر شده‌اند. که اولین کارت در تاریخ ۹۹/۶/۱۶ و بعد از گذشت ۴۶ روز از اجرای پروژه با پیگیری‌های متعدد صورت پذیرفته است.

۳۳۰ مورد به دلیل نقص مدارک و یا خطا در اطلاعات ارسالی در ابتدای کار توسط سامانه اتاق به وزارت صمت بازگشت داده شده‌اند.

برای موضوع تکمیل شماره اقتصادی با شماره ملی طبق صورتجلسه مورخ ۹۹/۶/۱۷ مقرر گردید تغییرات مربوطه، توسط وزارت صمت صورت پذیرد و در صورت عدم ارسال خطا بازگردانده شود. به دلیل عدم همخوانی اطلاعات ارسال شده توسط وزارت صمت با توافق اولیه در قرارداد وب سرویس‌ها، برخی از فیلدهای اطلاعاتی که مورد نیاز این وزارت نبوده است، جهت تسهیل عملیات بازرگان در سامانه اتاق قابل ویرایش شده است تا امکان اصلاح برای بازرگان بدون رفت و برگشت وجود داشته باشد. در موارد ارسالی صمت، مشکلاتی نظیر نامشخص بودن جنسیت فرد، مشکل در تعیین تولیدی/غیرتولیدی بودن، مشکل در نبود کد اقتصادی در فیلد توافق شده، عدم همخوانی اطلاعات تفصیلی و استعلامی ارسالی توسط صمت، ارسال کارت با وجود چک برگشتی و ... وجود داشته است که اگر فاز تست و پایلوت استانی محقق می‌گردید این موارد قبل از رسیدن حجم عظیمی از پرونده‌ها برطرف می‌شد.

پذیرش فرمت‌های گوناگون برای پیوست مدارک، به جدید و یا قدیم بودن سامانه‌ها مرتبط نمی‌باشد. فرمت‌های JPG, PNG, PDF فرمت‌های پرکاربرد و توصیه شده توسعه دهندگان وب سایت‌ها می‌باشند و این موضوع با جستجو در محیط وب قابل استخراج است. از دلایل محدود شدن فرمت تصاویر، امکان

استفاده از ابزارهای دیگر جهت فشرده‌سازی اطلاعات بدون از دست رفتن کیفیت، امکان استخراج متن از عکس و ... می‌باشد که به همین جهت در سامانه‌های مبتنی بر وب فرمت‌های ورودی محدود می‌گردند. از لحاظ فنی برداشتن محدودیت فوق در سامانه اتاق، مشکل اجرایی ندارد. ولی بدیهی است که منجر به از دست دادن خدمات ارزش افزوده فوق می‌گردد. همچنین در مورد حجم فایل ارسالی نیز، محدودیت طبیعتاً در هر سامانه تحت وبی وجود داشته و خواهد داشت. و بر اساس زیرساختهای ذخیره‌سازی و ارتباطی موجود در مورد حداکثر سایز فایلها می‌توان نظر کارشناسی داد. نکته مهم دیگر آن است که اعتبارسنجی اطلاعات ارسالی توسط اتاق، در دو مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله اول، موارد ابتدایی نظیر وجود فرآیند جاری انجام می‌پذیرد. در صورتیکه وزارت صمت یا متقاضی، مشکلات اولیه را برطرف نمایند، اطلاعات ارسالی وزارت صمت وارد فاز دوم اعتبارسنجی اتاق می‌گردند که عملاً به دلیل مشکل فقدان کد اقتصادی، اطلاعات محل ثبت، محل تولد و ... که به مرور مشخص و رفع شدند، کارتها بازگشت می‌خورند.

در ضمن، در صورتیکه مطابق توافق اولیه، سامانه جامع پیش از شروع، وب سرویس اتاق را فراخوانی می‌کرد، هیچ یک از بازرگانان با مشکل وجود فرآیند جاری مواجه نمی‌شدند و پیش از اقدام در سامانه جامع، وضعیت کارت قبلی خود در سامانه اتاق را مشخص می‌کردند. همچنین در مورد رد درخواست بعلت وجود فرآیند جاری همانطور که بارها در جلسات عنوان شده بعلت پرداخت وجوه درآمدی در هر فرآیند و صدور اسناد مالی امکان حذف سیستمی وجود ندارد و خود بازرگان و یا اتاق استانی با هماهنگی با واحدهای مالی باید نسبت به حذف فرآیند اقدام نمایند تا سوابق پرداختی بازرگان دچار اختلال نگردد و با حذف فیشهای پرداختی از سامانه دچار مشکل نگردند. همانطور که در جلسه ۹۹/۶/۱۷ عنوان شد قرار شد صرفاً پیامکی مبنی بر حذف فرآیند توسط خود بازرگان به ایشان ارسال شود که با توجه به دستور سرپرست محترم وزارت صمت مبنی بر اعطای مهلت ۲ ماهه به سامانه جامع تجارت و بازگشت به سامانه کارت هوشمند اتاق و انجام فرآیندهای باقیمانده در آن حذف آنها نیازی نمی‌باشد. لذا با عنایت به موارد فوق الذکر و نیز الزام وزارت صمت مبنی بر آغاز فرآیند صدور و تمدید کارت از سامانه جامع تجارت اعلام می‌دارد مسئولیت عواقب تعلل و تاخیر در تجارت خارجی کشور و روند صدور و تمدید کارت بازرگانی به عهده آن سازمان می‌باشد. بر همین اساس و به منظور تسهیل امور فعالان اقتصادی، جهت عملیاتی شدن درخواست‌های مطروحه، دستور اقدامات لازم را صادر فرمایید.

انتهای پیام

وزارت صمت با امضاء های طلایی چه مجوزهایی میدهد

وزیر صمت: امضاهای طلایی را حذف می‌کنیم

شیراز- ایرنا- وزیر صنعت، معدن و تجارت با تاکید بر ضرورت اطمینان بخشی به فعالان حوزه اقتصاد، گفت: تمرکز وزارت صمت بر تقویت بخش خصوصی است؛ همچنین در پی حذف موانع و امضاهای طلایی هستیم و از هیچ تلاشی برای حمایت از فعالان اقتصادی کوتاهی نخواهیم کرد. «امضای طلایی» یکی از مصادیق رانت در نظام اقتصادی است به طوری که صدور مجوز به تصمیم گیری یک فرد منحصر باشد؛ این امضاها در مواردی می توانند با ایجاد رانت و انحصار، میلیاردها تومان به نفع فرد یا گروهی جابجا کنند از این رو کارشناسان معتقدند برای رفع فساد در نظام اداری هر جا که منابع رانت نامولد وجود دارد یا زمینه ساز انحصار می شود، باید رفع شود تا اقتصاد رقابت پذیر و عادلانه شود. علیرضا رزم حسینی روز جمعه در کارگروه و تسهیل رفع موانع تولید و نشست با فعالان اقتصادی استان فارس انتقادات و مشکلات مطرح شده از سوی فعالان اقتصادی در این جلسه را حساب شده خواند و افزود: صدور ۶۹ هزار میلیارد تومان جواز تاسیس در قالب ۳ هزار و ۲۵۵ پروژه نشان دهنده وجود ظرفیت مطلوبی در استان فارس است که اگر به سمت جذب سرمایه ها رهنمون شود، افزایش می یابد. وی فارس را استانی برخوردار در حوزه اقتصادی خواند و افزود: ممکن است توازن توسعه ای در این منطقه کمتر باشد؛ اما برخورداری از رتبه چهارم سپرده های بانکی در این استان افق های روشنی را پیش روی فعالیت های صنعتی قرار می دهد. وزیر صمت اظهار داشت: فارس در تمامی حوزه ها جزو رتبه های برتر کشور است و چنانچه فضایی بهتر ایجاد شود وزارت صمت می تواند پشتیبانی قوی برای این استان باشد. رزم حسینی ابراز کرد: امروز در دولت با تاکید ریاست جمهوری هماهنگی بسیار خوب و نزدیکی بین وزارت صمت، جهاد کشاورزی، اقتصاد و بانک مرکزی وجود دارد که در ادامه با هماهنگی خوبی که با رئیس کل بانک مرکزی داریم، در راستای تغییر برخی سیاست ها تلاش می کنیم. وزیر صمت با اشاره به اینکه توافق با بانک مرکزی می تواند برخی سیاست های کلان را تغییر دهد، گفت: بدخیمی هایی در حوزه اقتصاد ایجاد شده است و ضروری است هر چه سریع تر به سمت افزایش تولید و چند شیفت کردن واحدهای تولیدی با مشوق ها و تکمیل ظرفیت خالی در کشور اقدام کنیم. وی عنوان کرد: در شرایط سخت جنگ اقتصادی قرار داریم که افزون بر تحریم، کرونا هزینه های بسیاری در حوزه درمان، سلامت و بهداشت را بر کشور تحمیل کرده است؛ در این میان، ایران تنها کشوری است که ماسک به راحتی و فراوانی در اختیار مردم قرار دارد و دچار قحطی کالا نشد.

وزیر صمت ادامه داد: گرچه با گرانی هایی مواجه هستیم، اما دلیل این مشکل، تحریم و مسائل مربوط به تولید کشور است؛ با این حال معتقدیم کشور از بنیه اقتصادی مطلوبی برخوردار است که توانسته سه سال با چنین شرایطی مقاومت کند. رزم حسینی با بیان اینکه محدودیت های امروز بانک مرکزی به دلیل کاهش درآمد ارزی است، افزود: درآمد ارزی ایران به ۱۰ درصد کاهش یافته و چون بانک مرکزی متولی تامین ارز برای واحدهای تولیدی است، به دلیل تحریم ها فشارهایی نیز به فعالان اقتصادی وارد شده است. وی ابراز امیدواری کرد که با مشارکت مجلس، تشکل های بخش خصوصی و دولت می توان کالاهای ضروری

را به فراوانی در اختیار مردم قرار داد. وزیر صمت با بیان اینکه هیات‌های نظارتی باید در حوزه نظارت و تنظیم بازار فعال‌تر شوند، گفت: ضروری است در این زمینه بازرسی‌ها را مردمی کنیم تا ثبات نسبی ایجاد شود و فشارهای معیشتی کاهش یابد. رزم حسینی همچنین نوید آزادی تمامی معادن حبس‌شده فارس را ظرف دو ماه آینده داد و گفت: با این اقدام فرصت‌های جدیدی را در این استان ایجاد می‌کنیم؛ همچنین تفویذ اختیار و مقررات زدایی و پرهیز از صدور بخشنامه‌های شبانه از جمله اهداف این وزارتخانه در راستای رفع موانع حوزه کسب و کار است.

وی با اشاره به مشکلات مسیرهای مواصلاتی صنایع استان، اظهار کرد: ۱۰۲ میلیارد تومان اعتبار برای برطرف کردن مشکلات مسیرهای مواصلاتی میان صنایع مختلف استان در نظر گرفته شده و به زودی اختصاص می‌یابد؛ همچنین ۴۰۰ میلیارد تومان به‌منظور ایجاد مسیر مواصلاتی معدنی میان شهرستان‌های لامرد و پارسیان تخصیص یافته است.

### سفر وزیر صمت و گشایش های صنعتی و معدنی

معاون وزیر صمت نیز در این نشست ابراز داشت: بیش از ۵۰ هزار کیلومتر پهنه معدنی در استان فارس از سوی سازمان ایمن‌درو در حال مطالعه است و با توجه به ظرفیت‌های این استان، می‌توان گفت ۴۵ درصد از عرصه‌های معدنی این استان در دست مطالعه است؛ همچنین این سازمان از معادن شمال فارس نیز غافل نشده و در تلاش است اکتشافات معدنی در ممسنی را افزایش دهد. مدیرعامل سازمان توسعه و نوسازی معادن صنایع معدنی ایران اظهار کرد: اسکله شماره ۵ پارسیان با هدف صادرات سیمان کارخانه‌های استان فارس به‌زودی اختصاص می‌یابد.

### اشتغال و تولید خط قرمز وزارت صمت است

میثم زالی دبیر ستاد کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید وزارت صمت نیز در این جلسه خطاب به دستگاه‌های اجرایی گفت: خط قرمز ما تولید و اشتغال است و در راستای احیای واحدهای تولیدی و اشتغال، اجرای مصوبات کارگروه برای تمام دستگاه‌های اجرایی لازم الاجراست و هیچ عذر و بهانه‌ای از دستگاه‌های اجرایی در زمینه اجرایی نکردن مصوبات و رفع مشکلات واحدهای صنعتی پذیرفتنی نیست.

### قیمت ماسک تحویلی به داروخانه‌ها یک هزار و ۵۰ تومان است

احمد انارکی معاون پارلمانی وزارت صمت نیز با اشاره به تولید و توزیع روزانه ۴ میلیون ماسک به سازمان غذا و دارو برای تحویل به داروخانه‌ها گفت: این تعداد ماسک با قیمت هزار و ۵۰ تومان در اختیار سازمان غذا و دارو قرار گرفته است، اما متأسفانه قیمت ماسک در داروخانه‌ها حداقل قیمتی ۲



هزار و ۵۰۰ تومان است. بوی عنوان کرد: معاونت غذا و دارو در استان فارس بر فروش ماسک با قیمت‌های مصوب در داروخانه‌ها نظارت داشته باشد.

## ۱۱ شهر محروم استان با نگاه ویژه

سعید زرندی معاون طرح و برنامه وزارت صمت نیز گفت: در استان فارس ۱۱ شهرستان محروم شناسایی شده است که طبق برنامه ریزی وزارت صمت با نگاه ویژه و همکاری نمایندگان، برنامه‌های در دستور کار است.

## کارخانه گندله‌سازی در فارس ایجاد می‌شود

مدیرعامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران هم در این نشست ابراز داشت: کارخانه گندله‌سازی با اعتباری بالغ بر ۱۰۰ میلیون یورو و از طریق تامین اعتباری فاینانس در استان فارس ایجاد خواهد شد. خداداد غریب پور بیان کرد: اکتشافاتی که در مناطق مختلف استان فارس و به‌ویژه منطقه بهرام گور صورت گرفته است، در این زمینه حائز اهمیت بسیاری است. وی افزود: یکی دیگر از طرح‌های عمرانی استان فارس انتقال آب از سد چشمه عاشیق به صنایع پایین‌دستی این سد است که اعتباری ۹۸ میلیارد تومانی برای آن در نظر گرفته شده است. رئیس سازمان صنعت معدن و تجارت استان فارس هم گفت: تا انتهای سال جاری حداقل دو کارخانه بزرگ صنعتی در استان فارس قابل بهره برداری است.

ایلنا گزارش می‌دهد؛

## نقش نورچشمی‌ها و امضاهای طلایی در واگذاری‌های پنهانی معادن/ ویتترین‌سازی برای حراج ثروت محلی‌ها/ تکرار مصایب کارگران در ۶ هزار معدن

واگذاری بهره‌برداری از ۶ هزار معدن صحبت جدیدی نیست؛ مقام‌های دولت هم اذعان دارند که در طول سه دهه گذشته این برنامه توسط وزارت صمت در استان‌های مختلف پیاده شده است اما برنامه‌ی این روزها از حیث گستردگی و واگذاری و حتی تغییر ضوابط ورود به مزایده، به کل متفاوت از گذشته است.

به گزارش خبرنگار ایلنا؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آیه ۱ سوره انفال)؛ آیه‌ای که اصل ۴۵ قانون اساسی برگرفته از آن است. این اصل از قانون اساسی دربرگیرنده یکی از مبانی فقهی «حکومت اسلامی» است. خداوند در این آیه به پیامبر (ص) امر می‌کند که اگر مجاهدان بدر از تو پرسیدند این غنائم جنگی از آن کیست و چگونه تقسیم می‌شود؛ پاسخ بده: اینها انفال است. فقهای شیعه بر اساس همین آیه حکم می‌دهند که «حکومت اسلامی مسئول کنترل املاک و اموال فاقد مالک است و این اموال عمومی مانند اراضی موات، کوهها،

جنگها هستند که خداوند تعالی برای مردم آفریده و به اشخاص ارتباطی ندارند. در «رساله آموزشی ۱ احکام عبادات» که مطابق فتاوی «آیت الله خامنه‌ای» است، تاکید شده که انفال در تصرف حکومت اسلامی است و از آن باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره‌برداری شود.

بر همین اساس نویسندگان قانون اساسی با نگاه به مبانی فقهی اداره اموال عمومی، اصل ۴۵ قانون اساسی را تنظیم کردند: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها و... که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

### مزایده و حقوق دولتی معادن

در واقع حقوقدان‌ها و فقهای که قانون اساسی را وضع کرده‌اند، تفاوتی میان معدن با دریا، بیابان، بیشه و... قائل نشده‌اند و تاکید کرده‌اند؛ «اموال در اختیار حکومت اسلامی باید در راه مصالح عامه به مصرف برسند»؛ با این حال در چند دهه‌ی گذشته بهره‌برداری از معادن در جعبه «امضاهای طلایی» قرار گرفته است و به عنوان یک امتیاز اقتصادی به «نورچشمی»ها اختصاص می‌یابد؛ موضوعی که البته در قالب حقوقی برگزاری «مزایده» توجیهش کرده‌اند. بر این اساس، شخصی که مزایده را برنده می‌شود باید «حقوق دولتی معادن» را پس از بهره‌برداری و استخراج پرداخت کند. با این حال این حقوق دولتی برای کارگرانی که رنج سرپا نگه داشتند معادن را به دوش می‌شکنند آب و نان نمی‌شود؛ آنهم در شرایطی که کارگران آنها ساکنان رنج‌کشیده‌ی روستاهای اطرف هستند. برای نمونه در «خراسان جنوبی» یکی از گسترده‌ترین و مرغوب‌ترین پهنه‌های معدنی سنگ آهن، سرب، روی و... قرار دارد اما به دلیل مشکلات اقتصادی نگهداری برخی از این معادن با ایجاد انحصار در بهره‌برداری از آنها برای مصارف تولید فولاد و رواج یافتن خام‌فروشی، ساکنان روستاهای اطراف این معادن یا بیکار هستند و یا به دامداری و کشت روی آورده‌اند؛ مشاغلی که این روزها به دلیل کمبود شدید آب و بیابان‌زایی ناشی از تغییرات اقلیمی، نابود شده‌اند.

برای نمونه در شهرستان بشرویه خراسان جنوبی، تا سال ۹۷ وجود ۱۲ معدن گزارش شده بود که به جزء ۷ معدن غیرفعال، ۵ معدن دارای مواد معدنی بنتونیت، سرب، روی و سولفات سدیم فعال گزارش شده بودند این درحالی‌ست که بر اساس گفته‌های سال ۹۷ «ادریس حسین‌زاده» عضو وقت شورای شهرستان بشرویه و نماینده سابق خراسان جنوبی در شورای عالی استان‌ها، ۷۵ درصد روستاییان خراسان جنوبی در فقر مطلق به سر می‌برند، تا جایی که «بیشتر آنها برای دریافت کمک کنار در خیریه‌ها یا کمیته امداد جمع می‌شوند.»

### امضای طلایی سهم کیست؟

واگذاری بهره‌بردار از معادن به عنوان انفال، در شرایطی نتوانسته کمک چندانی به راه‌اندازی اقتصاد روستاها و فعال شدن جمعیت مناطق محروم برساند که همان جمعیت اندک مشغول در معادن هم با پایین‌ترین سطح دستمزدها، بدن امنیت جانی و شغلی به کار می‌شوند. در این میان، از سوی عده‌ای عنوان شود که «اقتصاد معدن به عنوان حلقه‌ای از زنجیره‌ی معیوب اقتصاد ایران، گرفتار مشکلات ساختاری است و در این شرایط نمی‌توان اوضاع نیروی کار را سر و سامان داد»؛ اما پرواضح است که عده‌ای برای دست انداختن به معادن صف کشیده‌اند و ولع سیری ناپذیری هم دارند؛ از جمله هلدینگ‌های دولتی و خصوصی که حداقل یک شرکت معدنی در رگه‌های معدنی طلا، مس و سنگ آهن در مجموعه‌ی خود دارند؛ معادنی که بهره‌برداری از آنها به اعتبار امضاهای طلایی ممکن است.

**با این حال، این ثروت بادآورده، برای کارگرانی که جان خود را در ریزش معادن از دست می‌دهند یا دچار مشکلات شنوایی، اختلالات استخوان‌های مفصلی و عضلانی و اسکلتی-عضلانی، گرم‌زدگی شدید در معادن روباز، تماس با پرتوهای ناشی از مواد معدنی، انسداد ریوی مزمن، سوختگی شدید ناشی از انفجار، قطع دست به دلیل گیر افتادن میان چرخنده‌های نوار نقاله، خشکی چشم و نابینا شدن تدریجی، سرطان‌های پوست و خون، افسردگی، خفگی، سگته ناگهانی به دلیل تماس با صدها آلاینده و صدها بیماری و سانحه دیگر می‌شوند، حاصلی ندارد.**

این معادن طبیعت و منابع آب و غذای روستاهای محل زندگی کارگران را هم از بین برده‌اند؛ به نحوی که گاه فرزندان سکنه برخی روستاها با نقص‌های ژنتیکی و یا بیماری‌های دیگر به دنیا می‌آیند. اینکه حقوق دولتی معادنی که بهره‌برداری آنها به شرکت‌های بانفوذ و وابسته به جریان اقتصادی در حیات، که به اعتبار همین واگذاری‌ها، بر بازار محصولات معدنی مسلط شده‌اند و مدیران آنها ده‌ها میلیون تومان در ماه حقوق و پاداش دریافت می‌کنند، چه حاصلی دارد، جای پرسش دارد.

### کلید زدن واگذاری ۶ هزار معدن

حال در این شرایط، با فشار مجلس در بودجه سال ۱۴۰۰، دولت دوازدهم وارد ساز و کار آشنای واگذاری معادن شده است. بر این اساس، در همین دولت ۶ هزار محدوده و معدن غیرفعال کشور، از چند روز پیش «آزادسازی» شدند؛ به این معنی که معادن غیرفعال در عوض دریافت ضمانت‌نامه به بهره‌برداران جدید که توانایی فعال ساختن معادن را دارند، واگذار می‌شوند؛ البته بلافاصله پس از انتشار رسمی این خبر، سیر انتقادات روانه دولت شد. حجت الله فیروزی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در این مورد گفت: «در هفته‌های اخیر گزارشاتی منتشر شده است که نشان می‌دهد برخی افراد در پایان عمر دولت دوازدهم، به دنبال سوداگری هستند و امکان دارد این مزایده‌ها به اهداف اصلی خود نرسد و از دل این مزایده‌ها مفاسدی ایجاد شود.» البته مجلس به عنوان پیشنهاد دهنده آزادسازی معادن، مخالف اصل

واگذاری نیست. فیروزی در این مورد گفته است: «مجلس زیر بار واگذاری معادن بدون برگزاری مزایده و اهلیت سنجی متقاضیان نمی‌رود. از آنجا که معادن، اموال عمومی و انفال بوده و در اختیار دولت است، امکان واگذاری آن بدون برگزاری مزایده وجود ندارد. از سوی دیگر اگر بدون بررسی اهلیت، صلاحیت و توانایی افراد، معادن واگذار شوند، داستان بلاتکلیف بودن ۶ هزار معدن با وجود واگذار شدن آنها دوباره تکرار می‌شود.»

### انتقاد به واگذاری معادن در زمان بحران اقتصادی

با این حال وزارت صمت به انتقادات پاسخ داد و مقام‌های آن تاکید کردند که آزادسازی از طریق مزایده صورت گرفته است. در نهایت شدت واکنش‌ها به اندازه‌ای بود که در روز ۲۱ تیرماه اسداله کشاورز، معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت، دستور توقف در اعلام نتایج مزایده معادن را صادر کرد؛ آنهم به پیوست نامه معاون قضایی دادستان کل کشور. اصل واگذاری در شرایطی که انفال باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره‌برداری شوند و نه به نفع دایره‌ی بسته‌ای از منافع همراستا، کارگران را به یاد واگذاری‌های ویرانگر شرکت‌های دولتی از طریق مزایده انداخت؛ شرکت‌هایی مانند هپکو، کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، کاشی اصفهان، مجتمع گوشت اردبیل، مخابرات ایران، رشت الکترونیک، شرکت بازرگانی پتروشیمی، نساجی مازندران؛ بویژه اینکه پس از انتشار خبر اجرای مزایده، خبر توجیه‌پذیر نبودن آن در شرایط اقتصادی حاضر، هم منتشر شد. در این مورد، آرمان خالقی (قائم مقام دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت) با اشاره بازپسگیری معادنی که بهره‌برداری از آنها مجدد در فهرست مزایده دولت، قرار گرفت، گفت: «در بسیاری از موارد بدون توجه به علت توقف تولید معادن، آنها پس گرفته شدند در حالی که اوضاع با قیل تفاوتی نکرده و اگر دلیل توقف این معادن کمبود تجهیزات و صرفه اقتصادی باشد باز هم امکان ادامه فعالیت آن‌ها وجود نخواهد داشت». در همین حال صاحبان معادنی که عطای فعالیت تولیدی را به لقایش بخشیدند، از رفتارهایی مانند توقیف ضمانت‌نامه‌هایشان گلایه دارند.

**مجموع این رفتارها موجب شده که ناکارآمدی این واگذاری‌های بعضاً رانتهی به نورچشمی‌ها و افراد خاص، در ذوق بزند و حتی به انتقاد نمایندگان مجلس دامن بزند برای نمونه سخنگوی کمیسیون صنایع مجلس گفته که «مجلس مصمم است جلوی این واگذاری‌ها را بگیرد؛ چون به گوشمان رسیده که یک عده ذی‌نفع و دارای منافع در خود وزارت صمت، مرتکب چنین کاری شده‌اند تا از این طریق امتیازاتی به‌دست آورند.»**

با وجود این اظهارات، هیچ کس مخالف فعال‌سازی معادن غیرفعال و تعطیل که تعداد آنها به حدود ۶ هزار عدد می‌رسد نیست؛ اما باید پرسید که آزادسازی با کدام سرمایه‌های فعال و پشتیبانی اقتصادی موثر؟ آیا صرف

اینکه عده‌ای هستند که می‌توانند معادن پر هزینه را با استخدام چند نیروی کار که باید از بابت هر یک از آن‌ها، با مسائلی مانند دستمزد، بیمه، ایمنی و بهداشت شغلی، ثبات شغلی نیروی کار دست به گریبان باشند، فعال کنند، کافی است؟ همین حالا بیش از ۴ هزار معدن فعال در کشور وجود دارد که بسیاری از آنها ماه‌ها بیمه و دستمزد کارگران خود را نپرداخته‌اند و با تلبات معوقات مواجه هستند؛ به ویژه اینکه تعداد زیادی از این معادن در بخش زغال‌سنگ، طلا، سرب و روی، مس، سنگ آهن، آهک و شیل برای کاستن از هزینه‌های معدن‌داری با پیمانکار اداره می‌شوند؛ البته طلایه‌دار اداره این معادن شرکت‌های دولتی و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به نهادهای مالی خصوصی هستند.

**اساساً اجاره دادن رانتهی برای بهره‌برداری یا واگذاری مالکیت به نااهلان، مانند تیری، مستقیم به پهلوی کارگران می‌نشیند و برای آنها مصائب زیادی می‌آفریند. در ضمن با واگذاری امتیاز بهره‌برداری به نهادهای ثروتمند که در بهره‌مندی از امکانات عمومی هیچ رقابتی را بر نمی‌تابند، دست آنها برای تاثیرگذاری بر انتخاب نیروهای سیاسی هم سو باز می‌شود و صدها هزار میلیارد تومان رانت دست به دست می‌شود. در این میان کارگران با حادثه و سنگینی غم نان، تاوان این واگذاری‌های هیجانی، خزانه‌پرکن و بی‌متر و معیار را می‌دهند.**

**تنها کلمه معدن به دهانشان شیرین است**

کارگران استان لبریز از معدن کرمان، بیشتر از کارگران معدنچی سایر استان‌ها، تاوان واگذاری اداره معدن را داده‌اند. از میان آنها، تعداد زیادی نقص عضوی، بیمار دارای انسداد ریوی مزمن، خانواده‌های داغدار، اخراجی و دارای معوقات کارگری به جا مانده است؛ موضوعی که به یک «بحران اجتماعی» در شهرهای معدن‌خیز کرمان تبدیل شده است. روایت‌هایی این کارگران در انتقال تجربه‌های به جا مانده از این معضل دارند، شنیدنی است: «واگذاری معدن به افرادی که الفبای اداره معدن را نمی‌دانند و در عمرشان یک بار هم معدنی را از نزدیک ندیده‌اند و تنها کلمه معدن به دهانشان شیرین است، کارگرانی را که در این معدن قد خم کرده‌اند را پیر کرده است. اینها که تنها هنرشان خواندن کلمه معدن است، محیط کارگری استان را ملتهب کرده‌اند؛ به گونه‌ای که کارگران زیادی عطای کار برای اینها را به لقایش بخشیده‌اند اما آنهایی که رنج ماندن را متحمل شدند و این کارنابلدها را تحمل کرده‌اند، در ترس از دست دادن جان به سر می‌برند؛ انگار که کارگران اینها به دلیل رضایت دادن به کارگر باقی ماندن، گوشت‌های مستحق ذوب شدن میان لایه‌های سنگ و خاک محسوب می‌شوند.»

**این معدنچی قدیمی به روایت رنج‌های خود و همکارانش، اضافه می‌کند: «سال‌ها نشستن و دیدن کارگرانی که دچار حادثه شدند اما پیمانکاران بهره‌برداران، پس از معلولیت هیچ کاری به آنها ندادند، به شما این موقعیت را می‌دهد که رنج انسان‌ها را با چشم مسلط و بدون نیاز به تحلیل دیگران ببیند؛ البته**

آنها که می‌دانند و از «واگذاری» و «اهلیت» ویترونی برای چوب حراج زدن به ثروت محلی‌ها و سپردن آنها به نوکیسه‌های رانتی، می‌سازند، باید پاسخگوی کرده‌ی خود باشند. یادآوری کنم که اگر سرمایه‌گذاری از اهالی فن به کرمان بیاید از او پذیرایی می‌کنیم اما در این سال‌ها ثروت اندوزی جای راه‌اندازی معادن و توزیع متوازن درآمد را میان حاشیه و مرکز گرفته است؛ به نحوی که کرمان به پایتخت فقرای دارای ثروت‌های زیرزمینی تبدیل شده است؛ ثروتی که پس از استخراج بار کامیون‌های معدنی به جاده‌ها اعزام می‌شوند؛ آنگاه ما می‌مانیم و کرمان فقرزده و معدنی که صبح تا غروب میزبان تن‌های فرسوده‌ی کارگران هستند.»

### پایان مزایده و احتمال اعلام نتایج

این روایت نشان می‌دهد که سیاست واگذاری‌های پربحث ریشه در سال‌های گذشته دارد و واگذاری بهره‌برداری از ۶ هزار معدن صحبت جدیدی نیست؛ مقام‌های دولت هم اذعان دارند که در طول سه دهه گذشته این برنامه توسط وزارت صمت در استان‌های مختلف پیاده شده است اما برنامه‌ی این روزها از حیث گستردگی و واگذاری و حتی تغییر ضوابط ورود به مزایده، به کل متفاوت از گذشته است. با توجه به اینکه این مزایده در سکوت خبری، با شرکت ۳ هزار نفر در ۲۷ خرداد به پایان رسیده، این احتمال وجود دارد که اعلام نتایج واگذاری به دولت آینده موکول شود؛ مگر اینکه دولت سیزدهم به کل از واگذاری منصرف شود یا مزایده را از ابتدا و با همراهی مجلسی‌ها برگزار کند. گزارش: پیام عابدی

وظیفه قانونی و شرعی دستگاه‌های دولتی ایجاد تعادل‌های اقتصادی در کشور است  
شاخص‌های عدالت اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران (تعالیم 13 گانه)

گفتگو با دکتر حسین صمصامی

جناب آقای دکتر حسین صمصامی، متولد نجف اشرف در سال 1346 می‌باشد و دوره کودکی تا تحصیلات دیپلم را در قم گذراندند. ایشان در سال 1364 در مقطع لیسانس وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در همان دانشگاه ادامه داده و در رشته علوم اقتصادی موفق به اخذ مدرک دکتری شدند و همچنین از سال 1380 تاکنون عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه شهید بهشتی می‌باشند. وی همزمان با تدریس در دانشگاه‌ها و موسسات، مسئولیت‌های مختلفی از جمله دبیر کمیسیون اقتصادی هیأت دولت در سال 1384 تا سال 1387؛ سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال 1387؛ رئیس «مرکز پیشگیری از جرائم اقتصادی» معاونت بررسی امور اقتصادی قوه قضائیه؛ رئیس مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی و موارد دیگر، که به عهده داشتند، ایشان تاکنون موفق به ترجمه و تألیف چندین

جلد کتاب از جمله تألیف کتاب «اقتصاد پول و بانکداری»، کتاب «به سوی حذف ربا از نظام بانکی» و «تدوین دوره چهار جلدی» مآخذشناسی اقتصاد اسلامی و دهها مقاله علمی دیگر می‌باشند.

**مجله پاسخ: جناب آقای دکتر، از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما گذاشتید سپاس گذاریم. پرسش نخست ما این است که به نظر حضرتعالی عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد، خصوصاً اقتصاد سیاسی چیست و شاخص‌های آن کدام است؟**

♦ اجازه دهید به جای تعریف مفهومی و درگیر شدن در نظریه‌ها و تعاریف به سراغ شاخص‌ها و معیارهای عملیاتی و عینی برویم. در ارتباط با بحث عدالت به کارهایی که دولت در عرصه اقتصاد انجام می‌دهد و به وضعیت حال خودمان نگاه کنیم. ما یک تفسیری از وضعیت حال داریم که این تصویر آن چه که نشان می‌دهد تصویر کلی‌اش این است که مردم از وضعیت موجود راضی نیستند و مقام معظم رهبری هم از وضعیت موجود راضی نیستند و ایشان مکرراً مسئله اقتصاد را مطرح کرده‌اند، ما آن چنان که در بحث نظامی پیشرفت کردیم، وقتی که کشور خارجی ما را کوچکترین تهدیدی می‌کند، ما بلافاصله عکس‌العمل نشان می‌دهیم، متأسفانه در مسائل اقتصادی این اتفاق نیافتاده است. در رابطه با بحث اقتصاد، ما در سال گذشته، رشد اقتصادی‌مان، حدود منفی ۵٪ بود، تورم ۳۰٪ بود. شما می‌دانید که تورم، یکی از شاخصه‌هایی هست که فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌کند و موجب شکاف طبقاتی می‌شود؛ یعنی یکی از شاخصه‌های عدالت اجتماعی و از طرفی رشد منفی اقتصادی هم باعث بیشتر شدن شکاف طبقاتی می‌شود.

**مجله پاسخ: همان بحث رکود را می‌فرمایید؟**

♦ بله، سرمایه گذاری پارسال رقم رشدش منفی ۱۲٪ بود و مسئله دیگری که اتفاق افتاده است نقدینگی است. نقدینگی ۲۱٪ بود. الان بانک مرکزی اعلام کرده است که نقدینگی در آذر ماه سال جاری حدود ۲۸٪ است. یکی از متغیرهای مخرب در شرایط موجود که به شدت بر علیه عدالت هست، نقدینگی است.

**مجله پاسخ: در برخی از مقالات و مصاحبه‌های اقتصادی خواندم که در رشد نقدینگی در رتبه‌ای بعد از ونزوئلا قرار داریم؟**

♦ بله، کشورهای پیشرفته نقدینگی‌شان حدود ۴٪ الی ۵٪ است. رشد اقتصادی‌مان در شش ماهه اول امسال منفی ۱۰٪ و نقدینگی ۲۵٪ است؛ یعنی یک فاجعه برای قشر فقیر و فاجعه‌ای برای شکاف طبقاتی شدید است. شرایط حال شما نشان می‌دهد که نقدینگی به جای این که به سمت تولید و اشتغال برود که باعث رونق اقتصادی می‌شود، به سمت سفته بازی رفته است، که نتیجه آن بدتر شدن شاخصه‌ها است. چرا که طرف (گیرنده تسهیلات)، با گرداندن یک مقدار پول در بازار ارز و بازار مسکن می‌تواند در یک

مدت کوتاهی میلیاردها میلیارد ثروت به دست بیاورد. خانه‌ی متری ۵ میلیون تومان، ۲۵ میلیون می‌شود، سکه‌ی یک میلیونی، ۴ الی ۵ میلیون و ارز ۳ هزار تومانی تا ۱۶ هزار تومان هم رسیده بود. لذا کسی که ثروت دارد ارزش ثروتش بیشتر می‌شود. کسی هم که خانه ندارد (دسترسی و قدرتش برای خرید خانه کمتر و کمتر می‌شود) و به همان میزان شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر می‌شود. حالا این‌ها شواهدی است که الان در جامعه همه می‌بینند و با تمام وجودشان این را احساس می‌کنند و افرادی که این را نفهمند، کم هستند. الان از هر کسی که بپرسید همین موضوع را می‌گوید. بارها اتفاق افتاده است که افرادی به بنده زنگ زده‌اند، گفته‌اند که ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون پول داریم می‌خواهیم خانه بخیریم مثلاً خانه‌ی متری ۲ میلیونی حتی در حاشیه‌های شهر تهران، ۵ الی ۶ میلیون شده است! می‌گویید ما این پولمان را چه کار کنیم؟ و آن کسی که صاحب ۱۰ الی ۲۰ خانه است، ثروتش حدود ۳ برابر می‌شود. این نکته‌ای است که الان ما گرفتارش هستیم.

**مجله پاسخ: جناب آقای دکتر واقعاً چرا چنین اتفاقاتی در اقتصاد ما می‌افتد و علتش چیست و کلاً سیاست گذاری‌ها به چه نحوی است که چنین آثار منفی را بر به جا می‌گذارد؟**

♦ دلایل مختلفی وجود دارد. ببینید اگر به حسب اولویت این‌ها را نام ببرم، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اقتصادی امروز ایران، نظام بانکی است. ♦

**مجله پاسخ: سازوکار نظام بانکی چگونه باعث می‌شود چنین اتفاقی بیافتد؟**

♦ الان نقدینگی بیش از ۲۰۰۰ هزار هزار میلیارد تومان است. همان طور که عرض کردم، نقدینگی ۲۸٪ رشد می‌کند. مرکز آمار تورم را در آذر ماه امسال، ۴۰٪ و در آبان ۳۹٪ اعلام کرد. این هم جزء تورم‌هایی است که در دنیا بالاترین آمارها است.

**مجله پاسخ: اگر یک توضیح مختصری در مورد تفاوت بین نقدینگی و تورم بفرمایید که تفاوت این‌ها را بهتر بدانیم و در ادامه بحث، مباحث شما روشن‌تر شود؟**

♦ نقدینگی تعریف دارد. نقدینگی در واقع شامل سه قسمت است. یک قسمتش سکه‌های دست مردم است و یک جزئیات سپرده‌های دیداری و جزء دیگرش سپرده‌های مدت داری است که همگی نزد بانک‌ها است. این سه مورد که با هم جمع شوند، نقدینگی می‌شود. هر چقدر که این نقدینگی حجمش زیاد شود، اگر ما به ازای این افزایش، تولید وجود داشته باشد و سرمایه گذاری و اشتغال شود، تورم زانمی‌شود. تورم یعنی چه؟ افزایش مداوم سطح قیمت‌ها است. وقتی که نقدینگی زیاد شد و منجر به سرمایه گذاری و تولید نشود، این باعث افزایش قیمت می‌شود. چون که با همان پول، شما یک کالای مشخصی را که بخواهید بخرید هر



چقدر که پولتان زیادتر شود و قدرت خرید مردم بیشتر شود و اگر مقدار عرضه کالا ثابت باشد، آن کالا را باید با قیمت بالاتری بخرید.

**مجله پاسخ: تقاضا زیاد می‌شود و عرضه کم می‌شود؟**

◆ بله! چون عرضه کم شده یا عرضه نشده و تقاضا بالا رفته است، قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند.

**مجله پاسخ: چه عواملی باعث رشد نقدینگی می‌شود؟**

◆ بنده عرض کردم یکی از این عوامل سیستم بانکی است. الان عامل اصلی در خلق نقدینگی، سیستم بانکی است.

**مجله پاسخ: الان سیستم بانکی چگونه عمل می‌کند؟ ما مرتب می‌شنویم که تمام سازوکارهای بانکی ما بر اساس عقود اسلامی است و ما براساس طرح بانکداری بدون ربا حرکت می‌کنیم و همه این‌ها، مورد تأیید مراجع دینی و مورد تأیید رهبری است، چگونه می‌شود که این ادعاها هست ولی ما این عملکردها و این آثار را در حوزه نظام بانکداری مشاهده می‌کنیم؟**

◆ ببینید شما بحث رهبری را مطرح کردید. این‌ها را با همدیگر خلط نکنیم. آنچه که مورد تأیید رهبری است، قانون عملیات بانکی است، نه اجرا. این‌ها، دو تا موضوع جدا از همدیگر است، آن چه که مورد تأیید مراجع دینی است، قانون عملیات بانکی است، نه آنچه که در عمل اجرا می‌شود.

**مجله پاسخ: یعنی این قانون را شما از لحاظ انطباقش با معیارهای دینی و عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد تأیید می‌کنید؟**

◆ آن چه در شورای نگهبان تأیید شده است، قوانین پولی و بانکی سال ۶۳ توسط شورای نگهبان است و این تطابقش با اسلام، اثبات شده است. الان اگر ما در مورد بانکداری بدون ربا صحبت می‌کنیم بحث قانون نیست، بحث اجرای قانون است. نقدی که مقام معظم رهبری به این موضوع داشتند در مورد ارتباط به قانون نیست، بلکه در ارتباط با اجرای قانون است.

**مجله پاسخ: الان این فرایند به چه شکل اتفاق می‌افتد؟ فرایندی بانکداری که به خلق پول و افزایش نقدینگی و بالاتر رفتن شکاف طبقاتی منجر می‌شود؟**

◆ اگر چنانچه قانون بانکداری بدون ربا می‌توانست در سیستم بانکی موجود به درستی اجرا شود، این شکاف طبقاتی که الان ناشی از سیستم بانکی است و این خلق نقدینگی که با رشد تولید در واقع تناسبی ندارد، اتفاق نمی‌افتاد. اما نکته این جا است که قانون بانکداری بدون ربا را در چارچوب نظام بانکی ربوی که در قبل از انقلاب به ارث بردیم، این بانک‌ها نتوانستند اجراش کنند. حالا دلایلی خاص است و ما در

کتاب «به سوی حذف ربا از نظام بانکی» کامل تبیین کردیم، چرا این طور نشده است. حالا می‌فرمایید که اگر می‌شد چه می‌شد؟ اگر می‌شد مردم پولشان را به صورت سپرده نزد سیستم بانکی می‌گذاشتند، البته غیر از قرض الحسنه که قرض است، بانک‌ها این وجوه را تحت عنوان وکالت در عقود اسلامی می‌بردند مثل مشارکت مدنی که مشارکت مدنی بخش واقعی اقتصاد است، یعنی سرمایه‌گذاری در امر تولید و فروش اقساطی یعنی خرید اموال برای مردم، خرید کالا برای مردم، جعاله، مضاربه، این‌ها در واقع عقود اسلامی هستند که ما به ازایش بخش واقعی کالا است. یعنی شما وقتی که خرج می‌کنید در بخش واقعی خرج می‌کنید. لذا چنانچه بانک‌ها در قالب عقود اسلامی عمل می‌کردند این توازن بین نقدینگی و رشد تولید ایجاد می‌شد لذا رشد 21% نقدینگی و رشد اقتصادی منفی 5% اصلاً امکان‌پذیر نبود. یعنی در واقع رشد تولید ما و رشد نقدینگی مثل دو بال یک پرنده با همدیگر حرکت می‌کنند. اگر قانون به درستی اجرا می‌شد! منتهی بانک نتوانست این قانون را به درستی اجرا کند، حال چه اتفاقی افتاد؟ این ارتباط بین بخش واقعی و تولید از عملکرد بانکی که منجر به خلق نقدینگی می‌شود جدا می‌شود. لذا بانک‌ها شروع به دادن تسهیلات می‌کنند، تسهیلات تبدیل به سپرده، دوباره تسهیلات و سپرده و این به معنی خلق پول است و از آن طرف چون این تسهیلاتی که داده می‌شود به تولید و به سرمایه‌گذاری منجر نمی‌شود لذا این عملکرد بانکی نقدینگی را بالا می‌برد اما سرمایه‌گذاری را افزایش نمی‌دهد. سال گذشته بانک مرکزی اعلام کرد نظام بانکی 770 هزار میلیارد تومان تسهیلات داده است، این 770 هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی که داده باید به تولید منجر می‌شد پس چرا رشد اقتصادی ما منفی 5% است؟ چرا سرمایه‌گذاری منجر به 12% منفی شده است به خاطر این که این هماهنگی در نظام بانکی با بخش واقعی اقتصاد وجود ندارد. نظام بانکی وام می‌دهد اما وارد تولید نمی‌شود در سفته بازی بکار می‌رود، شخص، پول را می‌گیرد و بخش قابل توجهی‌اش را ارز و سکه می‌خرد. وقتی که ارز و سکه می‌خرد به جای اینکه تولید کند، دلالی و سفته بازی می‌کند، لذا این‌ها تورم را دامن می‌زنند.

**مجله پاسخ: خود نظام بانکی نمی‌تواند بر این مسئله که این پول کجا خرج می‌شود، نظارت کند و این پول مگر نباید به تدریج در اختیار کسی که تسهیلات می‌گیرد قرار داده شود و هر قسمت از پول پرداختی، بر اساس یک بخشی از تولیدی که اتفاق می‌افتد، داده شود؟**

♦ ظاهر قصه همین است که شما می‌گویید. اما در واقعیت این اتفاق نیافتاده است چون اگر اتفاق می‌افتاد این واقعیات پیش نمی‌آمد، 770 هزار میلیارد تومان وام سیستم نظام بانکی، بیش از 50% آن را سرمایه در گردش بنگاه‌ها دادند، به بنگاه‌ها دادند تا کارهای تولیدی شان راه بیاندازند پس این سوال وجود دارد که اگر این گونه بود چرا رشد اقتصادی ما منفی 5% است؟ از سال 96 که نرخ ارز افزایش پیدا کرد، سال 97 این افزایش شدت پیدا کرد و الان هم تورم در حال رشد است. یکی از عوامل اصلی‌اش، بحث نقدینگی است. یکی دیگر از عوامل، عدم سیاست‌گذاری ارزی صحیح بانک مرکزی است. یعنی بانک مرکزی

سیاست گذاری صحیحی در این مسئله نداشته است. عدم هدایت نقدینگی به سمت تولید است. نتیجه این اتفاقات چه می‌شود؟ نتیجه این اتفاقات این می‌شود که شاخص عدالت شما (توزیع عادلانه ثروت) و توزیع درآمد شما هر روز وضعی‌تیش بدتر می‌شود و فقرا فقیرتر و ثروت‌مندان ثروتمندتر می‌شوند. براساس محاسبه خط فقری که انجام دادیم، در خرداد پارسال برای خوراک حدود ۲۰۰ هزار تومان است. یعنی چه؟ یعنی يك فرد برای نیاز حداقل کالری بدنش در يك ماه باید ۲۰۰ هزار تومان هزینه می‌کرد. فقط خوراک آن! الان بیش از ۴۳۰ یا ۴۴۰ هزار تومان شده است یعنی يك فرد اگر بخواهد نیازهای خوارکی خود را تأمین کند باید ۴۳۰ یا ۴۴۰ هزار تومان هزینه کند. این نشان می‌دهد که هزینه‌های خوراک و موارد دیگر و از طرف دیگر قیمت دارایی‌ها و املاک به شدت افزایش پیدا کرده است. بنابراین چه کسی متضرر می‌شود؟ آن کسی که حقوقش ثابت است و چه کسی منتفع می‌شود؟ آن کسی که دارای ثروت و اموال هست! این عدالتی که شما می‌گویید این عدالت چیست و ما به کجا داریم می‌رویم. نکته قابل توجه دیگر این است که این ۷۷۰ هزار میلیارد تومانی که بانک‌ها وام دادند، بانک مرکزی اعلام کرده است که در ده ماهه امسال بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان وام داده‌اند. پیش بینی می‌شود تا پایان امسال که این مقدار به ۹۰۰ هزار میلیارد تومان و حدود ۱۶٪ رشد کند. ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی که بانک‌ها وام می‌دهند کجا رفته است؟ باعث رشد اقتصادی شده است؟ سرمایه گذاری افزایش پیدا کرده است؟ تورم را کم کرده است؟ تولید را افزایش داده است؟ چه اتفاقی افتاده است؟ وقتی نگاه می‌کنید، نه! اتفاقی نیافتاده و بیشتر در جهت قشر غنی اتفاق مثبت می‌افتد و در این کنار يك اتفاق دیگر نیز می‌افتد که بیش از ۵۷٪ تسهیلات، معوقات است. معوقات یعنی چه؟ یعنی این پول را دادند به افراد و افراد نتوانستند به بانک‌ها برگردانند. سیستم بانکی این را می‌آید استمهال می‌کند. مثلاً فرض کنید ۲۰ میلیارد تومان دریافت کردید و رفتید خانه‌ای خریدید این خانه با پول بانک و با افزایش تورم، ۴۰ میلیارد تومان شد. حالا ۴۰ میلیارد را نمی‌خواهید بفروشید یا نمی‌توانید بفروشید که این معوق می‌شود. بانک هم این پولتان را استمهال می‌کند، يك درصد سود روی آن می‌کشد و همان پولتان را پیش خودتان می‌گذارد، دوباره به يك تورم دیگر می‌خورد و دوباره قیمت ۴۰ میلیاردی ارزش ساختمان، ۶۰ میلیارد تومان می‌شود. این وام گیرنده‌ها کلان می‌بینند که چه چیز خوبی است من هرچه پول به بانک ندهم این تورم باعث می‌شود که این دارایی که با پول بانک خریدم چندین برابر افزایش پیدا کند، بهتر است که من این پول بانک را ندهم که ارزشش بالا و بالاتر برود. اصلاً دیگر رغبتی پیدا نمی‌کنند که پول بانک را بدهند پس او با پولش ثروتمندتر می‌شود و آن کسی که حقوق ثابتی می‌گیرد (مثلاً برای سال آینده می‌خواهند ۱۵٪ حقوق‌ها را اضافه کنند) الان تورم ۴۰٪ داریم، ۱۵٪ به حقوق‌ها اضافه می‌شود! خب این می‌خواهد چه بگوید. این می‌خواهد بگوید که اوضاع عدالت و فقر از سال دیگر بدتر می‌شود. این بحث سیستم بانکی که به صورت خیلی خلاصه برای شما توضیح دادم.

شاخص دیگری که در موضوع عدالت تأثیرگذار است، بودجه است. بودجه یکی دیگر از ابزارهای دولت و سیاست گذاری دولت است. بنده می‌خواهم خدمت شما عرض کنم که ساختار بودجه هم متأسفانه به

گونه‌ای است که در جهت عدالت اجتماعی حرکت نمی‌کند. عملکرد بودجه در جهت عدالت اجتماعی نیست. این سیستم در واقع دو بخش دارد. یک بخش درآمد و یک بخش هزینه است. در بخش درآمد، عمده درآمدها تا سال‌های اخیر درآمد نفت بود و بعدش هم درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها است. این درآمدهای نفتی در بانک مرکزی تبدیل به ریال می‌شود و ریالش را به دولت می‌دهند تا صرف امور کشور کنند. از طرف دیگر با توجه به این که درآمدهای عمومی دولت، کمتر برای عمرانی صرف می‌شود، این درآمدها صرف دستمزد و حقوق می‌شود. بنابراین ما نفت را می‌فروشیم و دلارش را تبدیل به ریال می‌کنیم. اگر بانک مرکزی خودش دلارها را بخرد، اولاً باعث ایجاد نقدینگی دوباره می‌شود و این نقدینگی باعث ایجاد تورم می‌شود یعنی خود بودجه تورم را می‌شود و اگر بانک مرکزی بتواند در بازار ارزی این را بفروشد اثر نقدینگی ایجاد نمی‌کند و بانک مرکزی برای این که دلار را در نرخ بالا حفظ کند معمولاً چنین کاری نمی‌کند؛ یعنی نمی‌آید هر چه دلار دارد را در بازار عرضه کند تا قیمت پایین بیاید. یکی از بخش‌هایی که منجر به تورم می‌شود و باعث ناعادلانه‌تر شدن درآمدها در اقتصاد و ثروت می‌شود، وضع درآمدهای نفتی است.

### مجله پاسخ: آیا ممکن است چاپ اسکناس بدون پشتوانه توسط بانک مرکزی صورت بگیرد؟

♦ چاپ اسکناس به این صورتی که می‌گویید نه، ولی خلق پول (خلق اعتبار) چیزی که مصطلح بین مردم است و همان است که شما می‌گویید. این یک قضیه است، اما قضیه بعدی (شاخص بعدی) مالیات است. در بحث مالیات، شما وقتی نگاه کنید، می‌بینید مالیات یک ابزار بسیار قدرتمندی است برای این که دولت بتواند توزیع درآمد را متعادل کند. اما متأسفانه دولت یک نقص اساسی در بخش مالیات دارد. آن نقص اساسی اش چیست؟ نقص اساسی اش پایگاه‌های اطلاعاتی است؛ یعنی ما نمی‌توانیم پایه‌های مالیاتی را به صورت گسترده‌ای احصا کنیم. مالیات را از چه کسی می‌گیرد، ابتدا از حقوق کارمندان ۱۰٪ الی ۲۰٪ به عنوان مالیات کم می‌کند. اما آن کسی که خانه خرید، ارز خرید، سکه خرید، ۲۰ میلیارد سود کرد، آن‌ها دیگر چه کار باید بکنند؟ می‌گوید: ما آمار آنها را نداریم. آن آقای را که قاچاق کرد و پولشویی می‌کند. می‌گوید که اطلاعات او را که بالاخره من (دولت) ندارم. خوب می‌گوید یک پایگاه اطلاعاتی درست کنید و این‌ها را رصد کنید. می‌گوید: نه! آقا ما به حساب‌های مردم سرکشی نمی‌کنیم! ماده 164 مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم سال 94 را آقای رئیس‌جمهور امضا کرد، هنوز که هنوز است کامل اجرا نمی‌شود. این باعث می‌شود که صاحبان درآمدهای کلان فرار مالیاتی داشته باشند و صاحبان درآمدهای اندک در تور مالیات گرفتار شوند. بنابراین این عدالت نیست! اصلاً دولت با درآمدهای نفتی، نقدینگی را از طریق بانک مرکزی به جامعه تزریق می‌کند و در نهایت این نقدینگی تبدیل به تورم می‌شود و چوبش را چه کسی می‌خورد؟ من فقیر! از آن طرف مالیات را درست نمی‌گیرد اما از من فقیر می‌گیرد ولی از آن کسی که فرار مالیاتی دارد نمی‌گیرد چوبش را چه کسی می‌خورد؟ من فقیر! حالا در بودجه سال جاری قرار شد که یک و نیم میلیون

بشکه در سال بفروشیم؛ و بیش از 40 هزار میلیارد هم برای اوراق گذاشتیم؛ یعنی دولت اوراق منتشر کند؛ یعنی امسال قرار بود يك و نیم میلیون بشکه نفت در روز بفروشیم، اما نتوانستیم بفروشیم. حالا که نتوانستیم بفروشیم چگونه این پول را تأمین کنیم؟ از طریق فروش اوراق؛ که در نهایت می‌تواند منجر به افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی شود؛ یعنی به گونه‌ای، دولت از بانک مرکزی قرض می‌کند و این باعث افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. این دولت دوباره از چه کسی می‌گیرد؟ از فقرا! بعد دوباره دولت آمد يك اصلاحیه بودجه به جلسه سران سه قوه داد، مصوب کرد که حدود 40 هزار میلیارد دیگر اوراق قرضه منتشر کند. از آن طرف 40 هزار میلیارد تومان در بودجه 98 بود. بنابراین حدود 80 هزار میلیارد تومان ما باید امسال اوراق قرضه منتشر بکنیم.

### مجله پاسخ: این اوراق دقیقاً کارش چه چیزی است؟

♦ دولت کسری بودجه پیدا می‌کند و اوراق منتشر می‌کند، پیمانکارش طلب دارد به پیمانکارش اوراق می‌دهد. به جای اینکه پول بدهد، ورق می‌دهد و بخشی از این اوراق قرضه، اسناد خزانه دولت می‌شود.

### مجله پاسخ: با این اوراق چه کاری انجام می‌دهند؟

♦ اوراق را در بورس می‌برند و با 20% یا 30% تنزیل بفروشد و پول‌اش را می‌گیرد.

### مجله پاسخ: نهایتاً کسی که این اوراق را از پیمانکار می‌خرد با این اوراق چه کار می‌کند؟

♦ این اوراق را نگه می‌دارد تا موقعی که سررسیدش بشود، پول‌اش را از دولت می‌گیرد. منتهی چون 20% یا 30% زیر قیمت خریده است به همان اندازه سود می‌کند.

### مجله پاسخ: این سندی است که دولت بابت قرضی که به پیمانکار دارد، می‌دهد و افراد دیگر از پیمانکار می‌خرند و سپس پولش را از دولت می‌گیرند؛ یعنی سند برای پولی که دولت الان ندارد؟

♦ بله، همین طور است. دولت سال‌های قبل این کار را کرده بود. سال گذشته 30 یا 40 هزار میلیارد تومان بود. در سال‌های اخیر این اوراق را منتشر کرده است. وقتی که سررسید این اوراق می‌شود، دولت برای پرداخت، يك بخشی را در بودجه قرار می‌دهد، البته بودجه دولت، کل سررسید را تأمین نمی‌کند. این جا چه اتفاقی می‌افتد؟ این جا بانک مرکزی تحت عنوان عملیات بازار باز، این اوراق را می‌خرد، وقتی اوراق را می‌خرد؛ یعنی دوباره حجم پول را افزایش می‌دهد. وقتی پول حجمش افزایش پیدا کند، نقدینگی افزایش پیدا می‌کند و تورم زیاد می‌شود. دوباره از جیب بنده و شما می‌رود!

### مجله پاسخ: با این حساب همه عوامل دست به دست هم می‌دهند تا جیب فقرا خالی‌تر و جیب اغنیا پُرتر شود!

◆بله همینطور است. شما از طریق بودجه بروید به اینجا می‌رسید. از مسیر سیستم بانکی بروید به اینجا می‌رسید. الان کانال‌های اصلی که در اقتصاد ما هست، یکی سیستم بانکی و دیگری بودجه است و اینها در واقع عملکردشان به چه سمتی بوده است؟ عملکردش به يك سمت می‌رود. حال بعد از انقلاب چه اتفاقی افتاده است؟ الان نظام بانکی بر ضد عدالت اجتماعی و اقتصادی است، نظام بودجه ما بر ضد عدالت اقتصادی است و تا مادامی که اینها اینطوری عمل می‌کنند فقرا فقیرتر و اغنیا غنی‌تر می‌شوند و این ما را به يك جای خطرناکی می‌برد.

**مجله پاسخ: الان در سطوح کلان مدیریت، به این مسئله چطور نگاه می‌کنند چون این مسئله اگر ادامه پیدا کند ما در ماه‌ها و سال‌های آینده با فتنه‌های به مراتب شدیدتر و تخریب کننده‌تر از آبان 98 مواجه خواهیم شد! به اصطلاح ما هر دوره‌ای يك بخش عمده‌ای از فقرا و کسانی که نارضایتی دارند اضافه می‌شوند و آنها برای مطالبات‌شان به کف خیابان‌ها می‌آیند و همه چیز را از بین می‌برند.**

◆این که دولتی‌ها نمی‌دانند، این طور نیست، بلکه می‌دانند اما دچار روزمرگی شده‌اند. الان یکی از معضلات دولت پرداخت هزینه‌های جاری خودش است. سر بُرج باید حقوق کارکنان و معلمان را بدهند. وقتی نفت فروش نمی‌رود، کسری منابع دارید، مجبورید که يك کاری بکنید چون برنامه‌ریزی ندارید چون اقتصادتان در مسیر غلط افتاده است. مثل مریضی که پای او سیاه می‌شود و هرچه جلوتر می‌آید، برای این که جلویش را بگیرند باید پا را ببرند، دوباره پا دیگری سیاه می‌شود مجبور می‌شوند دوباره آن را ببرند. برای اینکه این صدمه شدیدتری به کل بدن نزند، مجبور هستید يك قسمتی از خودش را ببرد. الان شما این آثار منفی را می‌بینید، خوب شما می‌گویید: این کار را نکنید. اما آنها می‌گویند اگر این کار را نکنیم حقوق کارکنان و معلمان را نمی‌توانیم بدهیم حقوق‌شان عقب می‌افتد و بعد توی خیابان می‌ریزند، حالا اگر حقوق شما را بدهند ولی تورم ایجاد کنند که قدرت خرید شما کمتر شود تحمل می‌کنید. دولت می‌گوید من مجبورم این کارها را انجام بدهم. البته این راه و چاره دارد.

**مجله پاسخ: البته این باعث می‌شود که بیماری عمیق‌تر و شدیدتر شود و مسکنی به او زده می‌شود تا دردش کمتر احساس شود.**

◆بله متأسفانه. دولت همین 80 هزار اوراقی که می‌خواهد منتشر کند یعنی چی؟ یعنی دولت دارد به نحوی بدهی‌اش و مشکلات‌اش را به تعویق می‌اندازد، نفت را کمتر کرده اما اوراق را بیشتر کرده است. هرچند آثارش به لحاظ تحلیل‌های اقتصادی متفاوت است اما آنچه الان در اقتصاد ما ظاهر می‌شود، همان افزایش نقدینگی است. الان دولت به لحاظ مالی از طریق افزایش نقدینگی دارد، تأمین مالی می‌کند و این افزایش نقدینگی درست است که باعث تأمین حقوق یکسری افراد می‌شود، هم به افراد فقیر و هم به افراد غنی پرداخت می‌شود. منتهی آن شکافی که این تورم در توزیع درآمد و ثروت ایجاد می‌کند، هر روز بیشتر

می‌شود. بنابراین شما نگاه می‌کنید خانواده‌های که فقیرند به شدت فقیر و فقیرتر و خانواده‌های که به شدت غنی و غنی‌تر می‌شوند. در واقع این سیستم اقتصادی، شما را به نا کجا آباد می‌برد و سرمنشأش سیستم بانکی و بودجه دولتی است.

**مجله پاسخ:** این مسئله می‌تواند امنیت کشور را در حد بسیار خطرناکی دچار مشکل کند. این مسئله فقط مربوط به دولت نیست که بگوییم دولت، اینجا اشتباهاتی می‌کند و ما اینجا دولت را نقد می‌کنیم و این می‌تواند کلیت نظام را دچار مخاطره جدی کند. آیا الان در سطوح کلان مدیریت کشور نسبت به این مسئله حساسیتی وجود دارد؟ و کاری انجام می‌شود یا نه؟ یا در سطوح کلان مدیریت هم دچار روزمرگی شده‌ایم؟

♦ متأسفانه در سطوح کلان، که مجلس و دولت باشند، در واقع دچار روزمرگی شده‌ایم. البته در مجمع تشخیص مصلحت، بعضی از بخش‌ها مثل دفتر آیت‌الله لاریجانی، که تیم خیلی خوبی هم آنجا هست و کارهای خیلی خوبی انجام می‌شود، ولی بهر حال آنها تا يك حدی می‌توانند مباحث را مطرح کنند و کاری را جلو ببرند وگرنه خیلی مؤثر نیستند. دولت هم می‌گوید من به غیر از این دیگر چاره‌ای ندارم.

**مجله پاسخ:** الان سازوکاری در کشور وجود ندارد که جلوی این روند را بگیرد؟

♦ بله حتماً وجود دارد. اول کاری که باید انجام دهند این است که ماده 164 مکرر اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم اجرا شود و پایه‌های قانون مالیاتی دقیقاً شناسایی شود و دولت بجای اینکه از طریق انتشار اوراق تأمین مالی کند، از طریق پایه‌های مالیاتی جدیدی که فرار مالیاتی دارند، همان افرادی که خرید و فروش‌های کلانی انجام می‌دهند و کسانی که ثروت هنگفتی بدست آوردند و فرار مالیاتی دارند، دولت می‌تواند هزینه‌هایش را از آنها تأمین کند. هم به عدالت اقتصادی نزدیک‌تر است و همین اینکه آثار منفی‌اش روی جامعه کمتر است. این راهی است که وجود دارد. تنها راه دولت برای رفع مشکل اقتصادی برای هدایت نقدینگی و حرکت به سمت عدالت اقتصادی و کسری بودجه، فقط مالیات است و اجرا شدن مالیات هم امکان پذیر نیست مگر ماده 164 مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم اجرا شود و اجرایی شدن آن هم اگر هم‌ت ملی باشد، 3 یا 4 ماه بیشتر زمان نمی‌برد. البته این هم راهکار اجرایی و عملیاتی دارد.

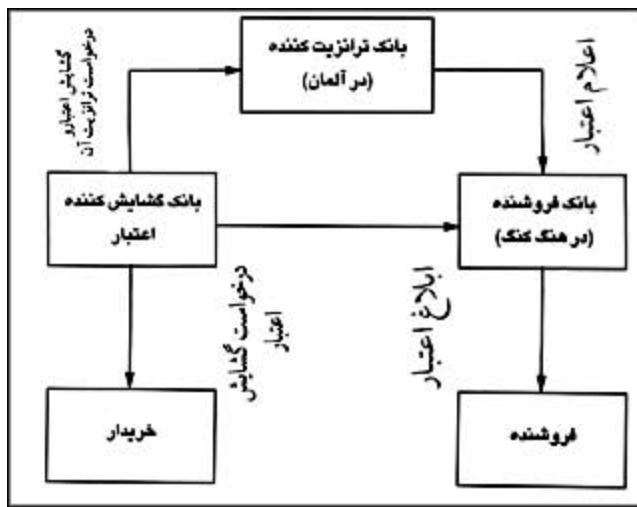
**مجله پاسخ:** این راهکار الان هست و خیلی هم منطقی است اما علت اینکه این راهکار الان اجرا نمی‌شود و در این میان چه موانعی وجود دارد چیست؟

( ♦ **تعارض - منافع!** چون منافع اجازه نمی‌دهند که سیستم مالیاتی‌تان را قوی کنید، این منافع به شما اجازه نمی‌دهد که از ثروت‌های کلان مالیات بگیرید، منافع اجازه نمی‌دهد که ماده 164 مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم را اجرا کنید، این‌ها همه‌اش منافع است. وقتی بنده در سال 87 در وزارت اقتصاد بودم

با چشم خود دیدم چه اتفاقی افتاد است. این مجموعه موارد بود که ما خدمت شما تقدیم کردیم ان شاء الله که مورد استفاد قرار گیرد. مجله پاسخ: از اینکه وقت خود را به مجله ما اختصاص دادید سپاسگزاریم.

مدیران دولتی باید اسناد اعتباری داخلی آشنا باشند

رابطه متقارن تجارت خارجی کشور باید بر اساس مزیت نسبی باشد



رابطه متقارن تجارت خارجی کشور بیاد بر اساس مزیت نسبی باشد

### مزیت نسبی

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

اصل برتری نسبی می‌گوید کل تولید گروهی از افراد، یک اقتصاد، یا گروهی از ملت‌ها زمانی بیشینه‌است که تولید هر کالا توسط فرد یا بنگاهی انجام شود که کمترین هزینه فرصت را دارد. اگرچه آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود از برتری نسبی یاد کرده‌است ولی در آغاز سده نوزدهم دیوید ریکاردو اقتصاددان بزرگ انگلیسی این اصل را گسترش داده.

### پیش درآمد



با اندکی تأمل در زندگی خود متوجه می‌شوید که هر روز برای فراهم کردن کالاها و خدماتی که از آنها لذت می‌برید به تعداد زیادی از افراد وابسته هستید که اکثر آنها را نمی‌شناسید. چنین وابستگی متقابلی از آنجا امکان‌پذیر است که افراد با یکدیگر مبادله می‌کنند. افرادی که تلاش می‌کنند تا برای شما کالا و خدمات تهیه کنند، نه از روی بخشش و دلسوزی چنین کاری انجام می‌دهند و نه دولت آنها را مجبور کرده‌است که چنین کاری انجام دهند. بلکه آنها برای شما و مصرف‌کنندگان دیگر کالا و خدمات فراهم می‌کنند تا چیزی در مقابل آن دریافت کنند. امروزه در اکثر کشورهای دنیا، بسیاری از کالاها و خدمات مصرفی از خارج وارد می‌شوند، و بسیاری از کالاها و خدماتی که در داخل تولید می‌شوند به خارج صادر می‌شوند. مزیت نسبی وابستگی متقابل بین افراد، ملت‌ها و... را توضیح می‌دهند. همانگونه که خواهیم دید، منافع حاصل از مبادله، خواه کوتاه کردن موی سر در پیرایشگاه محلتان باشد و خواه خریدن پیراهنی باشد که در آن سر دنیا تولید شده باشد، بسیار به هم شبیه‌است.

### حکایتی در اقتصاد مدرن

برای این که متوجه شویم چرا مردم خود را برای تأمین کالا و خدمات مورد نیاز، وابسته به دیگران قرار می‌دهند و چگونه این تصمیم باعث بهبود زندگی آنها می‌شود، بیایید به یک اقتصاد ساده نگاه کنیم. تصور کنید که تنها دو کالا در دنیا وجود دارد، گوشت و سیب زمینی، و نیز تنها دو نفر در دنیا زندگی می‌کنند، یک کشاورز و یک دامدار، که هر دو دوست دارند از هر دو کالا مصرف کنند. سود حاصل از مبادله در حالتی که دامدار تنها گوشت و کشاورز تنها سیب زمینی بتوانند تولید کنند بسیار واضح است. حالت اول این است که کشاورز و دامدار تصمیم بگیرند که کاری باهم نداشته باشند و مبادله‌ای انجام ندهند. دامدار پس از چندین ماه خوردن گوشت آبیض شده، بخارپز شده، سرخ شده، کباب شده و... ممکن است به این نتیجه برسد که تنها بسنده کردن به تولید خود کافی نیست. کشاورز نیز که در این مدت مشغول خوردن سیب زمینی پوره، سرخ شده، کباب شده، آبیض شده و... بوده‌است نیز احتمالاً موافق است. واضح است که مبادله به آنها امکان می‌دهد که از تنوع بیشتر، لذت ببرند: در این حالت هر دو می‌توانند همبرگر و سیب زمینی سرخ شده داشته باشند!

حال چنانچه دامدار و کشاورز هر دو بتوانند از کالای دیگر، به شرط هزینه بسیار زیاد، نیز تولید کنند باز هم منافع مبادله شبیه حالت قبل خواهد بود. به عنوان مثال فرض کنید که کشاورز، می‌تواند دام هم پرورش دهد و گوشت تولید کند، اما خیلی در این کار ماهر نیست. به‌طور مشابه فرض کنید که دامدار می‌تواند سیب‌زمینی بکارد ولی زمینی که او در اختیار دارد خیلی برای این کار مناسب نیست. در این حالت واضح است که دامدار و کشاورز با استفاده از تخصص گرایی در کاری که بهتر می‌توانند انجام دهند و مبادله، می‌توانند بر منافع خود بیفزایند. اما موردی که منافع مبادله در آن خیلی واضح نیست، حالتی است که یک نفر در تولید هر دو کالا ماهرتر باشد. به عنوان مثال فرض کنید که دامدار هم در پرورش دام و هم در

کاشت سیب‌زمینی از کشاورز ماهرتر است. پرسش این است که آیا کشاورز و دامدار باید با هم مبادله داشته باشند یا به تولید خود بسنده کنند؟ برای این که به این پرسش پاسخ دهیم، باید دقیق‌تر به عواملی که این تصمیم را تحت تأثیر قرار می‌دهند نگاه کنیم.

### محدوده امکان‌پذیر تولید

فرض کنید که دامدار و کشاورز هر کدام ۴۰ ساعت در هفته کار می‌کنند و این مدت را به پرورش دام، کاشت سیب‌زمینی یا ترکیبی از این دو اختصاص می‌دهند. کشاورز می‌تواند یک کیلوگرم سیب زمینی را در ۱۰ ساعت، و یک کیلوگرم گوشت را در ۲۰ ساعت تولید کند. دامدار، که در هر دو کار ماهرتر است، یک کیلوگرم سیب زمینی را در ۸ ساعت و یک کیلوگرم گوشت را در ۱ ساعت تولید می‌کند. اگر کشاورز تمام ۴۰ ساعت وقت خود را صرف کاشتن سیب‌زمینی کند، ۴ کیلوگرم سیب زمینی به دست می‌آورد و گوشت نمی‌تواند تولید کند. برعکس، اگر تمام وقت خود را صرف تولید گوشت کند، ۲ کیلوگرم گوشت به دست می‌آورد. اگر زمان خود را به‌طور مساوی بین دو کار تقسیم کند، ۲ کیلوگرم سیب زمینی و ۱ کیلوگرم گوشت به دست خواهد آورد. مرز امکان‌های تولید ترکیباتی از برون‌داد [۱] را مشخص می‌کند که اقتصاد می‌تواند با استفاده از تمام نهاده‌های خود تولید کند، و به این اصل اشاره می‌کند که افراد در تصمیمات خود با بده بستان [۲] روبه‌رو هستند. به عبارت دیگر کشاورز می‌تواند سیب زمینی بیشتری تولید کند اما تنها به قیمت تولید کمتر از گوشت! البته در اینجا فرض کرده‌ایم که او می‌تواند زمان خود را با یک نرخ ثابت بین دو کالا جایگزین کند. بدین معنی که اگر یک ساعت کمتر گوشت تولید کند (یا از ۰,۰۵ کیلوگرم گوشت صرف نظر کند) و این یک ساعت را سیب زمینی تولید کند، دقیقاً برابر با بهره‌وری خود در یک ساعت (۰,۱ کیلوگرم) سیب زمینی به دست می‌آورد.

اگر دامدار تمام ۴۰ ساعت زمان خود را صرف تولید سیب زمینی کند، ۵ کیلوگرم سیب زمینی به دست می‌آورد و تولیدی از گوشت نخواهد داشت. اگر او تمام وقت خود را به تولید گوشت اختصاص دهد، ۴۰ کیلوگرم گوشت تولید خواهد کرد و اگر وقت خود را به‌طور مساوی بین دو کار تقسیم کند، ۲۰ کیلوگرم گوشت و ۲,۵ کیلوگرم سیب زمینی به دست می‌آورد. اگر کشاورز و دامدار تصمیم بگیرند تنها به تولید خود تکیه کنند و با یکدیگر مبادله نکنند، آنگاه هر کدام از آن‌ها دقیقاً برابر با آنچه که خود تولید کرده‌است، کالا مصرف می‌کنند. در این حالت محدوده امکان‌پذیر تولید برابر با محدوده امکان‌پذیر مصرف است؛ بدین معنی که بدون مبادله، ترکیباتی از سیب‌زمینی و گوشت را نشان می‌دهد که کشاورز یا دامدار می‌توانند مصرف کنند. اگرچه مرز امکان‌های تولید برای نشان دادن بده بستانی که دامدار و کشاورز با آن روبه‌رو هستند مفید است، اما نمی‌توانند به ما بگویند که آن‌ها چگونه تصمیم می‌گیرند که چه مقدار از زمان خود را به تولید گوشت و چه مقدار را به تولید سیب زمینی اختصاص دهند. فرض کنیم که ترکیباتی را که با نقاط «الف» و «ب» در شکل‌های ۱ و ۲ مشخص شده‌اند را انتخاب کنند: کشاورز ۲ کیلوگرم سیب زمینی و ۱

کیلوگرم گوشت تولید و مصرف می‌کند، درحالی که دامدار ۲,۵ کیلوگرم سیب زمینی و ۲۰ کیلوگرم گوشت تولید و مصرف خواهد کرد.

### اصل مزیت نسبی

اگر دامدار هم در پرورش دام و هم در کاشت سیب زمینی بهتر است، چگونه کشاورز می‌تواند در کاری که بهتر می‌تواند انجام دهد مشغول شود؟ به نظر می‌رسد که کشاورز هیچ کاری را نمی‌تواند بهتر انجام دهد. باید به اصل مزیت نسبی توجه کنیم. به عنوان اولین گام برای درک این اصل، سؤال زیر را در نظر بگیرید: در مثالی که داشتیم، چه کسی می‌تواند سیب زمینی را با هزینه کمتری تولید کند: کشاورز یا دامدار؟ دو جواب برای این سؤال وجود دارد و این دو جواب کلید درک منافع حاصل از مبادله است.

### مزیت مطلق

یک راه پاسخ دادن به سؤال در مورد هزینه تولید سیب زمینی این است که مقدار نهاده مورد نیاز دو تولیدکننده را باهم مقایسه کنیم. دامدار تنها ۸ ساعت برای تولید ۱ کیلوگرم سیب زمینی نیاز دارد، در حالی که کشاورز ۱۰ ساعت نیاز دارد. بر اساس این داده‌ها، ممکن است نتیجه گرفته شود که دامدار کمترین هزینه تولید سیب زمینی را دارد. اقتصاددانان هنگامی که بهره‌وری یک فرد، بنگاه یا یک ملت را با دیگری مقایسه می‌کنند از اصطلاح مزیت مطلق استفاده می‌کنند. تولیدکننده‌ای که به نهاده کمتری برای تولید کالا نیاز دارد، در تولید آن کالا دارای مزیت مطلق نامیده می‌شود. در مثالی که مرور کردیم، دامدار هم در تولید گوشت و هم در تولید سیب‌زمینی مزیت مطلق دارد، زیرا در مقایسه با کشاورز به زمان کمتری برای تولید ۱ واحد از هر کدام از کالاها احتیاج دارد.

### هزینه فرصت و مزیت نسبی

به هزینه تولید سیب‌زمینی می‌توان از زاویه دیگری نیز نگاه کرد. می‌توان به جای توجه کردن به نهاده‌های مورد نیاز تولید، هزینه فرصت افراد را باهم مقایسه کنیم. هزینه فرصت یک شیء، تمام آن چیزی است که از دست می‌دهیم تا آن شیء را به دست آوریم. در مثالی که دیدیم، فرض کردیم که دامدار و کشاورز هر کدام هفته‌ای ۴۰ ساعت کار می‌کنند؛ بنابراین مدت زمانی که صرف تولید سیب زمینی می‌شود، از زمان تولید گوشت می‌کاهد. هنگامی که دامدار و کشاورز تقسیم زمان خود را بین دو کالا تغییر می‌دهند، روی مرز امکانات تولید خود حرکت می‌کنند؛ به عبارتی آن‌ها از یک کالا استفاده می‌کنند تا کالای دیگر را تولید کنند. هزینه فرصت بده بستانی را که هر کدام با آن مواجه هستند را اندازه می‌گیرد. ابتدا هزینه فرصت دامدار را در نظر بگیریم. تولید ۱ کیلوگرم سیب‌زمینی، ۸ ساعت از زمان کاری او می‌کاهد. هنگامی که دامدار آن ۸ ساعت را به تولید سیب‌زمینی اختصاص می‌دهد، ۸ ساعت کمتر به تولید

گوشت می‌پردازد. از آنجایی که دامدار تنها یک ساعت برای تولید یک کیلوگرم گوشت احتیاج دارد، ۸ ساعت کار به ۸ کیلوگرم گوشت منجر می‌شود؛ بنابراین هزینه فرصت ۱ کیلوگرم سیب زمینی برای دامدار ۸ کیلوگرم گوشت است.

حال هزینه فرصت کشاورز را در نظر بگیرید. تولید ۱ کیلوگرم سیب زمینی برای او ۱۰ ساعت هزینه دارد. از آنجایی که او ۲۰ ساعت زمان برای تولید ۱ کیلوگرم گوشت لازم دارد، در ۱۰ ساعت ۰,۵ کیلوگرم گوشت تولید خواهد کرد. در نتیجه هزینه فرصت ۱ کیلوگرم سیب زمینی برای کشاورز ۰,۵ کیلوگرم گوشت است. دقت کنید که هزینه فرصت گوشت معکوس هزینه فرصت سیب زمینی است. چون ۱ کیلوگرم سیب زمینی برای دامدار ۸ کیلوگرم گوشت هزینه دارد، ۱ کیلوگرم گوشت برای او 0/125 کیلوگرم سیب زمینی هزینه دارد. به‌طور مشابه چون ۱ کیلوگرم سیب زمینی برای کشاورز 0/5 کیلوگرم گوشت هزینه دارد، ۱ کیلوگرم گوشت برای کشاورز ۲ کیلوگرم سیب زمینی هزینه دارد. اقتصاددانان هنگام مقایسه هزینه فرصت دو تولیدکننده از اصطلاح مزیت نسبی استفاده می‌کنند. تولیدکننده‌ای که هزینه فرصت کمتری برای تولید یک کالا دارد، یعنی کسی که باید از مقدار کمتری از کالای دیگر بگذرد تا این کالا را تولید کند، در تولید آن دارای مزیت نسبی نامیده می‌شود. در مثالی که دیدیم، کشاورز نسبت به دامدار هزینه فرصت کمتری در تولید سیب زمینی دارد (0/5 کیلوگرم در مقابل ۸ کیلوگرم گوشت). دامدار نیز نسبت به کشاورز هزینه فرصت کمتری در تولید گوشت دارد (0/125 کیلوگرم (یک هشتم) در مقابل ۲ کیلوگرم سیب زمینی). در نتیجه کشاورز مزیت نسبی در تولید سیب زمینی دارد، در حالی که دامدار در تولید گوشت به‌طور نسبی بهتر است و مزیت نسبی دارد. آنچه که باید به آن دقت کنید این است که اگرچه یک نفر می‌تواند در تولید هر دو کالا مزیت مطلق داشته باشد ولی نمی‌تواند در تولید هر دو کالا مزیت نسبی داشته باشد. چون هزینه فرصت یک کالا معکوس هزینه فرصت کالای دیگر است، اگر هزینه فرصت یک کالا برای فردی به‌طور نسبی زیاد باشد، آنگاه هزینه فرصت او برای کالای دیگر باید به‌طور نسبی کم باشد. مادامی که دو نفر هزینه فرصت دقیقاً یکسانی نداشته باشند، یکی از دو نفر در تولید یک کالا و نفر دوم در تولید کالای دیگر مزیت نسبی خواهند داشت.

### مزیت نسبی و مبادله و محاسبه هزینه - فایده به نفع عموم

تفاوت در هزینه فرصت افراد و مزیت نسبی منافع مبادله را به وجود می‌آورد. هنگامی که هر فرد به کاری که در آن مزیت نسبی دارد مشغول می‌شود، کل تولید در اقتصاد افزایش می‌یابد و این افزایش می‌تواند برای بهبود وضع همگی مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، تا زمانی که دو فرد هزینه فرصت متفاوتی دارند، هر دو می‌توانند با کسب یک کالا در قیمتی پایین‌تر از هزینه فرصت خود، از مبادله منفعت ببرند. حال مبادله مطرح شده را از دیدگاه دامدار در نظر بگیرید. دامدار ۱ کیلوگرم سیب زمینی را به قیمت ۳ کیلوگرم گوشت می‌خرد. این قیمت سیب زمینی از هزینه فرصت او برای ۱ کیلوگرم

سیب زمینی، که ۸ کیلوگرم گوشت است، کمتر است؛ بنابراین دامدار از مبادله سود می‌برد زیرا سیب زمینی را به قیمت مناسبی می‌خرد. این منافع از آنجا به دست می‌آیند که هر فرد در فعالیتی متمرکز می‌شود که در آن هزینه فرصت کمتری دارد: کشاورز زمان بیشتری را به تولید سیب زمینی اختصاص می‌دهد و دامدار بیشتر به تولید گوشت می‌پردازد. در نتیجه کل تولید سیب زمینی و گوشت افزایش می‌یابد و آن‌ها این افزایش در تولید را بین خود تقسیم می‌کنند. مبادله می‌تواند وضع همه را در جامعه بهبود دهد زیرا اجازه می‌دهد که هر فرد در فعالیتی متمرکز شود که در آن مزیت نسبی دارد.

### قیمت مبادله

اصل مزیت نشان می‌دهد که منافعی در تخصص‌گرایی و مبادله وجود دارد، اما چندین مبحث مرتبط با آن را بدون پاسخ باقی می‌گذارد. چه چیزی قیمتی را که در آن مبادله شکل می‌گیرد تعیین می‌کند؟ منافع مبادله چگونه بین طرفین آن تقسیم می‌شود؟ پاسخ دقیق این سؤالات از حوصله این بحث خارج است، اما می‌توان یک قاعده کلی را بیان کرد: برای این که هر دو طرف مبادله از آن نفع ببرند، قیمتی که در آن مبادله شکل می‌گیرد باید بین هزینه فرصت‌های طرفین باشد. در مثالی که باهم دیدیم، دامدار و کشاورز قبول کردند که با نرخ ۳ کیلوگرم گوشت در برابر ۱ کیلوگرم سیب زمینی مبادله کنند. این قیمت بین هزینه فرصت دامدار (۸ کیلوگرم گوشت برای هر کیلوگرم سیب زمینی) و هزینه فرصت کشاورز (۲/۱ کیلوگرم گوشت برای هر کیلوگرم سیب زمینی) است. لازم نیست قیمت دقیقاً وسط هزینه فرصت آن دو باشد تا مبادله شکل گیرد، اما باید جایی بین ۲/۱ و ۸ باشد. برای آن که بدانیم چرا قیمت باید در این محدوده باشد، تصور کنید اگر این گونه نباشد چه اتفاقی می‌افتد. اگر قیمت هر کیلوگرم سیب زمینی کمتر از ۲/۱ کیلوگرم گوشت باشد، آنگاه هم کشاورز و هم دامدار تصمیم خواهند گرفت که سیب زمینی بخرند زیرا قیمت آن کمتر از هزینه فرصت آن‌ها است. به‌طور مشابه، اگر قیمت هر کیلوگرم سیب زمینی بالاتر از ۸ کیلوگرم گوشت باشد آنگاه هر دو می‌خواهند که سیب زمینی بفروشند، زیرا قیمت آن بیشتر از هزینه فرصت آن‌هاست. اما این اقتصاد تنها دو عضو دارد و آن‌ها نمی‌توانند هر دو خریدار یا هر دو فروشنده سیب زمینی باشند، یک نفر باید طرف دیگر مبادله را به عهده بگیرد؛ بنابراین مبادله‌ای که دو طرف از آن نفع ببرند در قیمتی بین ۲/۱ و ۸ شکل می‌گیرد. در این محدوده، دامدار می‌خواهد گوشت بفروشد و سیب زمینی بخرد، کشاورز نیز می‌خواهد سیب زمینی بفروشد تا گوشت بخرد. هر کدام از طرفین مبادله می‌تواند کالایی را در قیمتی پایین‌تر از هزینه فرصت خود بخرد. در نهایت، هر دو در کاری که در آن مزیت نسبی دارند مشغول می‌شوند و در نتیجه رفاه ایشان افزایش می‌یابد.

### فهرست کالاهای دارای مزیت نسبی در ایران

منابع

منکیو، گرگوری، ۲۰۰۳. اصول اقتصاد، ویرایش سوم، فصل سوم. [۴]

منکیو، گرگوری، ۲۰۰۹. خلاصه‌ای از اصول اقتصاد کلان، ویرایش پنجم، فصل سوم. [۵]

مطالعه بیشتر [ویرایش]

واریان، هال، ۲۰۰۵. اقتصاد خرد مقدماتی، فصل سی دوم. [۶]

جیوارتنی، استروپ، سوبل و مک فرسن، ۲۰۰۶. اقتصاد خرد-انتخاب خصوصی و عمومی، ویرایش یازدهم، فصل دوم. [۷]

فلچر، ایان، ۲۰۱۰. نادرستی «مزیت نسبی» در توجیه تجارت آزاد و بی‌اعتباری مفروضات آن.

[1] Fletcher, Ian

پانویس

مزیت نسبی در اقتصاد

نفع هر کشوری در این است که به تخصصی شدن در تولید و ارائه کالاها و خدماتی بپردازد که در آن بهترین است و با مبادله مازاد آن با کشورهای دیگر نیاز خود به کالاها و خدمات دیگر را تأمین کند

فهرست کالاهای دارای مزیت نسبی در ایران

صادرات/واردات ایران و استرالیا بر اساس مزیت نسبی از مولف

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

مقدمه

مفهوم مزیت نسبی، در تکامل نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت ابتدا در زمینه تجارت بین‌الملل به کار برده شد، به طوری که دیوید ریکاردو، در نوشته‌های خود در قرن نوزدهم میلادی، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که نفع هر کشوری در این است که به تخصصی شدن در تولید و ارائه کالاها و خدماتی بپردازد که از نظر نسبت قیمت‌ها در آن بهترین است و با مبادله مازاد آن با کشورهای دیگر، نیاز خود به کالاها و خدمات دیگر را تأمین کند. مللی که سعی می‌کنند خودکفا باشند در واقع به نوعی فقر را در میان مردم خود گسترش می‌دهند، چرا که با تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین نیستند، آن کالا را با قیمتی بالاتر از

قیمتی که کشورهای دیگر می‌توانستند ارائه دهند به مردم خود می‌فروشنند، در حالی که می‌توانستند با آزاد گذاشتن مردم شان برای تولید کالاهایی که در تولید آن‌ها بهترین اند، نهایت بهره‌وری و سود را از آن ایشان سازند. رابرت تورنز نیز دیگر اقتصاد دانی است که گفته می‌شود هر چند نه به صورت کتاب ریکاردو مدون و شفاف، ولی به این بحث مزیت نسبی پرداخته‌است. همین منطق برای شرکای تجاری بیشتر نیز صادق است. تجارت آزاد در میان ملت‌ها باعث افزایش رفاه تمامی طرفین تجاری می‌گردد. در ذیل کالاهایی که ایران در تولید آن‌ها دارای مزیت نسبی می‌باشد فهرست شده‌است. مزیت نسبی امر ثابتی نبوده و طی زمان می‌تواند تغییر یابد. این مزیت در نتیجه تکنولوژی متفاوت تولید حاصل می‌شود و طبیعی است با پیشرفت‌ها و دستاوردها یا تحولاتی (که گاه پس رفت تکنولوژیک ایجاد می‌نمایند مانند سیل و زلزله و جنگ و...) که در جامعه رخ می‌دهد مزیت‌ها مدام جابجا شوند.

### روش‌های عددی شناسایی مزیت نسبی

با توجه به اینکه تعیین قیمت نسبی در دنیای واقعی امری با تنوع بسیار زیاد کالایی و مسائل مربوط به نرخهای ارز و سیاست‌های دولت و غیره امکان‌پذیر نمی‌باشد جهت تعیین میزان مزیت نسبی، روش‌های عددی متفاوتی ارائه شده‌است که ذیلاً به آن‌ها پرداخته می‌شود. این روش‌ها و شاخص‌ها بسته به نوع داده‌ها و نحوه استفاده از آن‌ها ممکن است پیش‌نگر/پس‌نگر یا پویا/ایستا باشند.

### شاخص یا روش بالانس

یکی از شاخص‌ها و روش‌های عددی مورد استفاده در شناسایی مزیت نسبی توسط اقتصاد دانی به نام بالاسا ارائه شده‌است که تحت عنوان مزیت نسبی آشکار شده با علامت اختصاری RCA شناخته می‌شود. این شاخص، یک شاخص ایستای گذشته‌نگر است. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۱۳۸۲ طرح پژوهشی جامعی در خصوص تعیین مزیت نسبی صادراتی کالاهای ایرانی با استفاده از این شاخص انجام داده‌است. تحقیقات موردی متعددی هم برای گروه‌های کالایی خاص با استفاده از این روش انجام شده‌است

### مدل جاذبه ادیسون

مدل یا نظریه جاذبه یک نظریه تجاری است تا یک شاخص، طبق نظریه جاذبه که مهمترین نظریه‌ای در تجارت بین‌الملل است که بحث هزینه‌های حمل و نقل را وارد مدل و بحث کرده‌است میزان تجارت بین دو کشور تابعی مستقیم از اندازه اقتصاد آن دو کشور و تابعی معکوس از فاصله آن دو می‌باشد. شاخص جاذبه هم یک شاخص ایستای گذشته‌نگر است. به‌طور معمول به اقتباس از فرمول جاذبه فیزیک نسبت

حاصلضرب حجم تولید ناخالص داخلی دو کشور بر مجذور فاصله آن‌ها برابر میزان جاذبه بین دو کشور می‌باشد اما این یک فرمول مقدماتی است.

### فهرست کالاهای دارای مزیت نسبی در ایران

بیشتر مزیت‌های صادراتی ایران مربوط به محصولات معدنی و صنایع معدنی نظیر سیمان، محصولات پتروشیمی، فراورده‌های نفتی، مواد اولیه و محصولات کشاورزی است. زعفران، پسته، شمش آهن، فرش، حیوانات زنده، فورآلدئید، کولر آبی، کربنات باریم طبیعی، پوست دباغی‌شده، خرما، محصولات تخت‌نوردشده از آهن و فولاد، کشمش، گاز، زغال‌سنگ، گلیم، دی‌تیونیت و سولفوکسیلات، شیر و عصاره شیرین‌بیان، مویز و انگور خشک‌شده، مس، متانول، گوگرد و گل‌گوگرد، سنگ‌مرمر و تراورتن، وازلین، گرید دارویی، موی حیوانات، زیره سبز مهمترین کالاهای صادراتی هستند که ایران در سطح جهانی برای صادرات آن‌ها حرفی برای گفتن دارد.

### خاویار ایران

ایران از عمده‌ترین تولیدکنندگان خاویار است و از مزیت نسبی در صادرات خاویار برخوردار بوده است. می‌توان کشورهای ژاپن، سوئد، کره جنوبی، آلمان، عمان، انگلستان، فرانسه، نروژ و قبرس را به عنوان تعدادی از گزینه‌های صادرات خاویار ایران معرفی نمود. اما ماهیان خاویاری جزو گونه‌های در معرض انقراض یا در خطر انقراض کنوانسیون CITES هستند و با توجه به رفتار نامطلوب کشورهای حاشیه دریای خزر و نیز ورود برخی ماهیهای ناسازگار با زیست‌بوم خزر گونه‌های آن در معرض خطر بیشتری قرار گرفته است.

### خرمای ایران

بخش کشاورزی در میان بخش‌های اقتصادی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. ایران از دیرباز یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان بزرگ خرما می‌باشد. مقادیر شاخص‌ها در اکثر سال‌ها، نشان از مزیت نسبی خرما ایران دارد.

اتخاذ راهبردهای سیاستی به منظور حفظ ثبات شاخص‌های مزیت خرما ایران می‌تواند جایگاه این محصول را در صادرات بهبود دهد.

### فرش دستبافت ایرانی

یکی از پدیده‌های قابل توجه در سالهای اخیر روند رو به رشد جهانی شدن است. کشور ما نیز به منظور گسترش صادرات غیرنفتی و حضور در بازارهای جهانی درصدد پیوستن به سازمان تجارت



جهانی (WTO) برآمده و در حال حاضر عضو ناظر این سازمان است. یکی از صنایع مهمی که بدین منظور باید مورد مطالعه قرار گیرد صنعت فرش دستبافت است. شاخص توان رقابت صادراتی فرش دستبافت ۶۵ رج ابریشمی اصفهان برابر با ۰/۸۸ است و بیانگر این است که فرش دستبافت ۶۵ رج ابریشمی استان اصفهان در شرایط فعلی در بازارهای جهانی دارای توان رقابت است. شاخص مزیت نسبی نیز بر اساس هزینه واحد که همان مزیت رقابتی واقعی در شرایط رقابت آزاد شرایط بعد از پیوستن ایران به (WTO) است، برابر با ۰/۷۹ و نشان دهنده مزیت نسبی این استان در تولید فرش مذکور می‌باشد.

## زعفران ایرانی

ایران با داشتن بیش از ۹۵ درصد تولید زعفران، محصولش را به ۴۵ کشور جهان صادر می‌کند. کشور اسپانیا با اختصاص حدود یک چهارم واردات این محصول ایرانی یکی از کشورهای است که بیشترین سهم را در تجارت خارجی زعفران ایرانی دارد. اسپانیا زعفران ایرانی را به ۱۴۰ کشور دنیا، به نام خود، صادر می‌کند، اینکه اسپانیا زعفران ایرانی را با نام خودش صادر می‌کند به‌تأیید یکی از اعضای شورای ملی زعفران رسیده است. مقصد انواع زعفران ایرانی، کشورهایمانند آلمان، اتریش، اردن، اسپانیا، استرالیا، استونی، اسکاتلند، افغانستان، امارات متحده عربی، انگلستان، بحرین، بلژیک، بوسنی، تایوان، ترکیه، چین، سنگاپور، سوئد، سوئیس، عراق، عربستان سعودی، عمان، فرانسه، فیلیپین، قطر، کانادا، کویت، موریس، ویتنام، هلند، هنگ کنگ، ایتالیا، نپال، مالزی، هند، ژاپن، سریلانکا، مجارستان، آذربایجان است، که البته خود کشور اسپانیا نیز با اختصاص حدود یک چهارم از کل صادرات این محصول ایرانی، خود یکی از کشورهای است که بیشترین سهم را در تجارت زعفران ایرانی دارد، همچنان بازارهای ناشناخته بسیاری وجود دارد که ایران می‌تواند زعفرانش را در آنجا عرضه کند. [۳]

## منابع: پایگاه بصیرت / گروه اقتصادی / احسان مرادی

مزیت نسبی را دیوید ریکاردو، اقتصاددان انگلیسی پایه‌گذاری کرد و این تئوری در تکمیل تئوری مزیت مطلق آدام اسمیت مطرح شد. بر اساس مفهوم مزیت نسبی چنانچه کشوری کالایی را از دیگر کالاها ارزان‌تر تولید کند، در تولید چنین کالایی مزیت نسبی دارد. محور اصلی این نظریه هزینه فرصت است. هزینه فرصت یک کالا تمام چیزی است که از دست می‌دهیم تا آن کالا را به دست بیاوریم. تولیدکننده‌ای که هزینه فرصت او برای تولید کالایی کمتر است (کسی که باید از مقدار کمتری از کالای دیگر بگذرد تا این کالا را تولید کند) در تولید آن مزیت نسبی دارد. مفهوم مزیت نسبی، ابتدا در زمینه تجارت بین‌الملل به کار برده شد. نفع هر کشوری در این است که به تخصصی شدن در تولید و ارائه کالاها و خدماتی پردازد که در آن بهترین است و با مبادله مازاد آن با کشورهای دیگر نیاز خود به کالاها و خدمات دیگر را تأمین

کند (که آنها نیز در تولید و ارائه آنها بهترین هستند). ملی که سعی می‌کنند خودکفا باشند، در واقع به نوعی فقر را در میان مردم خود گسترش می‌دهند؛ زیرا با تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین نیستند، آن کالا را با قیمتی بالاتر از قیمتی که کشورهای دیگر می‌توانستند ارائه دهند به مردم خود می‌فروشند؛ در حالی که می‌توانستند با آزاد گذاشتن مردمشان برای تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین‌اند، نهایت بهره‌وری و سود را به آنان اختصاص دهند. یک کشور می‌تواند در تولید دو کالا مانند پارچه و نوشابه از یک شریک تجاری بهتر باشد؛ ولی باز هم برای آن کشور بهتر است که در تولید کالایی تخصصی شود که «نسبت» به شریک تجاری و کالای دیگر، بهتر آن را تولید می‌کند. این جایی است که واژه نسبی در عبارت مزیت نسبی موجودیت می‌یابد. بدین ترتیب هر کشوری با تخصصی شدن در تولید کالایی که نسبتاً مزیت بیشتری در تولید آن دارد، می‌تواند دیگر کالاهای مورد نیاز خود را با مبادله مازاد تولید خود با مازاد تولید دیگر کشورها تأمین کند. تخصصی شدن و انجام مبادله سبب می‌شود که هر یک از کشورها بتوانند بیشتر از حالتی که به تولید هر دو کالا می‌پردازند مصرف کنند. همین منطق برای شرکای تجاری بیشتر نیز صادق است. تجارت آزاد در میان ملت‌ها رفاه دو طرف تجاری را افزایش می‌دهد. تولید با مزیت نسبی سبب افزایش آرامش و صلح‌جویی در روابط انسان‌ها می‌شود. وقتی افراد تخصصی می‌شوند و به مبادله می‌پردازند، به یکدیگر وابسته می‌شوند. این فرم از همکاری اجتماعی، انگیزه افراد را برای آسیب رساندن به شرکای تجاری خود کاهش می‌دهد؛ چرا که آنها برای تأمین نیازهای گوناگون خود به یکدیگر وابسته‌اند. در اینجا نیز آنچه برای افراد صدق می‌کند، برای کشورها نیز صادق است؛ کشورهای که به دلیل تجارت آزاد با هم به هم وابسته شوند، بسیار کمتر مایلند که با یکدیگر بجنگند. بدین ترتیب با پیش رفتن هر چه بیشتر فرایند بین‌المللی تخصصی شدن در نتیجه تجارت آزاد، راه برای برقراری صلح جهانی هموارتر خواهد شد. از طریق همین تخصصی شدن و مبادله است که «تفاوت از یک نفرین به یک موهبت تبدیل می‌شود.» این روزها صحبت از خوبی‌های تنوع و گوناگونی مد شده و جای تأسف دارد که در بیشتر این بحث‌ها توجه بسیار کمی به اقتصاد می‌شود. وقتی مردم آزاد باشند تا با مزیت نسبی تولید کنند و سپس به مبادله آن پردازند، تنوع انسانی به منشأ رفاه فزاینده مادی و بهبود روابط صلح‌جویانه میان آنها مبدل می‌شود. هر چه آزادی بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های بازار به مردم دهیم، تنوع و گوناگونی انسان بیشتر، به موهبتی برای افزایش رفاه و بهبود صلح تبدیل می‌شود.

### مزیت نسبی

**مزیت نسبی** از اصطلاحات تجارت بین‌الملل و به معنای کل تولید گروهی از افراد، یک شرکت، و یا کشور زمانی بیشتر است که تولید هر کالا توسط فرد یا بنگاهی انجام شود که کمترین هزینه فرصت را دارد. و تولید با مزیت نسبی همچنین باعث افزایش آرامش و صلح‌جویی در روابط انسان‌ها می‌شود. آدم

اسمیت در کتاب ثروت ملل (۱۷۷۶) برای نخستین بار از برتری و مزیت یاد کرد؛ ولی در آغاز قرن نوزدهم دیوید ریکاردو، اقتصاددان بزرگ انگلیسی مفهوم مزیت نسبی را شرح و بسط داد.

## تاریخچه

از همان آغاز پیدایش علم اقتصاد، مبادلات بین‌المللی (تجارت بین‌الملل) هم مورد بحث قرار گرفته است. اولین نظریه‌ای که در مورد تجارت بین‌الملل ارائه شده، در اواسط قرن شانزدهم و در انگلستان، به‌نام مرکانتیلیسم بوده است. اساس نظریه مرکانتیلیسم تاکید بر صادرات بیشتر و واردات کمتر است. تا در نهایت به مازاد تراز بازرگانی منجر شود. اما آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳)، بنیانگذار مکتب کلاسیک، در سال ۱۷۷۶ در کتاب "ثروت ملل"، نظریه جدیدی را تحت عنوان مزیت مطلق در تجارت بین‌الملل مطرح نمود. در ادامه، دیوید ریکاردو که از شاگردان همین مکتب به‌شمار می‌آید، در "کتاب اصول اقتصاد سیاسی" که در سال ۱۸۱۷ منتشر شد، نظریه مزیت نسبی را ارائه کرد؛ که نسبت به نظریه اسمیت فراگیرتر بود. این نظریات (مزیت مطلق و نسبی)، تا مدت‌ها به‌عنوان پایه نظریات تجارت بین‌الملل به‌شمار می‌آمد. تا این‌که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، نظریات دیگری هم در این قلمرو ارائه گردید.

## مفهوم‌شناسی مزیت نسبی بر اساس شاخصه‌های مواف

**نظیر نظریه مزیت نسبی ریکاردو (David Ricardo):** ۱۷۷۲-۱۸۲۳ (تاکنون به‌عنوان یکی از مهمترین قوانین بلامنازع اقتصادی، با کاربردهای وسیع عملی، پایدار مانده است. طبق قانون مزیت نسبی، حتی اگر یک کشور در تولید هر دو کالا نسبت به کشور دیگر کارایی کمتری داشته باشد (یعنی در تولید هیچ کالایی مزیت مطلق نداشته باشد)، هنوز هم پایه‌ای برای تجارت دوجانبه سودآور وجود دارد. کشور اول باید در تولید و صدور کالایی تخصص پیدا کند، که دارای عدم‌مزیت مطلق کوچکتری است (کالایی که دارای مزیت نسبی است) و کالایی را وارد کند، که عدم‌مزیت مطلق بزرگتری دارد. (کالایی که دارای عدم مزیت نسبی است) (مثال: دو کشور تایلند و کره جنوبی را در نظر بگیرید که هر دو امکان تولید گندم و برنج را دارا هستند؛ اما شرایط آن‌ها در تولید این دو کالا متفاوت است. تایلند در تولید هر دو کالا از مزیت مطلق برخوردار است. در تایلند با ۱۰ واحد منابع تولیدی، ۱ تن گندم و با ۱۳/۵ واحد منابع، ۱ تن برنج تولید می‌شود. بنابراین هرگاه این کشور ۲۰۰ واحد منابع تولیدی در اختیار داشته باشد، می‌تواند ۲۰ تن گندم یا ۱۵ تن برنج تولید کند. در کشور کره جنوبی هم شرایط بدین‌گونه است؛ که برای تولید هر تن گندم ۴۰ واحد منابع و برای هر تن برنج ۲۰ واحد منابع باید به‌کار برده شود. اگر فرض کنیم این کشور هم ۲۰۰ واحد منابع تولید در اختیار دارد، می‌تواند با به‌کارگیری آن به ۵ تن گندم یا ۱۰ تن برنج دست یابد.

اکنون تصوّر کنید، این دو کشور، تمایلی برای انجام مبادله با یکدیگر نداشته و قصد دارند از هر دو کالا تولید کنند. در راستای این هدف، نیمی از منابع خود را صرف تولید گندم و نیمی دیگر را به تولید برنج اختصاص می‌دهند. در این حالت، تایلند می‌تواند به ۱۰ تن گندم و ۷/۵ تن برنج؛ یعنی جمعا به ۱۷/۵ تن از دو محصول دست یابد و کشور کره جنوبی هم می‌تواند موفق به تولید ۲/۵ تن گندم و ۵ تن برنج، یعنی جمعا به ۷/۵ تن کالا گردد. با توجه به این شرایط، ممکن است چنین برداشت کنیم که چون کشور تایلند در تولید هر دو کالا نسبت به کره جنوبی برتری مطلق دارد، بنابراین دلیلی برای انجام مبادله با این کشور نخواهد داشت. اما واقعیت این است که تایلند در زمینه تولید گندم نسبت به کره مزیت نسبی دارد؛ یعنی این‌که توان تولیدش در گندم ۴ برابر کره جنوبی است؛ اما در تولید برنج فقط ۱/۵ برابر. پس می‌توان گفت که تایلند به‌صورت مقایسه‌ای یا نسبی در تولید گندم، کارآمدتر از تولید برنج است و اگر همه منابع خود را در تولید گندم به‌کار گیرد و آن‌گاه بخشی از محصول خود را با کره جنوبی مبادله نماید، منافع بیشتری به‌دست می‌آورد. همچنین اگر کره هم در تولید برنج تمرکز نماید و بخشی از تولیدش را با تایلند مبادله کند، به منابع بیشتری دست می‌یابد.

### انتقادات وارد بر نظریه مزیت نسبی

#### مدل ریکاردو (مزیت نسبی) در اقتصاد بین‌الملل دارای چندین فرض است :

- ۱) کلیه متغیرهای مورد توجه مدل، در سیستم اقتصادی، مستقل از متغیرهای پولی هستند. این فرض، که گاه تحت عنوان خنثی، پول، خوانده می‌شود، به این معنی است، که ابعاد پولی متغیرها را در نظر نمی‌گیریم و حتی هنگامی که از قیمت‌ها صحبت می‌شود، آن‌ها را به‌صورت قیمت‌های نسبی مطرح می‌کنیم.
- ۲) همه عوامل تولید، در جامعه، دارای مقدار ثابت هستند؛ به این معنی که تغییر قیمت این عوامل، هیچ تغییری در مقدار مؤثر دسترسی به این عوامل نمی‌دهد. به این ترتیب، با افزایش قیمت زمین، مردم به قابل استفاده کردن زمین‌های موات، رغبت زیادتری نشان نمی‌دهند. به زبان تحلیلی، معنای این فرض، چنین است که منحنی عرضه عوامل تولید، خطی عمودی است؛ که کاملاً کشش‌ناپذیر است.
- ۳) عوامل تولید در سطح بین‌المللی غیر متحرکند، در حالی‌که در داخل کشور تحرک کامل دارند.
- ۴) سطح تکنولوژی و آگاهی‌های فنی تولیدکنندگان محصولات مشابه در یک کشور، در یک سطح است. به عبارت دیگر توابع تولید کلیه تولیدکنندگان محصولات مشابه، همسان است.
- ۵) سلیقه افراد جامعه برای تقاضای محصولات تغییری نمی‌کند. به عبارت دیگر مجموعه منحنی‌های بی‌تفاوتی افراد ثابت است.
- ۶) هیچ‌گونه محدودیتی از نظر حمل و نقل کالا و کسب اطلاعات تجاری در بین کشورها وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، هیچ بازرگانی، به‌خاطر هزینه حمل و نقل یا ناآگاهی از بازارهای فروش و یا عوارض

وارداتی، مسیر تجاری خود را منحرف یا قطع نمی‌کند. ارزش‌ها مبتنی بر میزان مشارکت عامل کار در تولید هر کالا است.

اولین و جدی‌ترین نقدی که بر نظریه مزیت نسبی وارد شده، این است که طبق نظریه ارزش کار، ارزش یا قیمت کالا، فقط به مقدار نیروی کار استفاده‌شده در تولید آن کالا بستگی دارد. به عبارت دیگر، نیروی کار، تنها عامل تولید و همگن است (یعنی فقط یک نوع نیروی کار داریم) و از آنجا که هیچ‌یک از فرضیات فوق صحت ندارد، مجبوریم نظریه ارزش کار ریکاردو را مردود اعلام کنیم. چراکه نیروی کار، نه فقط تنها عامل تولید نیست، بلکه همگن نیز نمی‌باشد. با کنار گذاشتن نظریه ارزش کار، می‌توانیم تفسیر ریکاردو از مزیت نسبی را زیر سؤال ببریم. چراکه یکی از پیش‌فرض‌های نظریه مزیت نسبی وی، همان نظریه ارزش کار وی بوده است. نظریه مزیت نسبی در تجارت بین کشورهای امکان‌پذیر است، که از سطح همسانی در اقتصاد و پیشرفت‌های تکنولوژی برخوردار باشند؛ در حالی‌که در دنیای واقعی، کشورها به لحاظ اقتصادی در درجات مختلفی از توسعه اقتصادی قرار دارند. شواهد و تجربیات نشان می‌دهد که حتی کشورهای توسعه‌یافته‌تر نیز به دلیل حفظ منابع اقتصادی خود، مبنای مبادلات خود را صرفاً بر اساس نظریه مزیت نسبی قرار نداده و با ابزارهای مختلف، از قبیل برقراری تعرفه‌های گمرکی، از منابع خود حمایت کرده‌اند.

#### پانویس

۱. ↑ حقیقی، محم د، بازرگانی بین‌المللی نظریه‌ها و کاربردها، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چاپ دوم، ص ۳-۱۳.
۲. ↑ سالواتره، دومنیک، تجارت بین‌الملل، حمیدرضا ارباب، تهران، نی، ۱۳۸۵، چاپ ششم، ص ۴۸-۵۰.
۳. ↑ سالواتره، دومنیک، تجارت بین‌الملل، حمیدرضا ارباب، تهران، نی، ۱۳۸۵، چاپ ششم، ص ۴۸-۵۰.
۴. ↑ حقیقی، محمد، بازرگانی بین‌المللی نظریه‌ها و کاربردها، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چاپ دوم، ص ۱۲-۱۷.
۵. ↑ کلباسی، حسن، تجارت بین‌الملل تئوری و سیاست‌ها، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۲-۱۳.
۶. ↑ سالواتره، دومنیک، تجارت بین‌الملل، حمیدرضا ارباب، تهران، نی، ۱۳۸۵، چاپ ششم، ص ۵۴.

## مزیت نسبی در صادرات / واردات توسعه گرا

## تبیین تاثیر مزیت مطلق و نسبی بر فرآیند صادرات

نویسندگان: شهرزاد مصطفوی نوید تکشی

رشدیابی ثروت ملل و یا به مفهوم امروزی پیشرفت های ژرف اقتصادی و اجتماعی و گسترش رفاه عمومی (public welfare)، باوجود این که از نظر «علل شناسی» و «معلول سنجی» طیف وسیعی از عوامل و مولفه ها را در درون خود جای می دهد، اما در مجموعه مرجع آن می توان یک مولفه را نسبت به بقیه متمایز و «خود ویژه» کرد و آن هم تئوری مزیت نسبی (comparative Advantage) است. برپایه نظریه مزیت نسبی، چنان چه کشوری یک کالا را نسبت به دیگر کالاها ارزان تر تولید کند، آن کشور در تولید کالای مورد نظر دارای مزیت نسبی است. همین رویکرد در امر تجارت نیز قابل تعمیم و گسترش است. به این مضمون که اگر صادرات کالا با هزینه های کم تر در مقایسه با سایر کشورها صورت پذیرد، نوعی مزیت برای کشور صادرکننده منظور می شود. حتی می توان این تئوری را از جنبه هزینه (cost) نیز مورد توجه قرار داد، کاهش هزینه تولید در یک کشور در مقایسه با سایر کشورها می تواند در ارتباط با هزینه های تولید، نوعی برتری و مزیت محسوب شود. بنابراین، برای شناسایی مزیت نسبی در عرصه تولید باید عوامل تولید و کم و کیف ضرایب مزیت نسبی آن ها مشخص شود تا بتوان عامل مزیت نسبی را در فرآیند تولید کالا برآورد کرد. علاوه بر تغییرات و پیشرفت های تکنولوژیکی که نوعی پیچیدگی در تئوری مزیت نسبی ایجاد می کند، عرضه محصولات به بازارهای جهانی یعنی مرحله «صدور کالا» نیز می تواند بر روی «مزیت نسبی» تاثیرگذار باشد. در واقع، در بازارهای بین المللی عوامل تاثیر گذاری از قبیل تقاضای جهانی برای محصول، هزینه های ترانسپورت (حمل و نقل)، بازاریابی و تبلیغات تجاری، خدمات بیمه بین المللی و... می توانند محدودیت هایی برای «مزیت نسبی» در عرصه اقتصادی بین الملل و همچنین فعالیت های اقتصادی ایجاد کند.

## متن

برای درک بهتر تاثیر مفاهیم مزیت مطلق و نسبی در صادرات باید بین دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است، در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. «رشد اقتصادی» به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد نیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب

می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر کرد. منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد. "توسعه اقتصادی" عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی صورت خواهد گرفت. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد. توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه مانند کشور عزیزمان ایران، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است. حال قبل از هر چیز بهتر آن است که آشنایی کوتاهی در مورد شاخص‌های اقتصادی داشته باشیم که در ذیل به اختصار به آن اشاره شده است داشته باشیم:

## شاخص‌های توسعه اقتصادی ایران در تعامل با کشورهای کامله الودادی در تعالیم 114

### به شاخص‌های مزیت‌های نسبی، آمایش سرزمینی و لجستیک عدالت توزیعی

از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتگی می‌توان این موارد را برشمرد: الف. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل‌ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی درآمد سرانه 5000 دلار در سال نشانگر توسعه‌یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه 10000 دلار ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجاکه شاخص درآمد سرانه با لحاظ کردن قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌شود و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌شود.

ج. شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI): کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار شد. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نیز در حساب‌های ملی منظور شده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید. شاخص‌های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه 1980، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد کردند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گراهان (1973) بر مبنای 18 شاخص اصلی (73 زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد (بعد، شاخص توسعه انسانی معرفی گردید). و. شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال 1991 توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که بر اساس این شاخص‌ها محاسبه می‌شود: درآمد سرانه واقعی (بر اساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است).

### توسعه اقتصادی و مزیت نسبی:

از قرن هجدهم و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه‌های اقتصادی ظهور کرد. این اندیشه‌ها، در پی تئوریزه کردن رشد در حال ظهور، علل و عوامل، راهکارهای هدایت و راهبری، و بررسی پیامدهای ممکن بود. از جمله مکاتب پایه در توسعه اقتصادی نظریه مزیت نسبی است که بر اساس این نظریه، مبادله آزاد مابین کشورها، باعث افزایش مقدار تولیدات (محصول) جهانی می‌شود. اگر هر کشوری به تولید کالاهایی روی آورد که توانایی تولید آن‌ها را با هزینه نسبی کمتری (در مقایسه با دیگر شرکا و رقبای تجاری خود) دارد، در این صورت، کشور مفروض قادر خواهد بود، مقداری از کالاهایی را که با هزینه کمتری تولید می‌کند با کالاهای دیگری که ملت‌های دیگر قادر به تولید ارزانتر آن‌ها هستند، مبادله کند. در پایان یک دوره زمانی، ملت‌ها درخواهند یافت که امکانات مصرف آن‌ها، در اثر تجارت و تخصصی شدن، نسبت به زمانی که همه کالاهای مورد نیاز خود را در داخل کشور هایشان تولید می‌کرده‌اند، افزایش یافته است. به همین خاطر، اقتصاددانان، تجارت آزاد جهانی را مطلوب می‌دانند چون باعث افزایش تولید ناخالص ملی کشورها و بالتبع افزایش رفاه ملت‌ها خواهد شد. او به کمک مفهوم "هزینه فرصت" نشان داد که نباید کشورها (بنابر اعتقاد اقتصاددانان گذشته) صرفاً بر تولید کالاهایی که در آن‌ها دارای مزیت مطلق (در مقابل دیگر کشورها) هستند، متمرکز شوند بلکه در داخل کشور نیز باید با در نظر گرفتن هزینه جایگزینی یک کالا با کالای دیگر، بر مبنای مزیت نسبی (مقایسه‌ای) عمل کرد. بدین طریق همه کشورها



متقابلاً منتفع خواهند شد. تحلیل مزیت نسبی (مقایسه‌ای) ریکاردو برای اثبات تخصصی‌شدن در تولید و تجارت، بهترین سیاستی است که کشورها باید تعقیب کنند. آنچه باید بر نظریه ریکاردو بیفزاییم (به عنوان نقد) اینست که اینکه کشوری در چه زمینه‌ای متخصص شود از صرف تخصصی‌شود، از صرف تخصصی شدن مهم‌تر است، چون برخی کالاها دارای تقاضای روبه‌گسترشی در سطح جهان هستند که دیگر کالاها از آن محرومند. حال برای اینکه بهتر بتوانیم مفهوم و تاثیر نظریات ریکاردو را در اقتصاد در حال رشد و تجارت درک کنیم بهتر آن است که گذری بر آن داشته باشیم:

### تاریخچه مزیت نسبی

موضوع مزیت در ابتدا توسط آدام اسمیت در ادبیات تجارت بین‌الملل مطرح شده که در واقع به وسیله آن، علت تجارت تبیین شده است. بر طبق نظریه اسمیت چنانچه کشوری بتواند کالایی را ارزانتر از کشور دیگری تولید کند و کشور مقابل نیز کالای دیگری را ارزانتر از کشور نخست تولید کند، هر یک از کشورها در تولید کالایی که ارزانتر تولید کرده‌اند مزیت دارند. بنابراین هر یک از کشورها چنانچه مبادرت به صدور کالایی که در آن مزیت دارند و ورود کالایی که در آن مزیت ندارند بکنند، هر دو کشور از این مبادله نفع خواهند برد (اصل مزیت مطلق آدام اسمیت (1776)). حال چنانچه شرایطی وجود داشته باشد که یکی از طرفین مبادله هر دو کالای مورد بحث را ارزانتر تولید کند در این شرایط اصل مزیت مطلق قادر به پاسخگویی نیست، اینجاست که ریکاردو با مطرح کردن نظریه مزیت نسبی علت مبادله را تبیین کرد. بر اساس مفهوم مزیت نسبی چنانچه کشوری یک کالا را نسبت به دیگر کالاها ارزانتر تولید کند، این کشور در تولید چنین کالایی مزیت نسبی دارد. بعلاوه، اگر کشور مذکور بتواند کالای مورد نظر را در مقایسه با سایر کشورها با هزینه پایین‌تری صادر کند در مقایسه با سایر کشورها از مزیت نسبی در صادرات برخوردار خواهد بود. نظریه مزیت نسبی ریکاردو توسط عده‌ای از اقتصاددانان، بسط و گسترش یافت. برای نمونه، باس تیبل، مارشال و هابرلر از جمله کسانی هستند که توجه خود را عمدتاً در جهت اثبات غیر ضروری بودن برخی از مفروضات نظریه ریکاردو معطوف کرده‌اند که در این بین تلاش هابرلر از همه برجسته‌تر است. بر اساس نظریات وی، نظریه ارزش کار برای ارائه نظریه هزینه نسبی ضروری نیست. بلکه هزینه کالا برابر مقدار کالای دومی است که با تولید کالای اولی بایستی از تولید آن چشم‌پوشی کرد. در این صورت هر کشور به تولید و صدور کالایی خواهد پرداخت که هزینه فرصت آن کمتر باشد، طبیعی است که هر قدر تفاوت هزینه‌های فرصت بین دو کشور مبادله‌کننده بیشتر باشد، انگیزه مبادله و تجارت نیز بیشتر خواهد بود. در نظریه کلاسیکها نیز مزیت نسبی معمولاً برحسب قیمت‌های نسبی قبل از تجارت تعریف می‌شود و در شرایط رقابت کامل عمل می‌کند اما در دنیای واقعی به

دلیل عدم برقراری فروض کلاسیک مزیت نسبی، از جمله تجارت آزاد و رقابت کامل، تئوری کلاسیک مزیت نسبی با مشکل مواجه است. مطالعات کاربردی که به اندازه‌گیری مزیت نسبی پرداخته‌اند عمدتاً بر اساس اطلاعات و آمار پس از تجارت بوده و مزیت نسبی را بر مبنای آنها تعیین می‌کنند. در واقع، چنین روشهایی بیشتر ساختار و عملکرد تجارت خارجی یک کشور را نشان می‌دهد. برای اولین بار لایزنر به ارایه الگویی با عنوان مزیت نسبی آشکار شده (RCA) پرداخته و از این شاخص برای برآورد سنجش عملکرد صادراتی کشورها و کالاهای منتخب استفاده کرد.

## تعریف مزیت نسبی

مزیت نسبی عبارت است از توانایی یک کشور در تولید و صدور کالایی با هزینه نسبی کمتر و قیمت ارزانتر. به این مفهوم که هر کشوری که در کالای خاصی مزیت نسبی دارد، در تولید و صادرات آن کالا تخصص پیدا خواهد کرد و در مقابل، کالاهایی را که در آنها مزیت نسبی ندارد از سایر کشورها وارد خواهد کرد تا نیاز تقاضا کنندگان را پاسخگو باشد. اگر این تعریف از مزیت نسبی را بپذیریم، در آن صورت وجود صادرات می‌تواند نشان‌دهنده مزیت نسبی در کالاهای صادراتی و وجود واردات نشان‌دهنده عدم مزیت نسبی در کالاهای وارداتی باشد. ولی ماهیت آمارهای تجارت بین‌المللی به گونه‌ای است که در ارزیابی تجربی از مزیت نسبی بر حسب کالاها مسائل و مشکلاتی را پدید می‌آورد. بر اساس این اطلاعات، اغلب کشورها هم صادر کننده و هم وارد کننده یک گروه خاص از کالاها می‌شوند لذا اندازه گیری های واردات و صادرات را به عنوان یک شاخص مستقیم از مزیت یا عدم مزیت نسبی بی اعتبار می‌کند. بعلاوه، جریانهای حقیقی تجارت بین‌الملل نسبت به شرایط ایده آل تجاری (الگوهای مزیت نسبی در محیط تجارت آزاد) بسیار متفاوت و پیچیده تر است. مزیت نسبی در تولید (قیمت تمام شده یا هزینه) به دو گونه بالفعل و بالقوه قابل بررسی است. مزیت نسبی بالفعل به بررسی مزیت نسبی کالا یا بخش خاصی می‌پردازد که در دوره زمانی و مرز جغرافیایی تعریف شده‌ای، تولید آن بطور بالفعل محقق شده باشد. از سوی دیگر، مزیت نسبی بالقوه به بررسی مزیت نسبی کالا یا بخش خاصی می‌پردازد که تولید در دوره زمانی و مرز جغرافیایی تعریف شده‌ای، بطور بالفعل محقق نشده باشد. ولی بطور بالقوه قابلیت تولید داشته باشد. همچنین هر یک از آن دو، به گونه اسمی (جاری یا پولی) و حقیقی قابل محاسبه هستند، حالت (اسمی) به موردی اطلاق می‌شود که در محاسبات و بررسی‌ها از قیمت‌های حاکم بر بازار فعلی عوامل تولید (اعم از کار، سرمایه، مدیریت، تکنولوژی، ارز و...) و کالا استفاده شود، ولی در حالت حقیقی از قیمت‌های حقیقی (قیمت در تعادل یا قیمت در شرایط رقابت کامل) یا سایه ای (قیمتهایی که بیانگر هزینه

فرصت از دست رفته کالا یا منبع خاص است ( عوامل تولید و کالا استفاده شود. بدین ترتیب، چهار حالت برای بررسی مزیت نسبی می‌توان در نظر گرفت (مزیت نسبی چهارگانه) :

- 1- **مزیت نسبی بالفعل اسمی: قیمت‌ها جاری (وضعیت موجود) است و تولید کالا در مرز تعریف شده محقق شده است**
- 2- **مزیت نسبی بالفعل حقیقی: قیمت‌ها سایه ای یا حقیقی (وضع مطلوب) است و تولید کالا در مرز تعریف شده محقق شده است.**
- 3- **مزیت نسبی بالقوه اسمی: قیمت‌ها جاری است و تولید کالا در مرز تعریف شده محقق نشده است.**
- 4- **مزیت نسبی بالقوه حقیقی: قیمت‌ها سایه ای یا حقیقی هستند و تولید کالا در مرز تعریف شده محقق نشده است.**

حالت چهارم، وضعیت مطلوب را از همه جهات متعارف، مورد توجه قرار می‌دهد یعنی وضعیتی را که صنعت یا محصولی خاص توانایی رسیدن به آن را دارد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بررسی مزیت نسبی به خوبی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را پوشش می‌دهد، و می‌توان با ابزاری که در دسترس سیاستگذار است، از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب حرکت کرد. می‌توان گفت که اگر مزیت‌های نسبی به درستی شناسایی شوند و در عمل نیز محقق گردند، روند توسعه، اعم از آن که استراتژی توسعه اقتصادی، عبارت از جایگزینی واردات، تشویق صادرات، و یا تلفیقی از آنها باشد، سریع و پایدار خواهد بود. همچنین، این شناسایی در کاهش و رفع معضلاتی از قبیل کسری تراز پرداختها، بیکاری و... مثمر ثمر است. لذا شناسایی مزیت‌های نسبی، راهنمایی مطمئن و عاملی جذاب برای سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی خواهد بود. در واقع، شناسایی مزیت‌های نسبی هر منطقه استفاده بهتر از امکانات موجود است که با تحقق این امر، توسعه منطقه تسریع می‌شود.

#### **جنبه‌های کاربردی مزیت نسبی:**

مفهوم مزیت نسبی مقوله‌ای است که تحت شرایط زمانی و مکانی قرار نمی‌گیرد، یعنی در هر زمان و هر مکانی برای اینکه بخوبی بتوان از منافع تجارت بین‌الملل منتفع شد بایستی صادرات بر مبنای مزیت نسبی باشد. مضافاً این که از لحاظ نظری علت مبادله را بخوبی تبیین می‌کند، اما در عمل چنانچه از این نظریه برای شناخت مزیت‌های نسبی یک کشور استفاده شود مشکلات زیادی پیش رو خواهد بود، مضاف بر آن در زمینه‌هایی که مزیت نسبی را بتوان ایجاد کرد نیز چیزی ارائه نمی‌دهد. ضمن آنکه نظریه مزیت نسبی

فقط تا حدودی شرایط تولید را با فروض بسیار ساده کننده در نظر می‌گیرد و براساس آن روابط تجاری را تبیین می‌کند. از طرف دیگر، عوامل و عناصر مختلف بعد از مرحله تولید را نادیده می‌گیرد. مقوله مزیت نسبی از دیدگاه شناخت یا ایجاد را می‌توان بدین صورت بیان کرد که یک کشور در چه زمینه‌هایی دارای مزیت نسبی است؟ در مراحل پیچیده‌تر، این مسئله بدین صورت است که در چه زمینه‌هایی می‌توان مزیت نسبی را ایجاد کرد؟ به هر حال، شناخت یا ایجاد مزیت نسبی از اهمیت اساسی برخوردار است. مخصوصاً اینکه به دلایلی چون پیشرفت تکنولوژی، ممکن است مورد یا مواردی که در آن مزیت نسبی وجود دارد تغییر یابد. گرچه بیان تئوریک مسائل یاد شده ممکن است ساده باشد اما تبیین جنبه‌های کاربردی آن پیچیدگی زیادی دارد، و مستلزم آن است که در هر یک از مراحل فرآیند صادرات، عوامل و عناصر مختلفی را مدنظر قرارداد. بنابراین وجود مزیت نسبی در مرحله تولید، نمی‌تواند شرط کافی برای بهره‌گیری کامل از مزیت‌های نسبی باشد بلکه تنها می‌تواند شرط لازم باشد. شرط کافی زمانی مهیا می‌شود که مراحل و تقاضای بازارهای صادراتی نیز فراهم باشد. در هر صورت برای اینکه بدانیم در هر مرحله چه عناصر و عواملی را باید مدنظر قرارداد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف) در زمینه تولید: نظریه‌های سنتی تجارت بین‌الملل اصولاً مزیت نسبی را در زمینه تولید مورد بحث قرار داده‌اند. برای نمونه نظریه بهره‌مندی از عوامل تولید، مزیت‌های نسبی هر کشور را در تولید و صدور کالا یا کالاهایی تبیین می‌کند که آن کشور برای تولید آن کالا یا کالاها از عوامل تولید فراوان و ارزان بیشتر استفاده می‌کند. بنابراین عوامل تولید و کم و کیف آن را بایستی شناسایی کرد، چنانچه کشوری دارای نیروی کار فراوان باشد. انتظار می‌رود از نیروی کار ارزان برخوردار باشد. در این شرایط اگر کشور مورد نظر، کالایی که تولید آن، نیروی کار نسبتاً بیشتری را لازم داشته باشد، تولید کند در این زمینه مزیت و برتری خواهد داشت و در صورت صادرات این کالاها، می‌تواند از منافع تجارت خارجی منتفع شود. همین مزیت نسبی با توجه به پیشرفت تکنولوژی و استفاده وسیع از آرمک‌های آهنی بجای نیروی انسانی موجب می‌شود که برتری نسبی تغییر یابد و در واقع نوع کالا یا کالاهایی که قبلاً در آن، مزیت نسبی وجود داشته دیگر مزیت نداشته باشد.

#### ب) عرضه به بازارهای جهانی (مرحله صدور):

وجود مزیت نسبی در زمینه تولید شرط لازم برای بهره‌گیری از مزیت‌ها است. برای استفاده از مزیت‌های نسبی بایستی بتوان کالاهای تولید شده را به بازارهای مصرف جهانی عرضه کرد. در این مرحله چند عامل عمده تاثیر گذار وجود دارد؛ تقاضای خارجی، حمل و نقل، بیمه، بازاریابی و تبلیغات از جمله این عوامل هستند. بعد از آنکه کالا تولید شد و آماده انتقال به بازارهای مصرف شد بین مرحله تولید و

بازارهای مصرف خارجی مجموعه عواملی وجود دارد که بعضاً استفاده از مزیت نسبی را شدیداً متاثر می‌سازند. عوامل عمده تاثیر گذار در این مرحله عبارتند از: حمل و نقل، انبارداری، بسته‌بندی، بیمه، بازاریابی و تبلیغات و سایر عوامل که تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر صادرات دارند. بعنوان مثال چنانچه نظام حمل و نقل مناسبی وجود نداشته باشد چه بسا امکان جمع آوری بسیاری از تولیدات قابل صدور میسر نشود و یا بسته‌بندی که امروزه نقش زیادی در تجارت جهانی دارد، بگونه نامناسبی باشد، بدون شک آینده صادرات این قبیل کالاها امیدوار کننده نخواهد بود. از سوی دیگر، وجود هر یک از عوامل مزبور که سبب ایجاد هزینه برای کالاهای صادراتی شود موجب افزایش قیمت تمام شده کالاهای صادراتی شده و بنابراین بخشی از مزیت و برتری نسبی در زمینه تولید خنثی خواهد شد. (ج) در زمینه تقاضا: از نقطه نظر تقاضا، عوامل مختلفی مطرح است که بایستی مورد توجه قرار گیرد از جمله کشش‌پذیری و تغییر تقاضای کالاهای صادراتی و محدودیت‌ها و موانع ایجاد شده برای ورود به بازارهای صادراتی. هر یک از عوامل فوق ممکن است اثرات تعیین کننده‌ای بر صادرات بجا گذارد. امروزه با ابزار و روش‌های مختلفی از جمله تبلیغات، سلیقه مصرف کننده تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در نتیجه در موارد متعددی تولیدکنندگان و فروشندگان قادرند تقاضای کافی برای کالاهای خود ایجاد نمایند. معهذاً از این نظر ضمن آنکه رشد جمعیت و افزایش درآمد بر میزان تقاضا اثر می‌گذارد، تغییر سلیقه از کالاهای دیگر به کالای مورد نظر نیز اهمیت یافته است. بنابراین باید شاخص‌هایی را در نظر گرفت که به کمک آن بتوان آینده تقاضای کالاهای صادراتی را مشخص نمود. معمول‌ترین این شاخص‌ها کشش تقاضا می‌باشد. در واقع با استفاده از کشش تقاضا می‌توان تعیین نمود که چه نوع کالاهایی دارای چشم‌انداز بهتری خواهند بود و سپس براساس آن به سراغ تعیین مزیت‌های نسبی کشور (به ویژه ایجاد مزیت نسبی) رفت. لازم به ذکر است که تقاضای مورد بحث در اینجا تقاضای خارجی است. گرچه تقاضای داخلی نیز اثرات مشابهی از این لحاظ دارد. مهمتر آنکه از تقاضای داخلی می‌توان بعنوان یک امکان برای رقابتی کردن تولیدات قابل صدور استفاده کرد. در این راستا بایستی تقاضای داخلی را به سوی کالاهای جانشین سوق داد تا به اندازه کافی کالا جهت عرضه ایجاد شود. از لحاظ نظری کالاهایی که از کشش درآمدی بالا برخوردارند چشم‌انداز بهتری برای صدور دارند. چرا که هر قدر کشش بیشتر باشد، با افزایش سطح درآمد، تقاضای مصرف‌کننده با نرخ بیشتری افزایش می‌یابد. محصولات جانشین و رقیب و حتی مکمل نیز از جمله مقولاتی است که تقاضای خارجی کالاهای صادراتی را متاثر می‌سازد؛ یعنی چنانچه محصول کاملاً جانشین برای کالای صادراتی تولید شده و به بازار عرضه شود، مسلماً تقاضا برای کالای صادراتی دچار نقصان خواهد شد. همین مسئله را می‌توان برای انواع کالاهای جانشین در نظر گرفت، از این نظر شاید تفکر برای یافتن جانشین‌های نزدیک برای کالاهای صادراتی نه تنها در حفظ بازارهای صادراتی موثر خواهد بود بلکه می‌توان سهم بازار دیگران را نیز به خود اختصاص دهد. علاوه بر کشش تقاضا، برخی از شاخص‌های دیگر نیز می‌تواند چشم‌انداز بازارهای صادراتی را مشخص نماید از جمله این شاخص‌ها می‌توان به

ارزش واردات، نرخ رشد آن برای کشور وارد کننده، سهم بازار کشور صادر کننده و تغییرات آن، رشد اقتصادی و ثبات آن و ارزش متوسط هر واحد کالای صادراتی اشاره کرد.

## نتیجه گیری:

مزیت نسبی و توسعه صادرات: مزیت نسبی یکی از مباحث اصلی نظریه‌های تجارت بین‌الملل و به تبع آن توسعه صادرات است. توسعه صادرات در برخی از کشورهای در حال توسعه از حدود دهه 1970 میلادی به بعد به عنوان یکی از راهبردهای اصلی توسعه بوده است. از جمله دلایل اتخاذ چنین راهبردی توسط کشورهای در حال توسعه دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، تامین نیازهای ارزی، بهره برداری مطلوبتر از امکانات داخلی، صدور مازاد تولید داخلی و نهایتاً استفاده از بازارهای جهانی است. کشورهای توسعه اقتصادی خود را در توسعه صادرات می‌دیدند، صادرات کالاهای صنعتی را مورد توجه قرار دادند؛ اما صرفنظر از موفقیت یا عدم موفقیت راهبرد توسعه صادرات، این راهبرد چه در زمینه صدور مواد اولیه و چه کالاهای ثانویه، بر مبنای مزیت نسبی استوار است. سه مرحله مرتبط بهم در ارتباط با صادرات شامل موارد زیر است: مرحله یک به تولید و مسائل آن مربوط می‌شود؛ یعنی با توجه به این که اگر تولیدی نباشد صادراتی نخواهد بود. بنابراین لازمه تحقق توسعه صادرات متحول کردن زمینه‌های تولید است. پس از آنکه تولیدی صورت گرفت زمینه‌های صدور فراهم می‌شود. در این مرحله مجموعه اقداماتی که فرآیند صادرات را تحت تاثیر قرار می‌دهد باید مورد بررسی قرار گیرد. و بالاخره در مقابل صادرات یا عرضه کالاهای تولید شده به بازارهای جهانی، تقاضای خارجی مطرح است، از این لحاظ نیز عوامل و عناصر متعددی (اعم از سیاست‌های تجاری کشورهای وارد کننده، کشش‌ها و...) صادرات هر کشور را متاثر می‌سازد. بنابراین، در شرایط فعلی نیاز داریم با شناخت بازارهای جهانی، بهره‌گیری از تئوری مزیت نسبی و با سیاست توسعه صادرات، نقش ناچیز خود را در عرصه اقتصاد جهانی بهبود بخشیم و توانایی و ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی کشور را به سطح بهره‌وری و کارایی لازم سوق دهیم تا اقتصاد کشور در مسیر تحولات اقتصادی جهانی قرار گیرد و فاصله به وجود آمده تقلیل یابد. صدور مواد خام (نفت، گاز، معادن و...) بدون ایجاد ارزش افزوده لازم مزیت نسبی محصولات ملی را به شدت کاهش خواهد داد و اقتصاد کشور در بلندمدت نمی‌تواند هزینه‌های رو به تزاید خود را پوشش دهد و فرصتی برای سرمایه‌گذاری و جریان بازتولید فراهم نمی‌شود. از این رو، باید از شرایط جهانی حداکثر استفاده را کرد تا در آینده نقش ایران در اقتصاد منطقه از درجه نخست و در اقتصاد جهان در گام بعد در شأن و منزلت این سرزمین قرار گیرد. منابع و ماخذ:

رحمانی تیمور،(1381)، اقتصاد کلان ( جلد دوم)، انتشارات برادران، صص 132-142  
روز بهان محمود،(1379)، اقتصاد کلان ، انتشارات تابان ، صص 231-259  
حق جو ناصر، بازشناسی اهمیت مزیت نسبی در اقتصاد، روزنامه سرمایه، شماره 266، ص 13  
Michael, E.Porter. (1990) The Competitive Advantages of Nation, The Free Press  
.Adivision of Macmillan Inc  
.Michael, E.Porter. (1998) Competitive Advantage , Free Press London Macmillan  
C.K.Prahald.(1994)“Competing for the Future”, Harvard Business & Hamel Gray  
.School

این رساله با تفصیل لازم در تعلیم 28 دنبال شده است